
آقای
رئیس
جمهور


بسم الله الرحمن الرحيم

آقای رئیس جمهور

(مجموعه‌ی موضوعی بیانات مقام معظم رهبری
دربارهٔ مسأله انتخابات ریاست جمهوری)

جبهه فرهنگی دانشجویان و فارغ التحصیلان
استان اصفهان

فهرست

مقدمه ۷

روش غیر مستقیم انتخاب رئیس جمهور ۱۵

روش مستقیم انتخاب رئیس جمهور ۱۹

الف- ویژگی‌های شخصیتی رئیس جمهور ۲۳

ب- شاخص‌های نگاه عملی ۳۵

۱ نگاه عملی رئیس جمهور در زمینهٔ تبلیغات انتخاباتی ۳۷

۲ نگاه عملی رئیس جمهور در زمینهٔ تمدن سازی نوین اسلامی و سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی ۴۷

۳ نگاه عملی رئیس جمهور در زمینهٔ فرهنگ ۶۷

۴ نگاه عملی رئیس جمهور در زمینهٔ تعلیم و تربیت ۸۱

۵ نگاه عملی رئیس جمهور در زمینه‌های علمی ۸۹

۶ نگاه عملی رئیس جمهور در زمینهٔ اقتصاد ۹۷

۷ نگاه عملی رئیس جمهور در زمینهٔ سیاست خارجی ۱۲۳

۸ نگاه عملی رئیس جمهور در زمینهٔ سیاست داخلی ۱۳۷

۹ نگاه عملی رئیس جمهور در زمینهٔ مردم ۱۵۱

۱۰ نگاه عملی رئیس جمهور در زمینهٔ مبارزه با فساد ۱۵۹

مقدمه


انتخاب رئیس جمهور
روش مستقیم
روش غیر مستقیم
شاخص‌های شخصیتی
شاخص‌های نگاه عملی
دشمن از چه کسی حمایت می‌کند؟
معتمدین از چه کسی حمایت می‌کنند؟
نگاه عملی در تبلیغات رئیس جمهوری
نگاه عملی در سیاست‌های کلان و تمدن اسلامی
نگاه عملی در فرهنگ
نگاه عملی در تعلیم و تربیت
نگاه عملی در علم
نگاه عملی در اقتصاد
نگاه عملی در سیاست داخلی
نگاه عملی در سیاست خارجی
نگاه عملی در مورد مردم
نگاه عملی در مبارزه با فساد

با سلام و صلوات بر پیامبر ختمی مرتبت و اهل بیت طاهرش

خداوند متعال را شاکریم که این توفیق را به ما داد تا بتوانیم تهیه و تنظیم این کتاب را به پایان برسانیم. کتاب حاضر تلاشی برای شفاف نمودن هرچه بیشتر بیانات ولی فقیه زمان و فهم سریع و آسان منظومهٔ فکری ایشان است. متأسفانه یکی از مظلومیت های بزرگ مقام معظم رهبری ناشناخته ماندن منظومهٔ فکری ایشان است که در نهایت نظم و امید و روشن بینی است و کمتر از زاویهٔ دیدی کلان به آن نظر می شود.

موضوع این کتاب از موضوعات بسیار کاربردی در جامعهٔ اسلامی است و با وجود اهمیت فوق العادهٔ آن، کمتر به صورت مدون و نظم یافته به آن پرداخته شده است. اینکه یک دولت در جمهوری اسلامی در مدت ۴ سال دقیقاً با چه شاخص‌هایی باید ارزیابی شود و یا در ایام انتخابات ریاست جمهوری، نامزدهای ریاست جمهوری با چه شاخص‌هایی باید سنجش شوند از مباحث مهمی است که اغلب پاسخ های پراکنده ای به آن‌ها داده می‌شود. نداشتن انسجام در شاخص‌ها در عموم مردم شاید قابل توجیه باشد ولیکن نداشتن معیار مشترک و مشابه برای افرادی که همه خود را تابع فردی خاص و ولی فقیه زمان خود می‌دانند قابل قبول نیست. نباید درک و دریافت‌ها از بیانات ولی فقیه زمان تا این اندازه متکثر و بعضاً متضاد باشد. شاید یکی از علل اصلی این تکثرها نداشتن تصوری جامع از بیانات ولی فقیه در یک موضوع باشد. البته در موارد زیادی بیانات ایشان در مجموعه‌های مختلفی گرد هم جمع آوری شده است ولی متأسفانه نامنظم بودن چیدمان آن‌ها به گونه‌ای است که در نهایت مخاطب به فهم روشنی نمی‌رسد.

شاید بتوان این کتاب را به این دلیل خاص منحصر به فرد دانست که تلاش شده است در پایان مطالعه آن، مجموعهٔ منظم و منسجمی از شاخص‌ها در ذهن مخاطب شکل بگیرد تا وی بتواند به صورت عملی از آن‌ها استفاده کند.

قبل از استفاده از این کتاب ذکر نکاتی در مورد آن ضروری به نظر می رسد:

۱- این کتاب صرفاً برای انتخابات نیست!

این کتاب صرفاً برای انتخاب فرد اصلح در انتخابات ریاست جمهوری

تدوین نشده است بلکه کاربرد مهم دیگر این کتاب، استفاده از آن برای ارزیابی عملکرد ۴ سالهٔ دولت‌ها و نقد مناسب آن‌هاست. بخش‌هایی که به شاخص‌های نگاه رئیس جمهور در زمینه های مختلف پرداخته‌اند بیان کنندهٔ معیارهای مطلوب دولت اسلامی در حوزه‌های مختلف هستند و معیار خوبی برای سنجش و همچنین سنجش عملکرد هر دولت نسبت به دولت‌های دیگر محسوب می‌شوند. استفاده از این شاخص‌ها نه تنها برای تک تک افراد می‌تواند کاربرد داشته باشد بلکه برای خواص و افراد اثرگذار که مایل به داشتن منظومهٔ کاملی از بیانات رهبری برای ارائه به عموم مردم هستند نیز سودمند است.

۲- با بررسی بیانات رهبری‌می‌توان به این نتیجه رسید که به طور کلی دو روش مستقیم و غیر مستقیم برای انتخاب رئیس جمهور وجود دارد. روش مستقیم بهترین راه برای تشخیص فرد اصلح است اما استفاده از این روش نباید سبب نادیده گرفتن شاخص‌های روش غیر مستقیم در انتخاب افراد گردد.

برای انتخاب مستقیم یک نامزد ریاست جمهوری باید به دو ویژگی کلی توجه کرد.

مورد اول، ویژگی‌های شخصیتی نامزد مورد نظر در راستای تحقق اهداف مورد نظر اوست. اموری مانند صداقت، تقوا، توانایی اجرایی، تدبیر، سعهٔ صدر و دیگر مواردی که در متن کتاب آمده‌است، لازمهٔ حرکت هر فرد برای رسیدن به اهداف فکری خود است. کسی که این ویژگی‌های شخصیتی را ندارد همچون کسی است که قلهٔ کوهی را برای رسیدن انتخاب کرده است ولیکن نه پایی برای رفتن دارد و نه ابزاری که بتواند او را به این هدف برساند.

ویژگی دوم، داشتن نگاه و جهت‌گیری صحیح در امر ریاست جمهوری است. اگر نامزد ریاست جمهوری اهداف مناسبی نداشته نباشد به طور قطع از همان ابتدا می‌توان پیش بینی کرد که در کار خود نمی‌تواند موفقیت به دست بیاورد. کار او مانند فردی است که قصد رفتن به قلهٔ کوه را دارد ولیکن مسیری که می‌پیماید او را به پرتگاه می‌رساند. نامزدهای ریاست جمهوری

نیز هرچند همگی به پیشرفت ایران اعتقاد دارند ولیکن هرکدام سعادت ایران را به شکل خاصی ترسیم می‌کنند که در برخی موارد کاملا با نظریات دیگران متفاوت است. بر این اساس توجه به اندیشه و بینش نامزدها از اهمیت زیادی برخوردار است.

با توجه به توضیحات گفته شده مطالب کتاب به دو بخش اصلی تقسیم شده است. در بخش اول، روش‌های غیر مستقیم انتخاب فرد اصلح از نظر مقام معظم رهبری و در بخش دوم روش‌های مستقیم رسیدن به فرد اصلح مطرح شده است. این بخش نیز در دو فصل مجزا به بیان معیارهای سنجش می‌پردازد. در فصل اول ویژگی‌های شخصیتی و در فصل دوم شاخص‌های اندیشه‌ای و بینشی نامزد اصلح مطرح می گردد.

البته هنگام ارزیابی نامزدها شاید تمام شاخص‌های مورد نظر به صورت کامل در یک فرد وجود نداشته باشد اما باید بکوشیم فردی را انتخاب کنیم که از حداقل های لازم در شاخص‌های مورد نظر، جهت تصدی جایگاه مهم ریاست جمهوری برخوردار باشد.

۳- برای سهولت استفاده از کتاب، ضمن اینکه تلاش شده شاخص‌های مورد نظر رهبری به صورت جامع و شایسته مطرح گردد، از نقل مطالب تکراری پرهیز شده است.

۴-تلاش شده است تا از میان مطالب تکراری در بیانات رهبری در یک موضوع خاص، تا حد امکان به آخرین و به روزترین بیانات توجه شود تا مخاطب قرابت زمانی بیشتر با آن‌ها احساس کند.

۵- در این کتاب دو دسته شاخص مطرح شده است. دستهٔ اول شاخص‌هایی هستند که در انتهای هر فصل کتاب آورده شده‌اند و بیانگر معیارهای دولت مطلوب اسلامی در آن موضوع خاص هستند. به عنوان مثال در پایان بخش سیاست خارجی جدولی قرار دارد که در آن، شاخص‌های به دست آمده از بیانات رهبری در مورد بحث سیاست خارجی در کنار یکدیگر آمده است و در ادامهٔ آن، خانه‌هایی قرار دارد که هر فرد می‌تواند با استفاده از اطلاعات موجود به ارزیابی عملکرد دولت‌های مختلف در آن شاخص و نمره‌دهی به آن بپردازد.

در بخش دیگر کتاب به صورت مجزا دفترچهٔ شاخص‌های رئیس جمهور تراز انقلاب اسلامی (و نه دولت مطلوب اسلامی) مطرح شده است. شاخص‌های رئیس جمهور تراز انقلاب، برگرفته از شاخص‌های دولت تراز انقلاب است و علت مختصر بودن آن‌ها این است که برخی از معیارهای دولت مطلوب اسلامی به گونه‌ای است که فهم و ارزیابی آن‌ها نیازمند گذر زمان است و نمی‌توان آن‌ها را در ایام محدود انتخابات ارزیابی کرد و به همین سبب، این موارد از بخش شاخص‌های رئیس جمهور تراز انقلاب حذف شده‌اند. در کنار این شاخص‌ها نیز خانه‌هایی برای نمره دهی قرار داده شده‌است تا مخاطب بتواند ارزیابی خود را در قالب نمره، به صورت کمّی بیان کند.

۶- شاخص‌های مطرح شده برای دولت و رئیس جمهور تراز انقلاب دارای جایگاه و ارزش یکسان نیستند. چه بسا نداشتن برخی شاخص‌ها نسبت به حداقل مطلوب، به تنهایی برای صلاحیت نداشتن یک نامزد کافی باشد و دیگر نیازی به بررسی سایر شاخص‌ها در مورد آن فرد نباشد. غالباً ضریب اهمیت هر شاخص در مقایسه با دیگر شاخص‌ها را نمی‌توان از بیانات رهبری به دست آورد و فهمید.

۷- در برخی موارد، می‌توان برخی شاخص‌ها را در ذیل شاخص‌های دیگر نیز تعریف کرد و از زیاد شدن معیارهای ارزیابی جلوگیری کرد ولیکن گاه تکرار زیاد آن شاخص در بیانات رهبری نشان می‌دهد که باید به آن توجه ویژه ای داشت. به عنوان مثال تأکیدات رهبری بر مقولاتی مانند اشتغال و تولید را می‌توان ذیل عنوان کلی«بهبود شاخص‌های کلان اقتصادی» مطرح کرد ولیکن تاکید زیاد ایشان بر این مقولات نشان می‌دهد آن‌ها را نباید به صورت عنوانی در ذیل سایر عنوان های کلان مورد توجه قرار داد و باید ضریب اهمیت بیشتری برای آن‌ها قائل شد؛ لذا این امور در عرض سایر موارد به عنوان شاخص‌های مهم مطرح شده‌اند و نه در طول آن‌ها.

۸- در زمینهٔ اقتصادی به دلیل شرایط خاص امروز کشور، بیانات رهبری بسیار بیشتر از سایر موضوعات است و ایشان با دقت بیشتری به این امور پرداخته‌اند؛ به همین منظور تلاش شده است که این توجه مضاعف رهبری،

در طرح شاخص‌های کتاب نیز لحاظ شود تا عمق بیشتری از نکات مورد نظر ایشان به مخاطب منتقل گردد. شاخص‌های مطرح در این بخش علاوه بر بحث سیاست های کلان اقتصاد مقاومتی، شامل اموری می شود که سایر وزارتخانه‌های مرتبط با اقتصاد مانند وزارت صنایع و معادن، وزارت کشاورزی یا کار و رفاه اجتماعی نیز با آن مواجه اند.

۹- در بخش اندیشه های رئیس جمهور تراز انقلاب، از عنوان خاص «بررسی نگاه عملی» استفاده شده است. علت استفاده از تعبیر «عملی» این است که متأسفانه سخنان تعداد زیادی از نامزدهای ریاست جمهوری با نوع عملکرد آن‌ها انطباق ندارد و حتی در موارد متعددی کاملاً برخلاف گفته‌های قبلی خود عمل می کنند. بهترین راهکار برای تشخیص صلاحیت این افراد این است که دیدگاه‌های آن‌ها را نه از بیان آن‌ها بلکه از روی عملکرد قبلی آن‌ها ارزیابی کنیم. یقیناً افرادی که در سابقهٔ عملکردی خود، صداقت یا تقوای اجتماعی و یا کارآمدی در زمینهٔ خاص نداشته اند صلاحیت ندارند که صرفاً با ادعای صداقت و تقوا و کارآمدی، جایگاه ریاست جمهوری را اشغال کنند. البته واضح است کسانی که حتی به صورت زبانی نیز دیدگاه های مناسبی ندارند، یقیناً در مرحلهٔ عمل نیز عملکرد خوبی از خود نشان نخواهند داد ولیکن مشکل ما فراتر از این‌گونه افراد است و در مورد افرادی صحبت می کنیم که از نظر تئوری و ادعایی بیانات خوبی دارند ولی در واقع به این سخنان خود اعتقادی ندارند و با انگیزه های دیگری این سخنان را می گویند؛ بنابراین توجه کردن به مفهوم «نگاه عملی» در این زمینه می‌تواند بسیار راهگشا باشد.

۱۰- از کسانی که تمایل دارند با آگاهی کامل در عرصهٔ نقد دولت‌ها و یا انتخابات شرکت کنند تقاضا می‌شود قبل از مراجعه به دفتر شاخص‌ها، حتماً ابتدا صحبت‌های رهبری و ادله و توضیحات ایشان را به طور کامل مطالعه کنند تا درک بهتری از معنای شاخص‌ها برای تحلیل عملکرد یک دولت داشته باشند.

۱۱- آخر سخن اینکه شایسته سپاسند آنان که با همتشان این اثر به ثمر نشست. برادران بزرگواری چون سید علی موسوی درچه ای: گردآوری

منظومه ای بیانات، امیر کوهی اصفهانی: بازبینی متن، دکتر علی جلالی: ویرایش اثر، سید صادق علامه فانی: صفحه آرایی. توفیق روزافزون این عزیزان را از خداوند متعال خواستاریم.

امید است که بتوانیم گام مؤثری در انتخاب فرد اصلح برای مدیریت کشور و همچنین ایجاد قدرت نقد منصفانه در مورد دولت ها برداشته باشیم و وظیفهٔ سربازی خود را برای امام زمان (عج) ادا کرده باشیم. اوست که مولا و مقتدای ماست و هرچه داریم از اوست.

جبهه فرهنگی دانشجویان و فارغ التحصیلان
استان اصفهان
اردیبهشت ۹۶

روش غیر مستقیم انتخاب

عمل کردن برخلاف خواستهٔ دشمنان

یکی از معیارها این است که هرچه دشمنان این ملت می‌خواهند، عکس آن باید عمل کرد. چیزی که آنها می‌خواهند، خیر ملت نیست؛ آنها منافع خودشان را دنبال می‌کنند. بلندگوهای استکباری دنیا که به مجلس هفتم اعتراض می‌کنند، همان کسانی هستند که مجالس صددرصد فرمایشیِ سلطنتیِ دوران شاه را قبول داشتند. الآن هم نظام‌هایی را که در آنها اصلاً رأی‌گیری به معنای درست کلمه وجود ندارد، قبول دارند اما به این مجلس اعتراض می‌کنند! چرا؟ چون آن، منافعشان را تأمین می‌کند اما این، منافعشان را تأمین نمی‌کند؛ آنها دنبال منافع خودشان هستند. اگر جهتی را نشان دادند و به جایی تمایلی داشتند، معلوم است که منافع آنها در آن است که درست نقطهٔ مقابل منافع ملت و نظام جمهوری اسلامی است و باید با آن مخالفت کرد؛ همان معیاری که امام؟رضو؟ به ما گفتند.[۱]

حالا از راه رادیو به مردم دارند دستور می‌دهند به فلانی رأی بدهید، به فلانی رأی ندهید. اینکه ما عرض می‌کنیم در انتخابات، مردم با بصیرت، با آگاهی، با دانایی وارد بشوند، به‌خاطر این است؛ بدانند دشمن چه می‌خواهد وقتی شما دانستی دشمن چه می‌خواهد، عکس او عمل می‌کنی.[۲]

استفاده از نظر افراد مورد اعتماد

از افرادی که ممکن است ما را هدایت کنند، راهنمایی کنند، کمک بخواهیم؛ بالاخره خودمان را به حجت شرعی برسانیم. اگر انسان بر طبق حجت شرعی کار کرد، چنانچه بعداً غلط هم از آب دربیاید، باز سرفراز است، می‌گوید من تکلیفم را عمل کردم اما اگر بر طبق حجت شرعی عمل نکنیم، بعد خطا از آب دربیاید، خودمان را ملامت خواهیم کرد؛ عذری نداریم، حجتی نداریم.[۳]

آنجایی که نمی‌شناسید، نگویید من نمی‌شناسم پس رأی نمی‌دهم؛ نه، بروید سراغ کسانی که به دین آنها، به تعهد آنها و به بصیرت آنها اطمینان

۱- دیدار با جمعی از دانشجویان بسیجی، ۱۳۸۴/۳/۵.
۲- بیانات در دیدار با مردم آذربایجان شرقی، ۱۳۹۴/۱۱/۲۸.
۳- دیدار با اقشار مختلف مردم، ۱۳۹۲/۲/۲۵.

دارید، از آنها سؤال کنید؛ این راه علاج است.[۱]

استفاده از فهرست‌های افراد مورد اعتماد (در مورد کسانی که نمی‌شناسیم)[۲]

من به ۳۱ نفر برای شورای شهر رأی دادم. البته بعضی از این حضرات را از نزدیک می‌شناختم، بعضی را هم نمی‌شناختم لکن اعتماد کردم به همین فهرست‌هایی که پیشنهاد می‌کنند و می‌دهند؛ یکی از آنها را ما گرفتیم و به اعتماد آنها بقیهٔ کسانی را که نمی‌شناختیم نامشان را نوشتیم.[۳]

۱- بیانات در دیدار با مردم نجف آباد؛ ۱۳۹۴/۱۲/۵.
۲- به این نکته باید توجه کرد که از نظر رهبر، رجوع به افراد مورد وثوق در جایی وجاهت دارد که خودمان شناخت دقیقی از افراد نداشته باشیم و در صورت داشتن شناخت کافی از افراد، دادن رأی مشابه با افراد مورد اعتماد، جایگاهی ندارد.
۳- گفت و گو با خبرنگار صدا و سیما پس از شرکت در انتخابات، ۱۳۹۲/۳/۲۴.

روش مستقیم انتخاب

لزوم انتخاب اصلح از میان صالحان

شورای محترم نگهبان، مردمانی پرهیزگار، متقی و آگاهند؛ طبق قانون تشخیصی می‌دهند و عده‌ای به عنوان افرادی که صالحند، معرفی می‌شوند؛ من و شما باید نگاه کنیم ببینیم در بین این صالح‌ها کدام صالح‌ترند، کدام بیشتر به درد مردم می‌خورند، کدام بیشتر می‌توانند این بار سنگین را بر دوش بکشند و با امانت کامل این راه را ادامه دهند و پیش ببرند؛ این را باید من و شما نگاه کنیم، ببینیم، بشناسیم.[۱]

رأی دادن با دقت کافی و شناخت

انتخاب که می‌خواهید بکنید، بشناسید و انتخاب کنید. به دینشان، به تعهدشان، به وفاداری‌شان به انقلاب، به ایستادگی‌شان در راه انقلاب، به عزم و اراده‌شان، به شجاعتشان و به مرعوب نشدنشان خاطرجمع بشوید، [آن‌وقت] رأی بدهید.[۲]

داشتن امتیازات رؤسای جمهور قبلی بدون ضعف‌های آنها

این را همه بدانند که آنچه ما برای رئیس جمهور آینده نیاز داریم، عبارت است از امتیازاتی که امروز وجود دارد، منهای ضعف‌هایی که وجود دارد. رئیس جمهورِ هر دوره‌ای باید امتیازات کسبی و ممکن‌الحصول رئیس جمهور قبلی را داشته باشد، ضعف‌های او را نداشته باشد. هر کسی بالاخره نقاط قوتی دارد و نقاط ضعفی دارد. رؤسای جمهور– چه رئیس جمهور امروز، چه رئیس جمهور فردا– نقاط قوتی دارند و نقاط ضعفی هم دارند. همهٔ ما همین جوریم؛ نقاط قوتی داریم، نقاط ضعفی داریم. آن چیزهایی که امروز برای دولت و برای رئیس جمهور نقاط قوت محسوب می‌شود، اینها باید در رئیس جمهور بعدی وجود داشته باشد، اینها را باید در خود تأمین کند؛ آن چیزهایی که امروز نقاط ضعف شناخته می‌شود– که ممکن است

۱- دیدار با اقشار مختلف مردم ، ۱۳۹۲/۲/۲۵.
۲- دیدار با مردم نجف آباد، ۱۳۹۴/۱۲/۵.

شما بگویید، من بگویم، دیگری بگوید– این نقاط ضعف را باید از خود دور کند. یعنی ما در سلسلهٔ دولت‌هایی که پشت سر هم می‌آیند، باید رو به پیشرفت باشیم، رو به تعالی و تکامل باشیم، تدریجاً بهترین‌های خودمان را بفرستیم.[۱]

۱- بیانات در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۲/۱/۱.

الف- ویژگی‌های شخصیتی رئیس‌جمهور

داشتن اعتماد به نفس و شجاعت

هرچه شما اعتماد به نفستان بیشتر باشد و شجاعانه‌تر کار بکنید – در همهٔ زمینه‌ها؛ چه سیاسی، چه اقتصادی، چه فنی و غیره – دشمن بیشتر دچار انزوا و ضعف خواهد شد و از هدف‌هایش دورتر خواهد افتاد.[۱]

پیگیری کارها

پیگیری ما چندان خوب نیست؛ باید پیگیری کنیم. آقای خاتمی چیزی را برای فلان‌جا پی‌نوشت کرده‌اند که چرا فلان کار نشده است– ایشان گاهی مفصل هم پی‌نوشت‌ها را می‌نویسند– دو ماه گذشته اما ترتیب اثر داده نشده است. ایشان باید پیگیری کنند که چرا نشد؛ مگر من گفته بودم که سال دیگر این کار بشود؟! من گفته بودم همین حالا صورت بگیرد. او باید بیاید جواب بدهد؛ حداقل این است که بیاید توجیه کند و بگوید این کار نشدنی است اما اینکه نیمه‌کاره بماند، درست نیست.[۲]

مسئولیت پذیری

صداقت و مسئولیت‌پذیری باید در مدیران وجود داشته باشد. هنر یک مدیر این است که مسئولیت‌پذیری داشته باشد. بر مبنای یک پایهٔ منطقی، کار را انجام دهید و مسئولیتش را هم به گردن بگیرید.[۳]

داشتن صداقت

وقتی مدیران اصلی کشور مورد اعتماد مردمند و مردم در کار آنان نشانه‌های لیاقت و صداقت را می‌بینند، همهٔ کارها آسان‌تر و روان‌تر انجام می‌گیرد و وسوسه‌ها موجب کارشکنی و عدم همکاری نمی‌شود.[۴]

۱–دیدار با رئیس جمهور و اعضای هیأت وزیران، به مناسبت گرامیداشت هفتهٔ دولت، ۱۳۷۰/۶/۳.
۲– دیدار با رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۰/۶/۵.
۳– دیدار با اعضای هیأت دولت، به مناسبت هفتهٔ دولت، ۱۳۸۱/۶/۴.
۴– پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره)، ۱۰/ ۳/ ۱۳۶۹.

داشتن توان اجرایی، شادابی و نشاط

مردم به دنبال رئیس جمهور توانا، شاداب و با احساس مسئولیت باشند.[۱]

رئیس جمهور توانایی کار اجرایی داشته [باشد] و دلبستهٔ نظام و قانون اساسی باشد.[۲]

[رئیس جمهور کسی است که] به دین مردم، به انقلاب مردم، به دنیای مردم، به معیشت مردم، به آیندهٔ مردم و به عزت مردم اهمیت می‌دهد.[۳]

باید همواره متوجه این حقیقت بود که کارهای شما اگرچه انواع مختلفی دارد اما همهٔ آن‌ها در حقیقت یک کار است؛ مظهرش هم هیأت وزیران است که دور هم جمع می‌شوید. هدایت‌کننده و به تعبیری که بنده تکرار می‌کنم، پلیس راهنمای این بیست و چند راه، رئیس‌جمهور محترم است که هماهنگی ایجاد می‌کند تا بشود این کار واحد بزرگ را انجام داد و آن کار واحد بزرگ عبارت است از پیشرفت و ارتقای کشور به سمت و سوی اهدافی که برای خودمان ترسیم کرده‌ایم که همان اهداف انقلاب اسلامی است و ریزتر شده، آنچه در سند چشم‌انداز بیست‌ساله تبیین شده است... . امیرکبیر که یک چهرهٔ ماندگار در تاریخ ماست و واقعاً کارهای بزرگی هم کرده، همهٔ حکومت او سه سال بود؛ یعنی یک سال از مدتی که بناست علی‌العجاله شما در این مسئولیت مشغول باشید، کمتر است اما آن‌قدر این کار، مهم و بزرگ و جدی بود که تاریخ امیرکبیر را فراموش نمی‌کند و الا قبل از اینکه بیاید در رأس صدارت قرار بگیرد و بعد که به کاشان تبعید شد، دیگر چیزی در پروندهٔ او وجود ندارد، همین سه سال است؛ بنابراین، این چهار سال وقت کمی نیست.[۴]

دانستن درد مردم

اولین کار این است که ما مسئولین کشور را افرادی انتخاب کنیم که مردمی باشند، ساده‌زیست باشند، درد مردم را بدانند و خودشان از درد مردم احساس

۱– دیدار با مردم پاکدشت، ۱۳۸۳/۱۱/۱۰.
۲– دیدار با مردم قم، ۱۳۹۳/۱۰/۱۹.
۳– بیانات در سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره)، ۱۳۸۴/۳/۱۴.
۴– دیدار اعضای هیأت دولت، ۸/ ۶/ ۱۳۸۴.

درد کنند. این به نظر من شاخص مهمی است. آگاهانه بگردید، برسید.[۱]

داشتن جرأت برای ایجاد تحول

جرأت در ایجاد تحول... نمی‌خواهم بگویم همهٔ این اقدام‌ها صددرصد درست است؛ نه، ممکن است جایی هم اشتباه باشد اما نَفس اینکه انسان حالت دلیری در مقابل مشکلات داشته باشد و تصمیم بگیرد که برای رفع مشکلات اقدام بکند، چیز باارزشی است.[۲]

جرأت در مقابله با فساد. مقابله با فساد خیلی کار سختی است.[۳]

توجه به انتقادها و داشتن سعهٔ صدر

به انتقادها هم توجه کنید؛ انتقاد با تخریب فرق دارد. متأسفانه خیلی ها تخریب می‌کنند ولی اسمش را می‌گذارند انتقاد. آن جایی که واقعاً انتقاد است و کسانی با نظر خیرخواهانه، نقاط مثبتِ کاری را توجه می‌کنند و نقاط اشکالش را هم ذکر می‌کنند، اینها را با سعهٔ صدر گوش بدهید؛ نه این که همه جا قبول کنید – چون ممکن است آن منتقد اشتباه کرده باشد – اما گوش کنید تا آن جایی که واقعاً درست است از شما فوت نشود.... . در شنیدن انتقادها سعهٔ صدر داشته باشید. یعنی واقعاً اگر انتقادی منصفانه است، با روی باز بپذیرید. حتی من می‌خواهم به شما توصیه کنم که تخریب‌ها را هم تحمل کنید.[۴]

داشتن همت برای حفظ عزت و حرکت کشور در جهت هدف‌های انقلاب

یک انتخاب خوب، یک انتخاب درست، نه فقط در طول چهار سال، گاهی در طول ده‌ها سال تأثیراتش برای کشور باقی می‌ماند. برای انتخابِ خوب باید فکر کرد، باید معیارها را شناخت... . اجمالاً معیار اصلی این است

۱- دیدار با مردم استان کردستان در میدان آزادی سنندج، ۱۳۸۸/۲/۲۲.
۲- دیدار با رئیس‌جمهور و هیأت دولت، ۱۳۸۷/۶/۲.
۳- همان.
۴- همان.

که کسانی سر کار بیایند که همتشان بر حفظ عزت و حرکت کشور در جهت هدف‌های انقلاب باشد.[۱]

نترسیدن از دشمن

برای یک کشور بدترین موقعیت این است که مسئولین کشور از اخم و تهدید و تشر دشمن بترسند؛ اگر ترسیدند، در واقع در را برای ورود او و دخول او و تجاوز و تعرض او باز کرده‌اند. کار را با عقل و با منطق و با حکمت باید انجام داد، در این تردیدی نیست اما با شجاعت باید انجام داد؛ با ترسیدن، با دلهره، با تحت تأثیر تشر و بداخلاقی و اخم و گرهِ ابروان قدرتمندان صاحب قدرت در دنیا قرار گرفتن، تحت تأثیر اینها واقع شدن، اول بدبختی است. خب کسی می‌خواهد بترسد، بترسد اما از طرف مردم نترسد؛ به حساب مردم نترسد. ملت ایستاده‌اند. اگر ملت ایستاده نبود، از سال ۱۳۵۷ تا امروز که حدود چهل سال دارد میگذرد و انواع و اقسام توطئه‌ها علیه ما به کار گرفته شده است و پول خرج شده و سلاح تولید شده و تهدید و سیاست و مانند اینها؛ اگر بنا بود که جمهوری اسلامی از اینها ملاحظه می‌کرد، می‌ترسید، عقب‌نشینی می‌کرد، باید اثر و نشانی از ایران و ایرانی باقی نمی‌ماند. دشمن –چه امریکا و چه بزرگ‌تر از امریکا– در مقابل نظامی که با مردم خود متصل است، مردم خود و ملت خود را دوست می‌دارد و ملتش او را دوست می‌دارند، در مقابل چنین نظامی و چنین مردمی که در مقابل دشمن مقاومند، هیچ غلطی نمی‌تواند بکند.[۲]

کسانی سر کار بیایند که مصداق: «انّ الّذین قالوا ربّنا اللّه ثمّ استقاموا»[۳] باشند؛ اهل استقامت، اهل ایستادگی باشند؛ زرهی پولادین از یاد خدا و از توکل به خدا بر تن خودشان بپوشند و وارد میدان شوند.[۴]

۱- دیدار با اقشار مختلف مردم، ۱۳۹۲/۲/۲۵.
۲- دیدار با فرماندهان و کارکنان ارتش، ۱۳۹۶/۱/۳۰.
۳- به یقین کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداوند یگانه است!» سپس استقامت کردند فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند که: «نترسید و غمگین مباشید و بشارت باد بر شما به آن بهشتی که به شما وعده داده شده است» (فصلت، ۳۰)
۴- دیدار با اقشار مختلف مردم، ۱۳۹۲/۲/۲۵.

داشتن عقل و درایت، بیان شفاف برنامه ها، پشتکار و ثبات قدم، استفاده از تمام ظرفیت های قانون اساسی، پرهیز از حاشیه سازی، باز نگذاشتن دست اطرافیان، اهمیت ندادن به منافع بیگانگان

آن کسانی که امروز با مردم حرف می‌زنند، آنچه توانایی انجام آن را دارند و مردم به آن احتیاج دارند، آن را با مردم در میان بگذارند؛ قول بدهند با عقل و درایت عمل خواهند کرد؛ اگر برنامه‌ای در هر موردی از مسائل دارند، آن برنامه را برای مردم ارائه کنند؛ قول بدهند که با پشتکار و ثبات قدم در این میدان پیش خواهند رفت؛ قول بدهند که از همهٔ ظرفیت‌های قانون اساسی برای اجرای وظیفهٔ بزرگِ خودشان استفاده خواهند کرد؛ قول بدهند که به مدیریت اوضاع کشور خواهند پرداخت؛ قول بدهند که به مسألهٔ اقتصاد که امروز میدان چالش تحمیلی بر ملت ایران از سوی بیگانگان است به خوبی خواهند پرداخت؛ قول بدهند حاشیه‌سازی نمی‌کنند؛ قول بدهند دست کسان و اطرافیان خود را باز نخواهند گذاشت؛ قول بدهند که به منافع بیگانگان، به بهانه‌های گوناگون، بیش از منافع ملت ایران اهمیت نخواهند داد.[۱]

داشتن اعتماد به خدای متعال و وعده های الهی

اولین شاخص[دولت اسلامی]، شاخص اعتقادی و اخلاقی است –به خصوص در مسئولان رده‌های بالا– سلامت اعتقادی، سلامت اخلاقی، سلامت عملکردی که از اعتقاد درست و نگاه درست به حقایق جامعه ناشی می‌شود. یکی از چیزهایی که من بر روی آن تکیه می‌کنم در این زمینهٔ اعتقاد و نگاه قلبی و گرایش قلبی، مسألهٔ اعتماد به خدای متعال است، اعتماد به وعده‌های الهی است.[۲]

عامل مهم مدیریت جهادی عبارت است از خودباوری و اعتماد به نفس و اعتماد به کمک الهی.... وَ مَن یَتَّقِ اللهَ یَجعَل لَهُ مَخرَجًا وَ یَرزُقهُ مِن حَیثُ

۱- بیانات در سالگرد رحلت امام خمینی (ره)، ۱۳۹۲/۳/۱۴.
۲- دیدار با هیأت دولت، ۱۳۹۲/۶/۶.

لایَحتَسِب[۱].این رزقی که در این آیه و در آیات دیگر گفته شده است، به شکل‌های مختلفی به من و شما می‌رسد؛ گاهی شما ناگهان در ذهنتان یک چیزی برق می‌زند، می‌درخشد، راهی باز می‌شود؛ این رزق الهی است؛ در یک برههٔ فشار، ناگهان امید وافری در دل شما به‌وجود می‌آید؛ این همان رزق الهی است.[۲]

داشتن روحیهٔ جهادی

روحیهٔ خدمت... گفتمان اصلی دولت اسلامی ... است؛ اصلاً فلسفهٔ وجود ما جز این نیست؛ ما آمده‌ایم خدمت کنیم به مردم و هیچ چیز نباید ما را از این وظیفه غافل کند... . دوم اینکه در زمینهٔ خدمت، کار را باید جهادی کرد؛ جهادی به معنای بی‌قانونی نیست. دوستانی که ما سال‌ها با خیلی از شماها کار کردیم – با بسیاری از شما برادرها در زمینه‌های مختلف همکاری داشتیم– می‌دانید روحیهٔ من را؛ من آدم دعوت کننده به بی‌قانونی نیستم؛ به شدت ضد این بی‌قانونی هستم اما معتقدم در همان چهارچوب قانون، دو جور می‌شود کار کرد: یک کار، کار مرسوم اداری، یک کار، کار جهادی. کار جهادی یعنی از موانع عبور کردن، موانع کوچک را بزرگ ندیدن، آرمان‌ها را فراموش نکردن، جهت را فراموش نکردن، شوق به کار؛ این کار جهادی است. کار را باید جهادی انجام داد تا ان‌شاءالله خدمت به‌خوبی انجام بگیرد.[۳]

داشتن مدیریت جهادی، انقلابی و همراه تدین

ما احتیاج داریم به مدیریت جهادی. در سال‌های اول انقلاب، در دوران جنگ و در طول این سی و چند سال، هرجا به مدیریت جهادی تکیه کردیم، موفق شدیم. مدیریت جهادی ممکن است یک وقت‌هایی پِرت هم داشته باشد اما پیشرفت خواهد داشت و کار را پیش خواهد برد.[۴]

۱- هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌کند و او را از جایی که گمان ندارد روزی می‌دهد(طلاق،۳)
۲- دیدار با کارگران گروه صنعتی مپنا، ۱۳۹۳/۲/۱۰.
۳- دیدار با هیأت دولت، ۱۳۹۲/۶/۶.
۴- دیدار با مسئولان نظام، ۱۳۹۴/۴/۲.

هرجا مدیریت‌ها ضعیف، بی‌حال، ناامید، غیرانقلابی و بی‌تحرک داشتیم کارها یا متوقف مانده است یا انحراف پیدا کرده است. این اشکال و ضعفی است که وجود دارد؛ باید مدیرانمان ان‌شاءالله پرانگیزه‌تر باشند، کارآمدتر باشند، تلاش بیشتری را انجام بدهند و به حول و قوّهٔ الهی همین‌جور هم خواهد شد. من به‌طور قاطع عرض می‌کنم که اگر مدیریت در بخش‌های مختلف کشور، متدین باشد، انقلابی باشد و کارآمد باشد، همهٔ مشکلات کشور حل خواهد شد؛ ما مشکل غیرقابل حلی در کشور نداریم.[۱]

قانون گرایی

قانون‌گرایی خیلی مهم است. قانون ریل است؛ از این ریل اگر خارج شدیم، حتماً آسیب و صدمه است. گاهی قانون ناقص است، گاهی قانون معیوب است اما همان قانون معیوب هم اگر عمل نشود – که منتهی به بلبشو و هر که هر که خواهد شد – ضرر آن عمل نشدن، بیشتر از ضرر عمل کردن به قانون است. این را باید نهادینه کرد؛ در مجموعهٔ دستگاه‌ها این باید نهادینه بشود و جزو رعایت قانون، رعایت اسناد بالادستی است که امروز خوشبختانه در کشور وجود دارد؛ مثل سیاست‌های کلی، سند چشم‌انداز، مصوبات شوراهای عالی از قبیل شورای عالی انقلاب فرهنگی، از قبیل شورای عالی مجازی.[۲]

قانون را اهمیت بدهید. قانون وقتی که با ساز و کار قانون اساسی پیش رفت، حتمیت و جزمیت پیدا می‌کند... . اگر قانون نقص دارد، ضعف دارد و غلط است، عوض بشود اما تا مادامی که قانون، قانون است، حتماً بایستی به آن عمل بشود و به آن اهمیت داده بشود.[۳]

مسألهٔ کنونی کشور ما این نیست که ما طرح نداریم، حرفِ درست نداریم؛ مسألهٔ ما این است که حرف درست و طرح درست را آن‌چنان‌که شایسته است دنبال نمی‌کنیم؛ این اساس مسأله است.[۴]

۱- بیانات در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۶/۱/۱.
۲- دیدار با هیأت دولت، ۱۳۹۲/۶/۶.
۳- دیدار رئیس‌جمهور و هیأت دولت، ۱۳۸۷/۶/۲.
۴- دیدار با مسئولان نظام ، ۱۳۹۴/۴/۲.

نداشتن رودربایستی در اتخاذ مواضع انقلابی

در اتخاذ مواضع انقلابی باید صراحت داشت؛ یعنی رودربایستی نکنیم. مواضع انقلابی را، مبانی امام بزرگوار را صریح بیان کنیم، خجالت نکشیم، رودربایستی نکنیم، ترس نداشته باشیم و بدانیم که «وَ للهِ جُنودُ السَّمٰواتِ وَ الاَرضِ وَ کانَ اللهُ عَزیزًا حَکیمًا».[۱] همهٔ امکانات عالم و سنن عالم، جنود الهی هستند؛ می‌توان آن جنود الهی را پشت سر خود قرار داد و به کمک خود کشاند با توکل به خدا، با پیمودن راه خدا.[۲]

انقلابی بودن

برای انقلابی بودن شاخص‌هایی وجود دارد. من پنج شاخص را ذکر می‌کنم. البته بیش از اینها می‌شود خصوصیاتی را گفت.

شاخص اول، پایبندی به مبانی و ارزش‌های اساسی اسلام است... . اسلام امریکایی دو شاخه دارد: یک شاخه اسلام متحجر، یک شاخه اسلام سکولار... . یکی دیگر از مبانی، محور بودن مردم است... یکی از آن مبانی اساسی و ارزش‌های اساسی عبارت است از اعتقاد به پیشرفت، اعتقاد به تحول، به تکامل و تعامل با محیط... . یکی از مبانی اساسی و ارزش‌های اساسی نظام اسلامی عبارت است از حمایت از محرومان. یکی دیگر حمایت از مظلومان است در هر نقطهٔ عالم... .

شاخص دوم، همت بلند برای رسیدن به آرمان‌ها، صرف‌نظر نکردن از آرمان‌ها و منصرف نشدن از هدف‌های بزرگ [است]. نقطهٔ مقابل آن، تنبلی و محافظه‌کاری و ناامیدی است.

شاخص سوم، پایبندی به استقلال است. این استقلال خیلی مهم است؛ استقلال داخلی، استقلال منطقه‌ای، استقلال جهانی و بین‌المللی... . استقلال اقتصادی مهم است [اما] استقلال فرهنگی به اعتقاد بنده از همهٔ

۱- لشکریان آسمان‌ها و زمین تنها از آن خداست و خداوند شکست‌ناپذیر و حکیم است(فتح، ۷)
۲- دیدار با رئیس جمهور و هیأت دولت ، ۱۳۹۴/۶/۴.

اینها مهم‌تر است. استقلال فرهنگی در این است که سبک زندگی را سبک زندگی اسلامی – ایرانی انتخاب بکنیم... . استقلال اقتصادی تنها با اقتصاد مقاومتی به‌دست می‌آید.

شاخص چهارم، حساسیت در برابر دشمن [است]. دشمن را بشناسیم، در برابر حرکات دشمن حساسیت داشته باشیم... . نقطهٔ مقابل این حساسیت چیست؟ نقطهٔ مقابل یکی این است که بعضی اصل دشمن را انکار می‌کنند. وقتی ما می‌گوییم دشمن داریم، می‌گویند «آقا، شما دچار توهمید؛ توهم توطئه». خود این مطرح کردن توهم توطئه، به‌نظر ما یک توطئه است؛ برای اینکه حساسیت‌ها را کم کنند [می‌گویند]: «آقا، دشمن چیست، کدام دشمنی؟» واضح‌ترین چیزها را انکار می‌کنند. می‌گوییم امریکا دشمن انقلاب است، ذات نظام سلطه اقتضا می‌کند که با نظامی مثل نظام جمهوری اسلامی دشمن باشد؛ منافعشان ۱۸۰ درجه با یکدیگر اختلاف دارد. نظام سلطه اهل خیانت است، اهل جنگ‌افروزی است، اهل ایجاد و سازماندهی گروه‌های تروریست است، اهل سرکوب کردن گروه‌های آزادی‌خواه است، اهل فشار آوردن بر مظلومین – مثل فلسطین و امثال فلسطین – است؛ این طبیعت نظام سلطه است.

شاخص پنجم و آخرین شاخص، تقوای دینی و سیاسی[است] که غیر از تقوای فردی [است] که البته آن هم لازم است... . تقوای اجتماعی –تقوای اسلامی مربوط به اجتماع– این است که در راه تحقق این چیزهایی که اسلام از ما مطالبه کرده است، تلاش کنیم.[1]

تلاش بی وقفه برای مردم

حرکت و تلاش بایستی لحظه‌ای وقفه پیدا نکند. هیچ ساعتی از ساعات مفید زندگی من و شما بایستی بدون کار مفیدی برای این مردم نگذرد. این مردم حقیقتاً شایستهٔ خدمتند. ماها اگر بتوانیم خدمتگزار این مردم باشیم و ثابت کنیم که واقعاً به مردم خدمت می‌کنیم، بزرگ‌ترین افتخار است.[2]

۱- بیانات در سالگرد رحلت حضرت امام خمینی(ره)، ۱۳۹۵/۳/۱۴.
۲- دیدار با رئیس‌جمهور و هیأت وزیران، در آستانهٔ هفتهٔ دولت، ۱۳۶۹/۶/۱.

دیگر شاخص‌های مهم

[مردم باید افراد] شجاع، با اخلاص، دارای روح مردمی، شاداب و با نشاط، مؤمن به هدف‌ها و ارزش‌های انقلاب، مؤمن به مردم، مؤمن به نیروی مردم و معتقد به حق مردم را انتخاب کنند.[1]

هر کسی می‌آید، پایبند به انقلاب، پایبند به ارزش‌ها، پایبند به منافع ملی، پایبند به نظام اسلامی، پایبند به عقل جمعی، پایبند به تدبیر باشد.[2]

رئیس جمهور هم باید کاری باشد، هم باید مردمی باشد، هم باید مقاوم باشد، هم باید ارزشی باشد، هم باید باتدبیر باشد، هم باید پابند به قوانین و مقررات باشد – مجری قانون است –، هم باید درد مردم را احساس کند، هم باید طبقات مختلف مردم را ببیند؛ اینها خصوصیاتی است که در انتخاب آن کسی که ما می‌خواهیم کلید اجرایی کشور را به او بسپریم، نقش دارد.[3]

۱- بیانات در حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۴/۱/۱.
۲-بیانات در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۲/۱/۱.
۳- دیدار با دست اندرکاران برگزاری انتخابات، ۱۳۹۲/۲/۱۶.

ب- شاخص‌های نگاه عملی رئیس‌جمهور

۱- نگاه عملی رئیس جمهور در تبلیغات انتخاباتی

بیان برنامه های خود و پرهیز از ایجاد تشنج و تخریب دیگر نامزدها

من به همهٔ کسانی که نامزد انتخابات ریاست جمهوری هستند و طرفداران آن‌ها صمیمانه عرض می‌کنم که فضای کشور را فضای دشمنی و نقار[۱] و تشنج و اختلاف نکنند. البته ملت این‌طور نیستند؛ گروهی هستند که اگر مجموعشان را بشمریم، به چند هزار نفر نمی‌رسند، بالاخره هر کس طرفدارانی دارد. این‌ها فضای روزنامه‌ها و دستگاه‌های ارتباط جمعی را متشنج می‌کنند. فضا باید دوستانه باشد؛ هر کس حرف‌های خودش را بزند و برنامه‌های خودش را بگوید و کاری را که خودش می‌تواند بکند، بیان کند؛ به دیگران چه کار دارند؟ فضا را متشنج نکنند؛ فضا را برادرانه و صمیمانه‌بکنند.[۲]

پرهیز از بدگویی و افشاگری‌های بی اساس در مورد دیگر نامزدها

کسانی که از ما حرف‌شنوی دارند، در هر جای کشور هستند، از همین اول کار مراقب باشند. کارشکنی نسبت به دیگران، لجن‌پراکنی علیه این نامزد یا آن نامزد، بدگویی کردن و افشاگری‌های بی‌پایه و اساس نسبت به اشخاص، همهٔ این‌ها کارهای ممنوع و ضد ارزش و خلاف مشی جمهوری اسلامی و خلاف حق است. از این کارها اجتناب کنند.[۳]

پرهیز از تخریب دیگر نامزدها و حقایق جامعه

این‌جور نباشد که حالا برای اینکه مردم به ما متوجه شوند، همهٔ آنچه را که ماورای ماست، تخریب کنیم؛ چه آنچه مربوط به نامزدهای دیگر است، چه آنچه مربوط به واقعیت‌های موجود جامعه است. باید درست عمل شود. آن وقت ما انتخاب خواهیم کرد.[۴]

۲- دیدار با خانوادهٔ شهدا ، ۸۴/۳/۳.

۳- دیدار با جمع کثیری از مردم استان گیلان در استادیوم شهید عضدی شهرستان رشت، ۱۳۸۰/۲/۱۱.

۴- دیدار با نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۲/۳/۸.

بیان نکات مثبت در کنار نکات منفی

من در مورد اظهاراتی که نامزدهای محترم در تلویزیون کردند عرایضی دارم؛ فعلاً خیلی مجال نیست انسان تفاصیل را بگوید لیکن یکی از حرف‌های ما همین است. بله، نقاط ضعفی وجود دارد اما نقاط قوت را هم باید دید. دولت کنونی هم نقاط قوت فراوانی دارد، گیرم نقاط ضعفی هم وجود دارد. کدامِ ما در کارکردمان، در عملمان، نقطهٔ ضعف نداریم؟ نقاط قوت را هم باید دید. کارهای مهمی در کشور انجام گرفته است. خدماتی که شده، کارهای زیربنایی که انجام گرفته، سازندگی‌هایی که انجام گرفته، این‌ها را نباید ندیده گرفت. این‌ها در اظهارات نامزدهای محترم، در برنامه‌های دو سه هفته‌ایِ تبلیغات انتخابات غالباً ندیده گرفته می‌شد. چقدر خوب بود وقتی که مثلاً معضل اقتصادی را بیان می‌کنند، گرانی را بیان می‌کنند، تورم را بیان می‌کنند – که البته این‌ها واقعیت هم دارد – در کنارش کارهایی که انجام گرفته است، زحماتی که کشیده شده، این‌ها را هم بیان می‌کردند. این‌جور برخورد کردن، انصاف است. انسان باید هم جهات مثبت را ببیند، هم جهات منفی را ببیند. البته بدیهی است کسی که خود را به مردم عرضه می‌کند، اشکالات موجود را می‌بیند، به مردم هم می‌گوید، این ایرادی ندارد اما در این زمینه نباید مطلق نگاه کرد و فکر کرد؛ نقاط مثبت هم باید گفته شود، نقاط منفی هم گفته شود.[۱]

دادن وعده های ممکن و عملی

من به نامزدهای گوناگون عرض می‌کنم جوری حرف بزنید که اگر در خرداد سال آینده نوار امروز شما را جلوی خودتان گذاشتند یا پخش کردند، شرمنده نشوید؛ جوری وعده بدهید که اگر آن وعده را بعداً به رخ شما کشیدند، مجبور نباشید تقصیر را گردن این و آن بگذارید که نگذاشتند، نشد. کاری را که می‌توانید انجام دهید، وعده بدهید.[۲]

۱- دیدار مسئولان و کارکنان قوه قضاییه، ۱۳۹۲/۴/۵.

۲- بیانات در سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، ۱۳۹۲/۳/۱۴.

پرهیز از تبلیغات پر هزینه

نه خودشان تبلیغات پُرخرج کنند، نه به طرفدارانشان اجازه دهند. بعضی افراد ممکن است بگویند به ما ربطی ندارد؛ این کار پُرخرج را دیگران می‌کنند. شما بگویید نکنند. خوشبختانه آن‌گونه که اطلاع پیدا کردم، ساعت‌های فراوانی برای نامزدها وقت گذاشته‌اند که از طریق تلویزیون و رادیو با مردم حرف بزنند. شاید سیزده، چهارده ساعت هر کدام از این حضرات وقت دارند که با مردم حرف بزنند. خیلی خوب؛ این بهترین تبلیغات است. رادیو و تلویزیون همه‌جا وجود دارد؛ چه نیازی هست برای تبلیغات گوناگونِ رنگینی که بعضی جاها می‌کنند؟[۱]

پرهیز از تبلیغات با استفاده از بیت المال و پول مشتبه به حرام

رفتار داوطلبان در ریخت‌وپاش و خرج و تبلیغات زیاد از اندازهٔ لازم می‌تواند ماها و آحاد مردم را نسبت به آنچه بعداً پیش خواهد آمد، آگاه و هشیار و بیدار کند. آن کسی که یا از بیت‌المال هزینه می‌کند یا از پول مشتبه به حرام بعضی‌ها استفاده می‌کند، نمی‌تواند اطمینان مردم را جلب کند؛ به این چیزها خیلی باید توجه کرد.[۲]

پرهیز از وامدار شدن نامزدها به سبب هزینه‌های تبلیغاتی

پول زیادی مصرف می شود که احیاناً بعضی افراد هم نتوانند خودشان آن خرج را کنند و مجبور باشند از کسانی بگیرند و خدای نکرده وامدار شوند.[۳]

التزام نامزدها به قانون

راه اساسی برای اینکه مشکلات انتخاباتی پیش نیاید، التزام به قانون است؛ آحاد مردم در هر جای کشور که هستند؛ در شهر، در روستا، در مرکز، در کلان‌شهرها و در همه جا، باید به دنبال این باشند که هر کسی

۱- بیانات در خطبه‌های نماز جمعهٔ تهران، ۱۳۸۰/۲/۲۸.
۲- بیانات در دانشگاه امام حسین (ع)، ۱۳۹۲/۳/۶.
۳- بیانات در خطبه‌های نماز جمعهٔ تهران، ۱۳۸۰/۲/۲۸.

حرفی می‌زند، بر اساس قانون باشد؛ هر کسی توقعی دارد، بر اساس قانون باشد. آن‌هایی که آن سال آن خسارت را به کشور و به ملت وارد کردند و برای کشور هزینه درست کردند، اگر تسلیم قانون بودند، این‌جوری نمی‌شد. قانون معیّن کرده است که اگر کسی اعتراضی دارد، بیاید. آن سال گفته شد؛ حتی ما از شورای محترم نگهبان خواهش کردیم، آن زمان را تمدید هم کردند که آراء بازشماری شود؛ گفتیم هر تعداد معقولی و هر صندوقی که بخواهند بازشماری شود، بازشماری شود؛ خب، زیر بار نرفتند! کارشان منطقی نبود، معقول نبود؛ برای کشور هزینه درست کردند. خب، کشور بر این مسائل فائق می‌آید.[۱]

پرهیز از دادن آمارهای سست، صداقت در تبلیغات

ما به آقایان محترمی که در این میدان هستند، این چند توصیه را عرض می‌کنیم: در تبلیغاتشان ارزش‌های نظام را ندیده نگیرند؛ همدیگر را تخریب نکنند و از دادن آمارهای سست بپرهیزند. اگر قرار شد به مردم آماری بگویند و حرفی بزنند، آمارهای دقیق ارائه کنند. با مردم با کمال صداقت حرف بزنند؛ هرچه عقیده‌شان هست، به مردم بگویند. اگر بخواهند در دل مردم اثر بگذارند، این صداقت، بیشتر در دل مردم اثر می‌گذارد. آن چیزی که حقیقتاً عقیده و نیت آن‌هاست، آن را به مردم بگویند؛ اختیار با مردم است که چیزی را انتخاب کنند. وحدت ملی را خدشه‌دار نکنند. طوری نباشد که به خاطر جذب یک دسته یا یک گروه، حرفی بزنند که وحدت ملت خدشه‌دار شود. وعده‌هایی که معلوم است نمی‌توانند به آن‌ها عمل کنند، به مردم ندهند. آنچه در چهارچوب قانون اساسی است و امکانات مملکت از امکانِ آن حکایت می‌کند، آن را به مردم بگویند. به مردم قول بدهند که اگر رأی آوردند، با همهٔ قوا و قدرت خودشان و با اتّکال به خدا و با اتکای به مردم، مدیریت عالی و کلان کشور را در دست می‌گیرند و پیش می‌برند؛ «خذها بقوّة»؛ با قوت این مأموریت را به دست بگیرند و پیش بروند و در هیچ‌جا

۱- دیدار با دست اندرکاران برگزاری انتخابات، ۱۳۹۲/۲/۱۶.

ضعف نشان ندهند.[۱]

سخنان نامزدها بر اساس اطلاعات درست باشد

آقایانی که در تلویزیون به عنوان نامزد ظاهر می‌شوند و حرف می‌زنند، وظایف سنگینی دارند؛ آن‌ها باید مراقب باشند. حرفی که از دهان انسان خارج می‌شود، باید واقعی، صمیمی، متکی به اطلاعات درست و برآمده از زبان صادق و راستگو باشد. این‌جور نباشد که حالا برای اینکه توجه مردم را جلب کنیم، هرچه به دهانمان آمد، بگوییم؛ این‌ها را باید مراقبت کنند.[۲]

شعارهای انتخاباتی در محدوده اختیارات و در راستای افزایش قدرت درونی کشور

شعارها را نگاه کنید، ببیند شعارهایی که تعیین می‌کنند، چه جور شعارهایی است؟ گاهی بعضی‌ها – البته اشتباه می‌کنند – برای جلب آراء، شعارهایی می‌دهند که این شعارها از حدود قدرت و اختیاراتشان بیرون است؛ این‌ها را مردم هوشمند ما می‌توانند بشناسند، مراقبت کنند، دقت کنند. آنچه برای مردم لازم است، آنچه فوریت بیشتری دارد، آنچه با واقعیات و امکانات کشور سازگار است، آنچه به افزایش قدرت درونی ملت می‌انجامد، آن‌ها را در شعارهایشان بگنجانند؛ این یکی از معیارهاست.[۳]

در تبلیغات انتخاباتی، در شعارهای انتخاباتی، آنچه اهمیت دارد، این است که مواضع عزت‌آفرین و صحیح و عاقلانه و حکیمانهٔ انقلاب و نظام تثبیت شود. مبادا در شعارهایمان، ما به زید و عمرو در خارج از این مرزها یا آدم‌هایی در داخل مرزها، چراغ سبز نشان دهیم.[۴]

پرهیز از دخالت دادن رهبری در انتخابات و اظهار نظر دربارهٔ ایشان

بنده در انتخابات‌ها دخالت نمی‌کنم؛ هیچ‌وقت به مردم نگفته‌ام و نمی‌گویم

۲- دیدار با نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۲/۳/۸.
۳- دیدار با اقشار مختلف مردم، ۱۳۹۵/۲/۲۵.
۴- بیانات در دانشگاه امام حسین علیه السلام ۱۳۹۲/۳/۶

این کس را انتخاب کنید، آن کس را انتخاب نکنید. فقط یک جا بنده دخالت می‌کنم و آن جایی است که کسانی بخواهند در مقابل رأی مردم و انتخاب مردم بِایستند و با مزاحمت در مقابل رأی مردم، رأی مردم را بشکنند. هرکس بخواهد با نتیجهٔ آرای ملت دربیفتد، بنده در مقابلش می‌ایستم.[۱]

برای ریاست جمهوری هم در بین این حضراتی که هستند، یک نفر را به نظرم رسید و انتخاب کردم. به کسی هم نگفتم تا الآن؛ حتی کسانِ نزدیک من – خانوادهٔ من، فرزندان من – مطلع نیستند که من به چه کسی رأی دادم. وظیفهٔ مردم است که تحقیق کنند.[۲]

البته این حرف‌ها هم که فلانی، رهبری، این بندهٔ حقیر، طرفدار زید است یا طرفدار عمرو است، از آن حرف‌هایی است که همیشه بوده و واقعیت هم ندارد؛ اکثر آن‌هایی هم که می‌گویند، می‌دانند که واقعیت ندارد. از کجا می‌دانند که بنده طرفدار چه کسی‌ام؟ کسی که از من نمی‌شنود؛ نه در گذشته شنفته است، نه تا حالا شنفته، نه بعد از این خواهد شنفت.[۳]

پرهیز از ساختن دوقطبی های کاذب

یکی از این ترفندهایی که اخیراً یاد گرفته‌اند و دارند اعمال می‌کنند، ایجاد دوقطبی‌های کاذب است؛ دوقطبی‌های دروغین. این نکته، نکتهٔ مهمی است؛ الآن در این انتخابات، دو قطبی القا می‌کنند؛ دوقطبی‌های القایی؛ اصلش آنجاست، اینجا هم گاهی تکرار می‌شود اما کسانی که اطلاع دارند از تبلیغات بیگانه، گوش می‌کنند، خبر می‌شوند، می‌دانند که این مال آن‌هاست. دوقطبیِ مجلس دولتی و مجلس ضد دولتی؛ کأنه در ایران یک عده طرفدار مجلس دولتی‌اند، یک عده طرفدار مجلس ضد دولتی‌اند؛ نه، ملت ایران نه مجلس دولتی می‌خواهند، نه مجلس ضد دولتی می‌خواهند؛ ملت ایران مجلسی می‌خواهند که به وظایف خودش آشنا باشد... . مجلس دولتی و مجلس ضد دولتی یعنی چه؟! این‌ها دوقطبی‌های کاذب است.[۴]

۱- بیانات حرم مطهر رضوی ۱۳۹۶/۱/۱
۲- بیانات در گفت و گو با خبرنگار صدا و سیما پس از شرکت در انتخابات، ۱۳۹۲/۳/۲۴.
۳- دیدار با نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۲/۳/۸.
۴- دیدار با مردم نجف آباد، ۱۳۹۴/۱۲/۵.

دو قطبیِ سرمایه‌داری و کمونیزم که جنگ بر سر قدرت و ثروت بود، پایان یافت و امروز دو قطبی میان مستضعفین جهان به رهبری جنبش مسلمین با مستکبران به رهبری آمریکا و ناتو و صهیونیزم است. دو اردوگاه اصلی تشکیل شده است و اردوگاه سومی وجود ندارد.[۱]

ماهیت انتخابات مسابقه است نه دو قطبی شدن، دو قطبی واقعی انقلاب اسلامی

انتخابات مسابقه است؛ معلوم است در مسابقه همه تلاش می‌کنند برنده بشوند، همه تلاش می‌کنند جلو بیفتند؛ طبیعت مسابقه، شور و نشاط و دوندگی و مانند این‌هاست؛ یکی جلو می‌افتد، یکی عقب می‌ماند؛ این دشمنی نیست، این عناد نیست، این دوقطبی شدن نیست. مرتباً در رادیوها و در تلویزیون‌ها و در رسانه‌های گوناگونشان خبر از دوقطبی شدن ملت ایران –یعنی دودستگی‌ای که با همدیگر دشمنند و علیه هم تلاش می‌کنند– می‌دهند. بله، در ایران اسلامی یک دوقطبی وجود دارد؛ دوقطبی انقلاب و استکبار. آن کسانی که تفاله‌های بازمانده از دوران غلبهٔ استکبارند و هرکسی که دنبال آن‌هاست، همفکر آن‌هاست، این‌ها با انقلاب بدند؛ این دوقطبی هست اما قاطبهٔ ملت ایران، قاطبهٔ انقلابی، علاقه‌مند به نظام اسلامی، عاشق امام و خاطرات امام –آن‌هایی که امام را حتی یک لحظه هم ندیدند و بعد از رحلت امام به دنیا آمدند– و فرمایشات امام، صدای امام، توصیه‌های امام و اصولی که امام پایه‌گذاری کرده [هستند]، قاطبهٔ ملت ایران به این‌ها علاقه‌مندند؛ بله، [بین] آن کسانی که به امام علاقه‌مندند، به انقلاب علاقه‌مندند، با کسانی که اصل انقلاب را قبول ندارند، اصل نظام را قبول ندارند، البته یک دوقطبی این‌جوری هست. من البته به آن‌هایی که حتی نظام را هم قبول ندارند، گفتم ایران را که قبول دارید؛ [پس] برای عزت ایران بیایید؛ حالا بعضی گوش می‌کنند و بعضی هم گوش نمی‌کنند.[۲]

جناح‌بندی‌های سیاسی اشکالی ندارد اما نباید جامعه را به دو قطب تبدیل

۱- خطبه‌های نماز جمعهٔ تهران ، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴.
۲- دیدار مردم نجف آباد، ۱۳۹۴/۱۲/۵.

کرد زیرا این کار موجب دل‌زدگی و خستگی مردم و شکننده شدن محیط جامعه می‌شود.[۱]

یک نفری، یک آقایی آمده پیش من، من هم به ملاحظهٔ صلاح حال خود آن شخص و صلاح حال کشور به ایشان گفتم که شما در فلان قضیه شرکت نکنید. نگفتیم هم شرکت نکنید، گفتیم صلاح نمی‌دانیم ما که شما شرکت کنید. این را گفتیم. خب یک چیز عادی است... . با ملاحظهٔ حال مخاطب و اوضاع کشور به یک آقایی انسان توصیه می‌کند که شما اگر در این مقوله وارد شدید، این دو قطبی در کشور ایجاد می‌شود. دو قطبی در کشور، مضر است به حال کشور. من صلاح نمی‌دانم شما وارد بشوید. بله، این چیز خیلی مهمی که نیست. یک چیز خیلی طبیعی است، خیلی ساده است. ما این توصیه را به یکی از آقایان، به یکی از برادران کردیم.[۲]

پرهیز از تخریب شورای نگهبان

یکی از کارهایی که آن‌ها امروز بجد دنبال می‌کنند این است که شورای نگهبان را تخریب کنند؛ تخریب شورای نگهبان معنا دارد. امریکایی‌ها از اول انقلاب با چند نقطهٔ اساسی در کشور و در نظام جمهوری اسلامی به شدت مخالف بودند که یکی‌اش شورای نگهبان بود.... وقتی تصمیم‌های شورای نگهبان زیر سؤال رفت و ادعا شد که این‌ها غیر قانونی است، معنایش چیست؟ معنایش این است که انتخاباتی که پیش رو است، غیر قانونی است؛ وقتی انتخابات غیر قانونی شد، برخلاف قانون شد، نتیجه‌اش چیست؟ نتیجه‌اش این است مجلسی که بر اساس این انتخابات تشکیل خواهد شد، غیر قانونی است؛ معنای غیر قانونی بودن مجلس این است که در طول چهار سال هر قانونی که در این مجلس بگذرد، اعتبار ندارد و بی‌اعتبار است؛ یعنی کشور را چهار سال در خلأ مجلس و خلأ قانون نگه داشتن؛ معنای تخریب شورای نگهبان این است و دشمن این را می‌خواهد. البته آن کسانی که با دشمن در داخل هم‌صدایی می‌کنند، بیشترشان ملتفت

۱- دیدار با هیأت دولت ، ۱۳۹۳/۶/۵.
۲- بیانات در ابتدای درس خارج فقه، ۱۳۹۵/۷/۵.

۲- نگاه عملی رئیس جمهور تمدن‌سازی اسلامی و سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی

ارزیابی عملکرد دولت (۱۰۰-۰)	دولت جدید	روحانی	احمدی‌نژاد	خاتمی	هاشمی
۱. تخریب نکردن شورای نگهبان					
۲. پرهیز از اسراف و تبلیغات پر خرج					
۳. تمرکز بر برنامه‌های خود و پرهیز از ایجاد تشنج					
٤. پرهیز از آمارهای سست و غیر دقیق					
٥. پرهیز از سیاه نمایی و انکار خوبی‌های گذشتگان					
٦. پرهیز از وعده غیر عملی					
۷. صداقت با مردم و بیان آنچه واقعا در دل دارد					
۸. پرهیز از ایجاد دوقطبی کاذب					
۹. چراغ سبز نشان ندادن به دشمن در شعارهای انتخاباتی					

خلاصهٔ آرمان نظام جمهوری اسلامی: ایجاد تمدن اسلامی

آرمان‌ها و اهداف نظام جمهوری اسلامی مطلقاً نبایستی از نظر دور بشود؛ آرمان نظام جمهوری اسلامی را می‌شود در جملهٔ کوتاهِ «ایجاد تمدن اسلامی» خلاصه کرد. تمدن اسلامی یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است برسد؛ زندگی خوبی داشته باشد، زندگی عزتمندی داشته باشد؛ انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگیِ جهان طبیعت؛ تمدن اسلامی یعنی این؛ هدف نظام جمهوری اسلامی و آرمان نظام جمهوری اسلامی این است.[۱]

مراحل تشکیل تمدن اسلامی

یک زنجیرهٔ منطقی وجود دارد؛ حلقهٔ اول، انقلاب اسلامی است، بعد تشکیل نظام اسلامی است، بعد تشکیل دولت اسلامی است، بعد تشکیل جامعهٔ اسلامی است، بعد تشکیل امت اسلامی است؛ این زنجیرهٔ مستمری است که به هم مرتبط است.[۲]

داشتن نگاه تمدن ساز و لزوم آن

تاریخ ما به ما نشان می‌دهد که قضیه به عکس بوده است. ما در دنیا پیشرو بودیم؛ پیشرو در علم بودیم، پیشرو در صنعت بودیم، پیشرو در تمدن‌سازی بودیم، پیشرو در فرهنگ بودیم؛ دیگران از ما یاد می‌گرفتند، می‌آموختند؛ چرا امروز همان طور نشود؟ همت جوانان ما و نگاه آنها به مقولهٔ پیشرفت باید آن‌جور باشد که ما آن آینده را در نظر بگیریم.[۳]

ما اگر پیشرفت همه‌جانبه را به معنای تمدن‌سازی نوین اسلامی بگیریم– بالاخره یک مصداق عینی و خارجی برای پیشرفت با مفهوم اسلامی وجود

۱- دیدار با رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۲/۶/۱۴.
۲- دیدار با دانشجویان کرمانشاه، ۱۳۹۰/۷/۲۴.
۳- دیدار با مردم اسفراین، ۱۳۹۱/۷/۲۲.

دارد؛ اینجور بگوییم که هدف ملت ایران و هدف انقلاب اسلامی، ایجاد یک تمدن نوین اسلامی است – این محاسبهٔ درستی است.[۱]

عرصه‌های پیشرفت

عرصه‌های این پیشرفت را به طور کلی بایستی مشخص کنیم. چهار عرصهٔ اساسی وجود دارد که عرصهٔ زندگی – که شامل عدالت و امنیت و حکومت و رفاه و این چیزها می‌شود – یکی از این چهار عرصه است. در درجهٔ اول، پیشرفت در عرصهٔ فکر است... . عرصهٔ دوم که اهمیتش کمتر از عرصهٔ اول است، عرصهٔ علم است. در علم باید ما پیشرفت کنیم. البته علم هم خود، محصول فکر است... . عرصهٔ سوم، عرصهٔ زندگی است همهٔ چیزهایی که در زندگی یک جامعه به عنوان مسائل اساسی و خطوط اساسی مطرح است، در همین عنوان عرصهٔ زندگی می‌گنجد؛ مثل امنیت، مثل عدالت، رفاه، استقلال، عزت ملی، آزادی، تعاون، حکومت. اینها همه زمینه‌های پیشرفت است که باید به اینها پرداخته شود. عرصهٔ چهارم که از همهٔ اینها مهم‌تر است و روح همهٔ اینهاست پیشرفت در عرصهٔ معنویت است. ما بایستی این الگو را جوری تنظیم کنیم که نتیجهٔ آن این باشد که جامعهٔ ایرانی ما به سمت معنویتِ بیشتر پیش برود.[۲]

نداشتن نگاه سکولاریستی

نظام انقلابی بر مبنای دین و بر مبنای اسلام و بر مبنای قرآن شکل گرفته و به همین دلیل از حمایت میلیونی این ملت برخوردار شده و جان‌هایشان را کف دستشان گرفته‌اند و جوان‌هایشان را به میدان‌های خطر فرستاده‌اند؛ آن وقت مسئولان چنین نظامی دم از مفاهیم سکولاریستی بزنند؟! «یکی بر سر شاخ و بن می‌برید»؛ یعنی خودشان بنشینند و بنا کنند بُنِ این مبنا و قاعده را کلنگ زدن! خیلی چیز خطرناکی بود.[۳]

۱- دیدار با جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳.
۲- نخستین نشست اندیشه های راهبردی ، ۱۳۸۹/۹/۱۰.
۳- دیدار با رئیس‌جمهور و هیأت دولت، ۱۳۸۷/۶/۲.

داشتن اعتقاد به هویت ایرانی-اسلامی و غرب زده نبودن

اینکه نامزدها حرف‌های غربی را تکرار کنند، هیچ امتیازی محسوب نمی‌شود. امتیاز این نیست که ما آن چیزی را بگوییم که غرب می‌پسندد. اینها کسانی‌اند که با فکر ایرانی، فکر اسلامی، هویت اسلامی و ایرانی مخالفند.[۱]

خجالت نکشیدن از اهداف انقلاب

متأسفانه در برخی از اوقات گذشته می‌دیدیم که بعضی از کسانی که مرتبط با مسئولین بودند یا حتی خودشان مسئول بخشی بودند، کأنّه از گفتمان انقلاب در مقابل دیگران شرمنده‌اند و خجالت می‌کشند که حقایق انقلاب را بر زبان جاری کنند یا آنها را پیگیری کنند یا به آنها اهمیت بدهند! این برای یک جامعه خیلی بلای بزرگی است.[۲]

هدف ما مقابله با نظام سلطه، عدالت و استفاده از علم برای آرامش بشر

آرزوهایی که امروز ما برای این گسترهٔ وسیع داریم، آرزوهایی است که هیچ ملت آگاهی، هیچ دانشمند فرزانه‌ای و هیچ سیاسی منصفی، اینها را رد نمی کند. ما داعیهٔ محو نظام سلطه را داریم؛ یعنی رابطهٔ سلطه‌گری: سلطه‌گر و سلطه‌پذیر؛ حتی انسانی هم که در کشوری که دولتش صددرصد سلطه‌گر است زندگی می‌کند، این را رد نمی‌کند؛ یعنی در مناسبات جهانی، رابطه رابطهٔ سلطه‌گر و سلطه‌پذیر نباشد. همچنین عدالت و استفادهٔ از علم برای آسایش بشر نه برای تهدید بشر.[۳]

اعتقاد به گفتمان تقویت قدرت و اقتدار ملی

ملت ایران باید خود را قوی کند؛ این حرف من است. حرف دربارهٔ اقتدار ملی است. من عرض می‌کنم به ملت عزیزمان که اگر ملتی قوی نباشد و

۱- دیدار با مردم مریوان ، ۱۳۸۸/۲/۲۶.
۲- دیدار با رئیس‌جمهور و هیأت دولت، ۱۳۸۷/۶/۲.
۳- دیدار با اعضای بسیجی هیأت علمی دانشگاه ها، ۱۳۸۹/۴/۲.

ضعیف باشد، زور خواهد شنفت، به او زور می‌گویند؛ اگر ملتی قوی نباشد، باج‌گیران عالَم از او باج می‌گیرند، از او باج می خواهند؛ اگر بتوانند به او اهانت می‌کنند؛ اگر بتوانند زیر پا او را لگد می‌کنند. طبیعت دنیایی که با افکار مادی اداره می‌شود، همین است؛ هر که احساس قدرت بکند، نسبت به کسانی که در آنها احساس ضعف می‌کند، زورگویی خواهد کرد؛ چه نسبت به فرد، چه نسبت به ملت... . من وقتی نگاه می‌کنم، سه عنصر را پیدا می‌کنم... این سه عنصر اگر مورد توجه قرار گرفتند، یک ملت قوی می‌شود: یکی اقتصاد، یکی فرهنگ و سومی علم و دانش.[۱]

رشد عوامل تقویت کنندهٔ اقتدار ملی شامل علم، اقتصاد، فرهنگ و جمعیت

سه موضوع در تقویت کشور بسیار نقش دارد: یکی مسألهٔ علم و فناوری است، یکی مسألهٔ اقتصاد است، یکی مسألهٔ فرهنگ است. در این سه بخش ما باید سرمایه‌گذاری کنیم؛ اینها عناصر کلیدی‌اند. دولت‌های ما، مسئولین ما، مؤثرین و متنفذین ما، در هر سه قسمت بایستی فعال بشوند و کار بکنند. مسألهٔ جمعیت هم البته بسیار مهم است. جمعیت تأثیر زیادی دارد در اقتدار ملی.... البته از همهٔ اینها مهم‌تر، مسألهٔ فرهنگ است.[۲]

نُه شاخص برای ایران آرمانی و راهکار رسیدن به آن

هدف عبارت است از تبدیل کشور ایران به کشوری پیشرفته، قدرتمند، شریف –شریف در مقابل لئیم و پلید که بعضی از کشورها و بعضی از قدرت‌ها هستند–، صاحب حرف نو در مسائل بشری و در مسائل بین‌المللی... . تبدیل کشور به کشوری دارای عزت و دارای احساس عزت. گاهی شما عزیزید اما احساس عزت ندارید... . سرشار از معنویت و ایمان... برافرازندهٔ پرچم تمدن نوین اسلامی. من نُه شاخص خواندم. ما می‌خواهیم کشور را تبدیل کنیم به چنین کشوری با این خصوصیات... .راهش تربیت نسلی است با خصوصیاتی

۱- بیانات در حرم مطهر رضوی ، ۱۳۹۳/۱/۱.
۲- دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۳/۶/۳.

که آن خصوصیات اینهاست؛ نسلی باید به وجود بیاید شجاع، باسواد، متدین، دارای ابتکار، پیش‌گام، خودباور، غیور... در یک کلمه یعنی یک موجود انقلابی؛ معنای انقلابی این است.[۱]

تلاش برای تقویت ایمان دینی مردم

آنکه ایران را دوست دارد، باید بداند حملهٔ به ایمان اسلامی جوانان، خیانت به ایران است. بعضی‌ها هستند که ایران را دوست دارند، کشور را دوست دارند [اما] خیلی پایبندی و دلبندی به دین و شریعت و مانند این چیزها ندارند؛ آنها هم باید بدانند که اگر واقعاً ایران را دوست دارند، اگر حقیقتاً خائن نیستند و دشمن در لباس دوست نیستند، نباید دین را –دین جوانان را، ایمان جوانان را– تضعیف کنند. آنکه ایمان جوانان را تضعیف می‌کند، دارد به کشور خیانت می‌کند، نه‌فقط به دین. این عوامل اقتدار کشور و ملت باید از سوی همهٔ این اقشار تقویت بشود، حفظ بشود، دنبال بشود.[۲]

اهداف مادی کشور

ما برای کشورمان و برای ملتمان چه می‌خواهیم؟ ما می‌خواهیم ملت و کشور به کجا برسد؟ ما برای ملت ایران امنیت ملی می‌خواهیم، عزت ملی می‌خواهیم، سلامت عمومی می‌خواهیم، رفاه عمومی می‌خواهیم؛ پیشرفت همه‌جانبه می‌خواهیم، استقلال از قدرت‌های سلطه‌گر جهانی می‌خواهیم، شکوفایی استعدادها می‌خواهیم، رها شدن و نجات یافتن از آسیب‌های اجتماعی –مثل اعتیاد و فساد و امثال اینها– می‌خواهیم؛ اینها چیزهایی است که ما در زمینهٔ مسائل مادی برای کشورمان دنبال می‌کنیم و می‌خواهیم. آن وقتی ملت به آسایش خواهد رسید که این مواد برای او در داخل کشور تأمین بشود. چگونه می‌شود اینها را به دست آورد؟ عزت ملی، امنیت ملی، اقتدار ملی، پیشرفت همه‌جانبه چه‌جور به دست می‌آید؟ من عرض می‌کنم بدون اینکه کشور یک اقتصاد قوی داشته باشد، اینها به دست نمی‌آید.[۳]

۱- دیدار با نخبگان علمی جوان ، ۱۳۹۵/۷/۲۸.
۲- دیدار با مردم قم، ۱۳۹۵/۱۰/۱۹.
۳- بیانات درحرم مطهر رضوی، ۱۳۹۶/۱/۱.

اعتقاد واقعی به استقلال کشور

متأسفانه کسانی هستند که تئوری‌سازی می‌کنند برای نفی استقلال کشور؛ استقلال را گاهی به انزوا معنا می‌کنند، گاهی به این عنوان که امروز استقلال کشورها یک ارزش به حساب نمی‌آید، قلم‌زنی می‌کنند و حرف می‌زنند؛ این حرف‌ها هم در بین جامعه پخش می‌شود. کسانی این‌جوری حرکت می‌کنند. این یک غلط بزرگ، یک خطای بسیار مهم و خطرناک است.[۱]

مایوس کردن دشمن، شرط پایان یافتن دشمنی‌ها

ما با معیار عدالت بین‌المللی، گرایش به معنویت، کرامت دادن به نوع انسان و گرایش به دین خدا و به معنویت و اخلاق معنوی سر کار آمده‌ایم؛ ما با معیار تن ندادن به قدرت‌طلبی و زیاده‌خواهی سیطره‌جویان عالم سر کار آمده‌ایم؛ این‌ها معیارهای جمهوری اسلامی است. بدیهی است که وقتی شما بنایتان مواجهه با زورگویی است، زورگوهای عالم با شما سر سازش نخواهند داشت و این، چالش ایجاد می‌کند. این چالش از اول انقلاب بوده، تا الآن هم هست، بعد از این هم تا وقتی که مأیوس نشده‌اند وجود دارد. باید خودتان و این کشور را به جایی برسانید که مأیوس بشوند.[۲]

توجه جدی به مسألهٔ جمعیت

یکی از خطراتی که وقتی انسان درست به عمق آن فکر می‌کند، تن او می‌لرزد، این مسألهٔ جمعیت است... .مسألهٔ جمعیت را جدی بگیرید؛ جمعیت جوان کشور دارد کاهش پیدا می‌کند. یک جایی خواهیم رسید که دیگر قابل علاج نیست. یعنی مسألهٔ جمعیت از آن مسائلی نیست که بگوییم حالا ده سال دیگر فکر می‌کنیم؛ نه، اگر چند سال بگذرد وقتی نسل‌ها پیر شدند، دیگر قابل علاج نیست.[۳]

۱- بیانات در سالگرد رحلت امام خمینی (ره)، ۱۳۹۴/۳/۱۴.
۲- دیدار با استانداران سراسر کشور، ۱۳۸۴/۱۲/۸.
۳- دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲/۹/۱۹.

نفوذ دشمن در مسئولان برای تغییر محاسبات آنان

یکی از آماج‌های نفوذ [دشمن]مسئولانند؛ آماج دوم مردمند. مسئولان آماج این نفوذند؛ برای چه؟ هدف چیست؟ هدف این است که محاسبات مسئولان را عوض کنند و تغییر بدهند؛ یعنی مسئول جمهوری اسلامی به این نتیجه برسد که با ملاحظهٔ هزینه و فایده احساس کند که باید این اقدام را بکند، این اقدام را نکند؛ نفوذ برای این است به این نتیجه برسد که فلان رابطه را قطع کند، فلان رابطه را ایجاد کند؛ نفوذ برای این است که این محاسبات در ذهن مسئولین عوض بشود. آن‌وقت وقتی نتیجه این بشود که فکر مسئولین و ارادهٔ مسئولین در مشت دشمن قرار بگیرد، دیگر لازم نیست دشمن بیاید دخالت مستقیم بکند؛ نه، مسئول کشور همان تصمیمی را می‌گیرد که او می‌خواهد. وقتی محاسبهٔ این حقیر عوض شد، تصمیمی را می‌گیرم که او می‌خواهد؛ من همان کاری را که او می‌خواهد مفت و مجانی انجام می‌دهم؛ گاهی بدون اینکه خودم بدانم، یعنی اغلب بدون اینکه خودم بدانم این کار را انجام می‌دهم؛ سعی می‌کنند محاسبات مسئولین را عوض کنند... الآن هم شروع کرده‌اند و برنامه‌ریزی کرده‌اند برای نفوذ؛ انواع و اقسام طُرق را –من محاسبه می کردم با خودم دیدم شاید حدود ده راه مهم را– برای نفوذ در کشور پیدا کرده‌اند و دارند عمل می کنند.[1]

همهٔ این کارهایی که شیطان انجام می دهد – این اغوا، این تهدید و تطمیع – برای این است که دستگاه محاسباتیِ انسان مؤمن را از کار بیندازد تا محاسبهٔ غلط انجام بدهد وقتی دستگاه محاسباتی از کار افتاد، کار خراب می‌شود. محاسبهٔ غلط، یکی از بزرگ‌ترین خطرهاست؛ گاهی حیات انسان را تهدید می‌کند؛ گاهی سرنوشت انسان را تهدید می‌کند؛ چون توان انسان، نیروی انسان، توانایی‌های انسان، تحت سرپنجهٔ ارادهٔ اوست و ارادهٔ انسان تحت تأثیر دستگاه محاسباتی او است: اگر دستگاه محاسباتی بد کار کرد، ارادهٔ انسان تصمیمی می‌گیرد و در جهتی می‌رود که خطا است؛ آن‌وقت نیروهای انسان، همهٔ توانایی‌های انسان در این جهتِ

۱- دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۴/۱۲/۲۰.

خطا به کار می‌افتد؛ این آن چیزی است که باید مراقب آن باشید. مراقبت در مورد شخصی که مسئولیت ندارد به یک معناست، مراقبت در مورد من و شما که حوزهٔ مسئولیتی داریم، به یک معنای دیگر است. مراقب باشیم که دستگاه محاسباتی ما به‌وسیلهٔ شیطان‌های انس و جن دچار اختلال نشود، مسائل را بد نفهمیم.[1]

لزوم هماهنگی اصلاحات در بخش های مختلف

هماهنگی اصلاحات در بخش‌های مختلف مهم است. در بعضی از بخش‌ها اصلاحات، پیچیده و دشوار و کُند است. مثلاً در بخش اقتصادی، کار بسیار کُند انجام می‌گیرد؛ توزیع عادلانهٔ درآمدها نیز همین‌طور است؛ کار بسیار سختی است؛ کار آسانی نیست. ریشه‌کن کردن فقر و رسیدگی به مناطق محروم، همهٔ اینها جزو اصلاحات است. اصلاح ساختار اداری، کار بسیار دشوار و پیچیده و سنگینی است؛ اینها دیر پیش می‌رود... . باید هماهنگ حرکت کنیم؛ باید پابه‌پای بخش‌های دشوار حرکت کنیم... . همهٔ نیرویتان را که شما جمع کنید، با همهٔ صداقت و دلسوزی و علاقه‌مندی هم که کار کنید، سرعت خاصی خواهید داشت؛ بقیهٔ بخش‌ها را هم باید با همان سرعتِ حرکت دهید. اگر این سرعت برابر و هماهنگ را رعایت نکردید، آن وقت مشکلات بسیار اساسی پیش می‌آید.[2]

اهمیت برقراری عدالت

من سفارش کرده‌ام و سفارش و تأکید هم می‌کنم که باید تلاش شود فقر و بی‌عدالتی و تبعیض که میراث طواغیت گذشته است، در این کشور ریشه کن شود. این‌جانب بیشترین اهتمام را متوجه این مطلب کرده‌ام و می‌کنم و توصیه‌ام این است که دیگران نیز همین‌طور عمل کنند.[3]

نظام اسلامی می‌فرماید: «بالعدل قامت السموات و الارض[4]» اصل،

۱- دیدار با مسئولان نظام، ۱۳۹۳/۴/۱۶.
۲- دیدار با مسئولان وکارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹/۴/۱۹.
۳- مراسم تنفیذ ریاست جمهوری حجت الاسلام خاتمی، ۱۳۷۶/۰۵/۱۲.
۴- تفسیر صافی، ذیل آیهٔ: آسمان‌ها و زمین به عدل بر پا شده‌اند(الرحمن،۷).

عدالت است. البته، تولید ثروت هست. نظام اسلامی، جامعهٔ فقیر نمی‌خواهد. یک ملت فقیر و یک درآمد عمومی ناچیز نمی‌خواهد. از ثروت‌ها استفاده می‌کند؛ علم را پیشرفت می‌دهد، منابع زیرزمینی را استخراج می‌کند، انسان‌ها را به رشد عقلانی می‌رساند، تجارت می‌کند و صنعت راه می‌اندازد. تاریخ اسلام نشان داد که اسلام به برکت همین احکام نورانی، در یک دورهٔ طولانی صاحب علم و صنعت در کل جهان بوده است اما جهت همهٔ اینها، عدالت است. ثروت هست اما باید عدالت در جامعه تضمین شود. برای عدالت، منتظر امام زمانیم. پیغمبران آمدند؛ همه هم برای اقامهٔ قسط آمدند.[۱]

در نظر گرفتن عدالت به عنوان ارزش درجهٔ اول نه درجهٔ دوم

نباید ارزش عدالت به عنوان یک ارزش درجهٔ دو کم‌کم در مقابل ارزش‌های دیگر به فراموشی سپرده شود؛ در نظام ما این خطر وجود داشته است. ارزش‌های دیگر هم خیلی مهم است؛ مثلاً ارزش پیشرفت و توسعه، ارزش سازندگی، ارزش آزادی و مردم‌سالاری. مطرح کردن ارزش عدالت مطلقاً به معنای نفی اینها نیست اما وقتی ما این ارزش‌ها را عمده می‌کنیم و مسألهٔ عدالت و نفی تبعیض و توجه به نیازهای طبقات محروم در جامعه کمرنگ می‌شود، خطر بزرگی است؛ با عدالت‌محور بودن یک دولت، این خطر از بین می‌رود یا ضعیف می‌شود.[۲]

محور قرار دادن عدالت در تمام برنامه ریزی ها

عدالت را واقعاً محور همهٔ برنامه‌ریزی‌های خودتان قرار دهید و ببینید در بخش‌های مختلف چگونه می‌شود آن را تأمین کرد. در این زمینه، به خصوص سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی نقش خیلی زیادی دارد و بعد هم بخش‌های مالی و اقتصادی دولت و بخش خدماتی و دیگر بخش‌ها.[۳]

۱- مراسم تنفیذ ریاست جمهوری حجت الاسلام خاتمی، ۱۳۷۶/۵/۱۲.
۲- دیدار با هیأت دولت ۱۳۸۴/۶/۸.
۳- همان

تنیده بودن عدالت با معنویت و عقلانیت

اگر بخواهیم عدالت به معنای حقیقی خودش در جامعه تحقق پیدا کند، با دو مفهوم دیگر به شدت در هم تنیده است؛ یکی مفهوم عقلانیت است، دیگر معنویت. اگر عدالت از عقلانیت و معنویت جدا شد، دیگر عدالتی که شما دنبالش هستید نخواهد بود؛ اصلاً عدالت نخواهد بود. عقلانیت به‌خاطر این است که اگر عقل و خرد در تشخیص مصادیق عدالت به‌کار گرفته نشود، انسان به گمراهی و اشتباه دچار می‌شود؛ خیال می‌کند چیزهایی عدالت است، در حالی‌که نیست و چیزهایی را هم که عدالت است، گاهی نمی‌بیند؛ بنابراین عقلانیت و محاسبه، یکی از شرایط لازم رسیدن به عدالت است. عقلانیت و محاسبه که می‌گوییم، فوراً به ذهن نیاید که عقلانیت و محاسبه به معنای محافظه‌کاری، عقل‌گرایی و تابع عقل بودن است. عاقل بودن و خرد را به کار گرفتن با محافظه‌کاری فرق دارد... . محاسبهٔ عقلانی گاهی اوقات خودش منشأ تحولات عظیمی می‌شود. انقلاب عظیم اسلامی ما ناشی از یک عقلانیت بود.[۱]

اگر عدالت را از معنویت جدا کنیم – یعنی عدالتی که با معنویت همراه نباشد – این هم عدالت نخواهد بود. عدالتی که همراه با معنویت و توجه به آفاق معنویِ عالم وجود و کائنات نباشد، به ریاکاری و دروغ و انحراف و ظاهرسازی و تصنع تبدیل خواهد شد؛ مثل نظام‌های کمونیستی که شعارشان عدالت بود... . آن چیزی که اسمش عدالت است و آن مفهومی که عدالت دارد، مطلقاً در آن‌جا وجود نداشت. طبقهٔ اشراف جدیدی در آن‌جا وجود داشت که با معیارهای حزبی و سیاسی خاص خودشان روی کار آمده بود و از همهٔ امکانات برخوردار بود؛ مردم هم در فقر و تهیدستی و بدبختی زندگی می‌کردند. عدالت باید با معنویت همراه باشد؛ یعنی باید شما برای خدا و اجر الهی دنبال عدالت باشید؛ در این صورت می‌توانید با دشمنان عدالت مواجهه و مقابله کنید. البته معنویت هم بدون گرایش به عدالت، یک بُعدی

۱- دیدار با هیأت دولت ۱۳۸۴/۶/۸.

است. بعضی‌ها اهل معنایند اما هیچ نگاهی به عدالت ندارند؛ این نمی‌شود. اسلام، معنویتِ بدون نگاه به مسائل اجتماعی و سرنوشت انسان‌ها ندارد.[۱]

تعبیر نادرست از عدالت

بعضی‌ها می‌گویند عدالت یعنی توزیع فقر. نخیر، کسانی که بحث عدالت را می‌کنند، به‌هیچ‌وجه منظورشان توزیع فقر نیست بلکه توزیع عادلانهٔ امکانات موجود است. آنهایی که می‌گویند عدالت توزیع فقر است، مغز و روح حرفشان این است که دنبال عدالت نروید؛ دنبال تولید ثروت بروید تا آنچه تقسیم می‌شود، ثروت باشد. دنبال تولید ثروت رفتن بدون نگاه به عدالت، همان چیزی می‌شود که امروز در کشورهای سرمایه‌داری مشاهده می‌کنیم. در غنی‌ترین کشور عالم – یعنی امریکا – کسانی هستند که از گرسنگی و از سرما و گرما می‌میرند؛ اینها که شعار نیست واقعیت‌هایی است که مشاهده می‌کنیم.[۲]

ادامه دادن راه امام خمینی(؟ره؟) و تحریف نکردن این راه

اگر ملت ایران بخواهد به آن هدف‌ها برسد، بخواهد این راه را ادامه بدهد، باید راه امام بزرگوار را درست بشناسد، اصول او را درست بشناسد، نگذارد شخصیت امام را تحریف کنند، که تحریف شخصیت امام، تحریف راه امام و منحرف کردن مسیر صراط مستقیم ملت ایران است. اگر راه امام را گم کنیم یا فراموش کنیم یا خدای نکرده عمداً به کنار بگذاریم، ملت ایران سیلی خواهد خورد... . اگر شخصیت امام تحریف شد، بد معرفی شد، غلط معرفی شد، همهٔ این خطرات بزرگ متوجه ملت ایران خواهد شد؛ اینجاست که خطر تحریف امام به‌عنوان یک هشدار باید در گوش و چشم مسئولان کشور، صاحب‌نظران فکری انقلاب، شاگردان قدیمی امام، کسانی که علاقه به این راه دارند و عموم جوانان، فرزانگان، دانشگاهیان، حوزویان تلقی بشود... . در داخل هم بعضی ندانسته، بعضی هم دانسته

۱- دیدار با هیأت دولت ۱۳۸۴/۶/۸.
۲- همان

[شخصیت امام را] تحریف می‌کردند؛ حتی زمان حیات خود امام، هر حرفی را که به‌نظرشان پسندیده بود، به امام نسبت می‌دادند؛ درحالی‌که ارتباطی به امام نداشت. بعد از رحلت امام هم همین جریان ادامه داشته است؛ حتی تا آنجایی که بعضی حرف‌ها و بعضی اظهارات امام را به‌صورت یک آدم لیبرال که هیچ قید و شرطی در رفتار او در زمینه‌های سیاسی، حتی در زمینه‌های فکری و فرهنگی وجود ندارد معرفی می‌کنند؛ این هم به شدت غلط و خلاف واقع است.[۱]

حرام بون پذیرش مسئولیت، بدون اعتقاد به آرمان های امام

اگر کسی در نظام جمهوری اسلامی در مسئولیتی مشغول کار است ولی آرمان‌های نظام جمهوری اسلامی را آن‌گونه که امام بزرگوار ترسیم کرده است و در قانون اساسی تجسم پیدا کرده، در دلش قبول ندارد، اشغال آن پست برای او حرام شرعی است. آنجایی که صحبت از مسائل اساسی نظام اسلامی است، آنجایی که وحدت دین و سیاست مطرح است، آنجایی که اصول قانون اساسی مورد نظر است، آنجایی که الزام به تبعیت از دین و شریعت مطرح است، اگر یک مسئول عقیده‌ای غیر از این دارد، می‌تواند شهروند جمهوری اسلامی باشد– مانعی ندارد– اما نمی‌تواند مسئول باشد؛ به خصوص در مسئولیت‌های بالا. مدیران ارشد، نمایندگان مجلس و مسئولان عالی‌مقام قوهٔ قضائیه، درعین‌حال که مسئولیت مهمی در نظام جمهوری اسلامی دارند، نمی‌توانند به آرمان‌های نظام جمهوری اسلامی و اصول قانون اساسی اعتقادی نداشته باشند؛ چون اعتقاد انسان در عمل و گفتار او اثر می‌گذارد.[۲]

انطباق شعارها و اهداف دولت با مبانی امام و انقلاب

بسیار فرصت استثنایی و مغتنمی است؛ حقیقتاً از دوره‌هایی است که ما نظیر آن را در گذشتهٔ دوران انقلاب تا امروز کم داشته‌ایم. اولاً، شعارهای

۱- بیانات در سالگرد رحلت امام خمینی (ره)، ۱۳۹۴/۳/۱۴.
۲- دیدار با اجتماع بزرگ مردم اصفهان، ۱۳۸۰/۸/۸.

دولت و مسئولان و اهداف تعیین‌شدهٔ آنان کاملاً با مبانی انقلاب و با مبانی اعلام‌شدهٔ امام عزیز ما منطبق است. ثانیاً این گفتمان در بین مردم به طور محسوسی زنده است و وجود دارد که وجود این گفتمان میان مردم هم عامل عمده و اصلیِ گرایش آن‌ها به این دولت و این رئیس‌جمهور محترم بود.[۱]

لزوم انطباق گفتمانی دولت با گفتمان امام و شعارهای انقلاب

شعار و گفتمان کلی این دولت منطبق بر شعار و گفتمان امام و منطبق بر شعارها و گفتمان‌های انقلاب است؛ این خیلی چیز باارزشی است. این را هیچ‌کس نمی‌تواند ندیده بگیرد. هر دلبستهٔ به انقلاب، این را قدر می‌داند؛ هر کسی که پیشرفت کشور را با هدایت انقلاب و با کارگردانی انقلاب تصور می‌کند، باید این را قدر بداند.[۲]

وحدت حول محور ولی فقیه

وحدت عمومی به معنای گرد آمدن صاحبان سلیقه‌ها و روش‌های گوناگون بر گرد محور اسلام، خط امام و ولایت فقیه است. این، همان اعتصام به «حبل الله» است که عموم مسلمین بدان مکلف گشته‌اند و این، آن اسم اعظمی است که همهٔ گره‌ها را باز و همهٔ موانع را برطرف و همهٔ شیاطین را مغلوب می‌کند.[۳]

نقش ولایت فقیه در حفظ جهت نظام

عده‌ای سعی می‌کنند ولایت فقیه را به معنای حکومت مطلقهٔ فردی معرفی کنند؛ این دروغ است. ولایت فقیه طبق قانون اساسی ما نافی مسئولیت‌های ارکان مسئول کشور نیست. مسئولیت دستگاه‌های مختلف و ارکان کشور غیر قابل سلب است. ولایت فقیه، جایگاه مهندسی نظام و حفظ خط و جهت نظام و جلوگیری از انحراف به چپ و راست است؛ این

۱- دیدار با رئیس‌جمهور و هیأت دولت، ۶/ ۶/ ۱۳۸۵.
۲- دیدار با رئیس‌جمهور و هیأت دولت۱۳۸۷/۶/۲.
۳- پیام به ملت شریف ایران، در پایان چهلمین روز ارتحال حضرت امام خمینی(ره)، ۲۳/ ۴/ ۱۳۶۸.

اساسی‌ترین و محوری‌ترین مفهوم و معنای ولایت فقیه است؛ بنابراین ولایت فقیه نه یک امر نمادین و تشریفاتی محض و احیاناً نصیحت‌کننده است- آن‌طوری که بعضی از اول انقلاب این را می‌خواستند و ترویج می‌کردند- نه نقش حاکمیت اجرایی در ارکان حکومت دارد؛ چون کشور مسئولان اجرایی، قضائی و تقنینی دارد و همه باید بر اساس مسئولیتِ خود کارهایشان را انجام دهند و پاسخگوی مسئولیت‌های خود باشند. نقش ولایت فقیه این است که در این مجموعهٔ پیچیده و درهم‌تنیدهٔ تلاش‌های گوناگون نباید حرکت نظام، انحراف از هدف‌ها و ارزش‌ها باشد؛ نباید به چپ و راست انحراف پیدا شود. پاسداری و دیده‌بانی حرکت کلی نظام به سمت هدف‌های آرمانی و عالی‌اش، مهم‌ترین و اساسی‌ترین نقش ولایت فقیه است. امام بزرگوار این نقش را از متن فقه سیاسی اسلام و از متن دین فهمید و استنباط کرد؛ همچنان که در طول تاریخ شیعه و تاریخ فقه شیعی در تمام ادوار، فقهای ما این را از دین فهمیدند و شناختند و به آن اذعان کردند. البته فقها برای تحقق آن فرصت پیدا نکردند اما این را جزو مسلّمات فقه اسلام شناختند و دانستند و همین‌طور هم هست.[۱]

ولایت فقیه ولایت معیارهاست نه حکومت یک شخص

تعریف جامعهٔ مدنی چیست؟ اگر جامعهٔ مدنی به معنای جامعهٔ مدینه النبی است، قاعدتاً ولایت فقیه در جامعهٔ مدینه‌النبی، در رأس همهٔ امور است؛ چون در مدینه‌النبی، حکومت، حکومت دین است و ولایت فقیه هم به معنای ولایت و حکومت یک شخص نیست؛ حکومتِ یک معیار و در واقع یک شخصیت است. معیارهایی وجود دارد که این معیارها در هرجایی تحقق یابد، این خصوصیت را می‌تواند پیدا کند که در جامعه به وظایفی که برای ولی فقیه معین شده، رسیدگی کند. به نظر من به این نکته باید توجه و افتخار کرد که برخلاف همهٔ مقررات عالم در باب حکومت که در قوانین آن‌ها حاکمیت‌ها یک حالت غیر قابل خدشه دارند، در نظام اسلامی آن کسی که به‌عنوان ولی فقیه مشخص می‌شود، چون اساساً مسئولیت

۱- بیانات در مراسم پانزدهمین سالگرد ارتحال امام خمینی(ره)، ۱۴/ ۳/ ۱۳۸۳.

او مبتنی بر معیارهاست، چنانچه این معیارها را از دست داد، به‌خودی‌خود ساقط می‌شود. وظیفهٔ مجلس خبرگان، تشخیص این قضیه است.[۱]

تصور درست معنای ضد ولایت فقیه

در زمان امام(؟رضو؟) ما می‌دیدیم که ایشان مطلبی را می‌فرمودند اما در مجلس همه به آن رأی نمی‌دادند؛ نمی‌شود گفت اینها ضد ولایت فقیه‌اند. من یادم هست که یک‌وقت راجع به رادیو و تلویزیون یک نظر این بود که رؤسای سه قوه، شورای عالی رادیو و تلویزیون باشند؛ همان شورای سرپرستی‌ای که سابق بود. بنده خودم با ایشان صحبت کرده بودم و می‌دانستم که نظرشان این است که رئیس‌جمهور و رئیس مجلس و رئیس قوهٔ قضائیه، اعضای شورای سرپرستی را تشکیل بدهند. قاعده‌اش هم همین بود که وقتی می‌گویند سه قوه نظارت کنند که در قانون اساسی قبلی، تعبیر این‌گونه بود، باید شورایی با این ترکیب تشکیل شود؛ آسان‌ترین وجهش این است. وقتی این پیشنهاد به مجلس آمد، آقای هاشمی آن را مطرح کردند اما با اکثریت قاطعی رد شد! با اینکه ایشان هم گفتند که این نظر امام است اما فقط عدهٔ معدودی به آن رأی دادند! واقعاً نمی‌شود به آن اکثریت گفت که شما ضد ولایت فقیه هستید؛ نه، همه‌شان هم فدایی امام و علاقه‌مند به امام و مخلص امام بودند؛ خیلی‌هایشان هم جبهه‌برو بودند اما این حرف را قبول نداشتند؛ بنابراین باید واقعاً این چیزها از هم تفکیک بشود. در همان وقت ما کسانی را می‌شناختیم که به فلان مرکز می‌رفتند و صحبت می‌کردند و در اصلِ اعتبار نظر ولایت فقیه خدشه می‌کردند! این حرف‌ها مربوط به امروز نیست که حالا کسی خیال کند بعضی‌ها امروز این حرف‌ها را می‌زنند؛ نه، همان زمان می‌زدند؛ ما در جریان بودیم و افرادش را می‌شناختیم؛ الآن هم یقیناً آثار و نوارها و حرف‌هایشان هست. غرض، رمی به «ضدیت با ولایت فقیه» چیز آسانی نیست که ما تا اندک چیزی از کسی دیدیم، فوراً این مُهر را به پیشانی او بزنیم؛ ضدیت با ولایت فقیه،

۱- جلسهٔ پرسش و پاسخ با مدیران مسئول و سردبیران نشریات دانشجویی، ۴/ ۱۲/ ۱۳۷۷.

شواهد و ضوابطی دارد.[۱]

اینکه ما گفتیم گاهی اوقات معارضه با مسئولان کشور نشود این به معنای انتقاد نکردن نیست؛ به معنای مطالبه نکردن نیست؛ دربارهٔ رهبری هم همین‌جور است. این برادر عزیزمان می‌گوید ضد ولایت فقیه را معرفی کنید. ضد معلوم است معنایش چیست؛ ضدیت یعنی پنجه در افکندن، دشمنی کردن نه معتقد نبودن. اگر بنده به شما معتقد نباشم، ضد شما نیستم؛ ممکن است کسی معتقد به کسی نیست. البته این ضد ولایت فقیه که در کلمات هست، آیهٔ مُنزل از آسمان نیست که بگوییم باید حدود این کلمه را درست معین کرد؛ به هر حال یک عرفی است. اعتراض به سیاست‌های اصل ۴۴ ضدیت با ولایت فقیه نیست؛ اعتراض به نظرات خاص رهبری، ضدیت با رهبری نیست. دشمنی، نباید کرد. دو نفر طلبه کنار همدیگر می‌نشینند؛ خیلی هم باهم رفیقند، خیلی هم باهم باصفایند، همدرس هستند، مباحثه می‌کنند، حرف همدیگر را رد می‌کنند؛ این حرف او را رد می‌کند، آن حرف این را رد می‌کند. رد کردن حرف به معنای مخالفت کردن، به معنای ضدیت کردن نیست؛ این مفاهیم را باید از هم جدا کرد. بنده از دولت‌ها حمایت کرده‌ام، از این دولت هم حمایت می‌کنم؛ این به معنای این نیست که همهٔ جزئیات کارهایی که انجام می‌گیرد، مورد تأیید من است یا حتی من از همه‌اش اطلاع دارم؛ نه، لازم نیست. اطلاع رهبری از آن مجموعهٔ حوادث و رویدادهایی لازم است که به تصمیم‌گیری‌های او، به جهت‌گیری‌های او و به انجام تکالیف و وظایف او ارتباط پیدا می‌کند، نه اینکه حالا از همهٔ چیزهایی که در محیط دولت و محیط کار وزارتخانه‌ها اتفاق می‌افتد، باید حتماً رهبری مطلع باشد؛ نه، نه لازم است، نه ممکن است؛ موافقت با آن‌ها هم لازم نیست. بعضی از اشخاص و بعضی از کارها ممکن است در مجموعهٔ دولتی وجود داشته باشد که صددرصد مورد اعتماد و مورد تأیید ماست اما آن کار را ما تأیید نکنیم؛ چون دلیل ندارد که رهبری وارد محیط اجرائی شود؛ به دلیل اینکه مسئولیت‌ها مشخص است

۱- دیدار با اعضای هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات چهارمین دورهٔ مجلس شورای اسلامی ، ۴/ ۱۲/ ۱۳۷۰.

و باید مسئول وزیر، رئیس فلان مرکز یا بنگاه فرهنگی یا اقتصادی وظایف خودش را انجام بدهد؛ بنابراین ما به‌هیچ‌وجه انتقاد کردن را مخالفت و ضدیت نمی‌دانیم.[۱]

پرهیز از ایجاد حاکمیت دوگانه

عده‌ای شعار می‌دادند؛ شعارهایی که فقط برای جدا کردن مردم از یکدیگر خوب بود؛ به این هم قانع نبودند، شعار حاکمیت دوگانه می‌دادند؛ یعنی در خود حاکمیت و مدیریت کشور دودستگی به وجود آید و به جان هم بیفتند؛ این را صریحاً شعار می‌دادند و خجالت هم نمی‌کشیدند. این‌ها بحمد الله منزوی شده‌اند.[۲]

بیعت با امام بیعت با پیامبر اسلام؟ص؟ است.

آن‌کسی که امروز با امام خمینی بیعت می‌کند، با پیغمبر بیعت کرده. وقتی شما خط انقلابی امام را زنده نگه می دارید و نمی‌گذارید مندرس بشود، نمی گذارید رنگ کهنگی بگیرد، در واقع با پیغمبر بیعت کردید.[۳]

۱- دیدار با دانشجویان نخبه، برگزیدگان کنکور و فعالان تشکل‌های سیاسی فرهنگی دانشگاه‌ها، ۱۷/ ۷/ ۱۳۸۶.

۲- دیدار با مردم گرمسار، ۲۱/ ۸/ ۱۳۸۵.

۳- دیدار با مردم قم، ۱۳۹۴/۱۰/۱۹.

۳- نگاه عملی رئیس‌جمهور در فرهنگ

ارزیابی عملکرد دولت (۱۰۰-۰)	دولت جدید	روحانی	احمدی‌نژاد	خاتمی	هاشمی
۱. داشتن هدف مهم تمدن سازی نوین اسلامی					
۲. اعتقاد و افتخار به هویت ایرانی و اسلامی					
۳. داشتن نگاه ضد لیبرالی و ضد سکولار					
٤. تقویت اقتدار ملی با تقویت فرهنگ، اقتصاد،علم					
٥. قرار دادن عدالت به عنوان شعار و ارزش اصلی و نه فرعی					
٦. اعتقاد واقعی به استقلال در همه زمینه‌ها					
۷. تلاش برای تقویت ایمان دینی مردم					
۸. اعتقاد و عدم تحریف آرمان‌های امام و انقلاب					
۹. انطباق گفتمانی با ولی‌فقیه					
۱۰. توجه به مسأله جمعیت					
۱۱. توجه به مسأله مهم نفوذدشمن					

وظیفهٔ دولت در رابطه با تعلیم و تربیت و تزکیهٔ افراد جامعه

بحث ما در وظایف حکومت اسلامی در رابطهٔ با جامعه بود که این وظایف دو نوع است: یک نوع وظایف مربوط به امور معنوی و یک نوع وظایف مربوط به رفاه مادی. در وظایف معنوی، یکی از وظایف عبارت بود از تعلیم و تربیت و تزکیهٔ جامعه.[۱]

اصول امام در فرهنگ

در عرصهٔ فرهنگ، اصول امام عبارت است از نفی فرهنگ اباحه‌گری غربی، نفی جمود و تحجر و نفی ریاکاری در تمسک به دین، دفاع قاطع از اخلاق و احکام اسلام، مبارزه با ترویج فحشا و فساد در جامعه.[۲]

لزوم حفظ فرهنگ ملی

در باب فرهنگ، سیاست کلی کشور باید عبارت باشد از حفظ و پرداخت و وابستگی شدید و کامل به فرهنگ ملی. البته جزو مهم‌ترین ارکان فرهنگ ملی، اسلام است. شاید هیچ ملت دیگری این‌گونه با اسلام آمیخته نشد که ما شدیم. اسلام و آداب و فرهنگ اسلامی، جزو فرهنگ ملی ماست. ملی در این‌جا، مقابل اسلامی نیست؛ عین همان اسلامی است.[۳]

لزوم توجه به جوانان

در زمینهٔ مسائل کشور و به خصوص در زمینهٔ مسائل اقتصادی، توجه به اشتغال جوانان و جهت‌گیری فکری و روحی و فرهنگی آنان خیلی مهم است... . این فرصتی است و می‌تواند به عنوان یک نقطهٔ قوت به کار رود. البته دشمن، درست در نقطهٔ مقابل آنچه شما می‌خواهید، سعی می‌کند که این نقطهٔ قوت را به نقطهٔ ضعف تبدیل کند؛ جوانان را به فساد بکشاند؛ از لحاظ فکر سیاسی، از لحاظ رفتار اجتماعی، از لحاظ رفتار فردی، با تبلیغاتش

۱- بیانات در خطبه‌های نماز جمعهٔ تهران، ۱۳۶۵/۹/۱۴.
۲- بیانات در سالگرد ارتحال امام خمینی (ره)، ۱۳۹۲/۳/۱۴.
۳- مراسم تنفیذ دورهٔ دوم ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۲/۵/۱۲.

آنها را دچار آلودگی کند... . در داخل هم متأسفانه کسانی هستند که در این جهت کار می‌کنند؛ همان کاری را می‌کنند که درست دشمن دنبال آن کار است: ایمان جوانان را ضعیف کردن، پیوند آنها را با نظام و با مسئولان کشور سست کردن، آنها را به آینده بدبین و دلسرد کردن، آنها را نسبت به محیطی که در آن زندگی می‌کنند، بی‌اعتقاد کردن. این کارها متأسفانه انجام می‌گیرد.[۱]

لزوم مبارزه با اباحی‌گری اعتقادی و عملی

یکی از مسائلی که دشمن به‌طور جدی در کشور تبلیغ می‌کند، مسألهٔ اباحی‌گری است. اباحی‌گریِ اعتقادی و عملی، یعنی پایبندی‌ها و تقیدات و تکیه‌گاه‌هایی که انسان را در حرکت خود به سمت هدف مشخصی عازم و مصمم می‌کند، از او گرفتن و او را سرگردان و لنگ کردن. این را باید جدی بگیرید. یکی از سیاست‌های دشمنان اسلام این است که ایمان مردم را بگیرند و اعتقاد آنها به انقلاب را سلب کنند.[۲]

داشتن تهاجم فرهنگی به جای انفعال فرهنگی

دیر جنبیدن، دیر فهمیدن، دیر به فکر علاج افتادن، این اشکالات را دارد که بعد شما دچار مشکلاتی می شوید که نمی‌توانید با آنها مواجه بشوید. پس من نمی گویم که فقط موضع دفاعی داشته باشیم – البته وقتی تهاجم هست، انسان باید دفاع کند؛ شکی نیست – توصیهٔ من فقط موضع دفاعی نیست؛ موضع اثباتی، موضع تهاجمی، موضع حرکت صحیح باید داشته باشیم. به‌هرحال در مقابل فرهنگ مهاجم، بدترین کار، انفعال است؛ زشت‌ترین کار، انفعال است؛ خسارت‌بارترین کار، انفعال است. فرهنگ مهاجم نباید ما را منفعل بکند؛ حداکثر این است که بگوییم ما در مقابل این نمی‌توانیم حرکتی انجام بدهیم اما منفعل هم نمی‌شویم. منفعل شدن و پذیرفتن تهاجم دشمن، خطایی است که بایستی از آن پرهیز کرد.[۳]

۱- دیدار با رئیس جمهور و هیأت دولت به مناسبت آغاز هفتهٔ دولت، ۱۳۷۷/۶/۲.
۲- بیانات پس از مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری حجت الاسلام خاتمی، ۱۳۸۰/۵/۱۱.
۳- دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲/۹/۱۹.

مبارزه با جریان فسادهای اخلاقی

یک جریان فساد، فسادهای اخلاقی و رواج منکرات است. با این هم باید مقابله و مبارزه کرد. ما خوب می‌دانیم این جزو تعالیم اسلام است که با زبان و تبیین باید مردم را با فضایل اخلاقی آشنا کرد و از منکرات دور نگه‌داشت. این به جای خود درست اما با شیوع منکرات و با تظاهر به آن باید مقابله کرد. اسلام مرتکبِ منکر را نصیحت و هدایت می‌کند اما حد هم برای او می‌گذارد. با صِرف زبان و توصیه نمی‌شود کاری کرد. قدرت نظام باید جلوی سیر فحشا و فساد را بگیرد.[۱]

لزوم جلوگیری از نفوذ فرهنگی

دولت اسلامی موظف است که جامعه را با فرهنگ بالاتر و معلومات عمیق‌تر و آگاهی‌های همگانی مجهز کند و بدین وسیله جلوی نفوذ فرهنگ بیگانه را بگیرد.[۲]

توجه مسئولان به مقولهٔ نفوذ فرهنگی

مسئولان فرهنگی باید مراقب رخنهٔ فرهنگی باشند؛ رخنه‌های فرهنگی بسیار خطرناک است؛ باید حساس باشند، باید هشیار باشند. نمی‌خواهیم بگوییم همهٔ آسیب‌های فرهنگی کار بیگانگان است؛ نه، خود ما هم مقصریم؛ مسئولان مختلف، مسئولان فرهنگی، مسئولان غیر فرهنگی، کم‌کاری‌ها، غلط‌کاری‌ها، اینها تأثیر داشته؛ ما همه را به گردن دشمن نمی‌اندازیم اما حضور دشمن را هم در زمینهٔ مسائل فرهنگی نمی‌توانیم فراموش کنیم.[۳]

سالم سازی فرهنگ عمومی

مقولهٔ فرهنگ، بسیار مقولهٔ مهمی است؛ مثل هوایی است که انسان در آن تنفس می‌کند. همه – بزرگ، کوچک، بالا، پایین، قشرهای مختلف،

۱- بیانات پس از مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری حجت الاسلام خاتمی ۱۳۸۰/۵/۱۱.
۲- خطبه‌های نماز جمعهٔ تهران، ۱۳۶۵/۹/۱۴.
۳- بیانات در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۳/۱/۱.

مسئول، غیرمسئول – در فضا تنفس می‌کنند. این فضا را درست کنید تا همه سالم تنفس کنند.[۱]

لزوم توجه به زمینه های هنری

متأسفانه دشمنان اسلام و ایران و شرف و عزت ما از هنر هم سوء استفاده کردند؛ هنوز هم دارند می‌کنند. از شعر و نقاشی و داستان و فیلم و نمایش و بقیهٔ شعبه‌های هنر به عنوان ابزاری برای کوبیدن فضیلت، از بین بردن حقایق و فضایل معنوی و اسلامی و سوق دادن به مادی‌گری و عیش و عشرت مادی سوء استفاده می‌کنند... . اگر انقلاب و جامعهٔ اسلامی از هنر فاخر و برجسته برخوردار نباشد، نخواهد توانست مکنونات قلبی خود را به مخاطبان خودش برساند و با آنها ارتباط برقرار کند.[۲]

توجه به هنر دینی

نمی‌شود ما این‌جا بنشینیم و تلاش‌های زبده‌ترین انسان‌های عالم را که مصلحان و پیامبران و مجاهدان راه خدا بودند تخطئه کنیم و نسبت به آن بی‌تفاوت بگذریم. هنر دینی این معارف را منتشر می‌کند. هنر دینی عدالت را در جامعه به صورت یک ارزش معرفی می‌کند ولو شما هیچ اسمی از دین و هیچ آیه‌ای از قرآن و هیچ حدیثی در باب عدالت در خلال هنرتان نیاورید.[۳]

توجه به طرح جامع فرهنگی

طرح جامع فرهنگی... مسائلی است که گفته شده است... لیکن وقتی ما می‌بینیم استادی، دانشمندی، صاحب فنی، از این مسائل به عنوان نیاز روز نام می برد و یاد می کند، نشانهٔ این است که کاری که ما کردیم، هنوز در مرحلهٔ کاربرد و میدان عمل حضور ندارد؛ یعنی کار ما هنوز تمام نیست. به این نکته دوستان مسئول باید توجه کنند. تصمیم گرفتیم، حرف زدیم،

۱- دیدار با رئیس‌جمهور و هیأت دولت، ۱۳۸۷/۶/۲.
۲- بیانات در دانشگاه هنر، ۱۳۷۰/۸/۱.
۳- دیدار با اصحاب فرهنگ و هنر، ۱ /۵/ ۱۳۸۰.

گفتیم اما کاری که باید بشود، انجام نگرفته.[۱]

لزوم تحقق سند مهندسی فرهنگی[۲]

سند مهندسی فرهنگی – که شنیدم کار آن نزدیک به اتمام [است] یا اتمام پیدا کرده – باید برای آن هم سازوکار اجرایی حتماً تهیه بشود که تحقق پیداکند.[۳]

پرهیز از رهاسازی فرهنگی

دو کار اساسی و اصلی باید انجام بگیرد؛ یکی تولیدات فرهنگی سالم در زمینه‌های مختلف و یکی جلوگیری از تولیدهای مضر و به‌اصطلاح، متاع و کالای مضر فرهنگی؛ به نظر من این جزو کارهای اساسی است. در همهٔ دنیا مراقبت از محصولات فرهنگی و کتاب و مانند اینها وجود دارد؛ کجای دنیاست که وجود نداشته باشد؟... . هر کشوری اصولی دارد که این اصول باید مراقبت بشود و دستگاه‌های حاکمیتی باید این اصول را رعایت کنند؛ رودربایستی ندارد. اگر می‌بینید فلان تئاتر، فلان فیلم، فلان کتاب، فلان نشریه با مبانی انقلاب و مبانی اسلام مخالف است، جلویش را بگیرید و با آن برخورد بکنید. حالا چگونه برخورد بکنید، یک بحث دیگر است... . رهاسازی فرهنگ اصلاً جایز نیست.[۴]

ایجاد کارزار فکری با امکان سخن گفتن اهل حق

اشکالی که ما همواره به بخش‌های فرهنگی داشته‌ایم، این بوده که به نقش خودشان به عنوان یک دولت اسلامی در صحنهٔ کارزار فکری درست عمل نمی‌کنند. کارزار فکری باید باشد؛ منتها کارزار فکری عملاً به این شکل درنیاید که به قول سعدی، سگ را بگشاییم و سنگ را ببندیم؛ حربه

۱-دیدار با استادان دانشگاه‌ها، ۱۳۸۸/۶/۸.

۲- اولین بار مقام معظم رهبری در سال ۱۳۸۱ از لزوم مهندسی فرهنگی کشور سخن گفتند و شورای عالی انقلاب فرهنگی را به عنوان مرکز مهندسی فرهنگی کشور معرفی نمودند. در سال ۱۳۸۳ ایشان از لزوم تدوین سند مهندسی فرهنگی صحبت کردند و به دنبال آن، در سال ۱۳۸۶ شورای مهندسی فرهنگی ذیل شورای عالی انقلاب فرهنگی راه اندازی شد.

۳- دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲/۹/۱۹.

۴- دیدار با رئیس جمهور و هیأت دولت، ۱۳۹۴/۶/۴.

را از دست اهل حق و اهل آن فکری که حق می‌دانیم، بگیریم اما دست اهل باطل را باز بگذاریم که هر بلایی می‌خواهند، سر جوان‌های ما بیاورند؛ نه، او حرف بزند، شما هم حرف بزنید و در جامعه فکر تزریق کنید. ما به تجربه دریافته‌ایم که آن‌جا که سخن حق با منطق و آرایش لازم خودش به میدان می‌آید، هیچ سخنی در مقابل آن تاب پهلو زدن و مقاومت کردن نخواهد داشت .[۱]

لزوم آزادی فرهنگی در کنار عدم ول‌انگاری فرهنگی

سؤالی ممکن است مطرح بشود که بگویند: شما می‌گویید مسئولین کشور حساس باشند، چقدر حساس باشند؟ آیا این با آزادی که از شعارهای انقلاب است و جزو پایه‌های جمهوری اسلامی است منافاتی ندارد؟ جواب این است که نخیر، با آزادی هیچ منافاتی ندارد؛ آزادی غیر از ول‌انگاری است؛ آزادی غیر از رهاسازی همهٔ ضابطه‌هاست. آزادی که نعمت بزرگ الهی است، خودش دارای ضابطه است؛ بدون ضابطه، آزادی معنی ندارد. اگر کسانی هستند در کشور که برای تیشه به ریشهٔ ایمان جوانان زدن دارند تلاش می‌کنند، نمی‌شود این را تماشا کرد به‌عنوان اینکه این آزادی است، همچنان که اگر هروئین و بقیهٔ مواد مسموم‌کنندهٔ بدن و بدبخت‌کنندهٔ خانواده‌ها را کسی بخواهد بین این و آن توزیع کند، نمی‌شود بی‌تفاوت نشست. اینکه ببینیم کسانی با استفاده از هنر، با استفاده از بیان، با استفاده از ابزارهای گوناگون، با استفاده از پول، راه مردم را بزنند، ایمان مردم را مورد تهاجم قرار بدهند، در فرهنگ اسلامی و انقلابی مردم رخنه ایجاد کنند، ما بنشینیم تماشا کنیم و بگوییم که آزادی است، این جور آزادی در هیچ جای دنیا نیست! همان کشورهایی که ادعای آزادی می‌کنند، در آن خطوط قرمزی که دارند، به شدت سختگیرند. در کشورهای اروپایی کسی جرأت نمی‌کند راجع به هولوکاست حرف بزند که معلوم نیست اصل این قضیه واقعیت دارد یا ندارد یا اگر واقعیت دارد، به چه شکلی بوده؛ اظهار نظر دربارهٔ هولوکاست، تردید دربارهٔ هولوکاست، یکی از بزرگ‌ترین گناهان محسوب

۱- دیدار با هیأت دولت، ۱۳۸۴/۶/۸.

می‌شود، جلویش را می‌گیرند، طرف را می‌گیرند، زندانی می‌کنند، تعقیب قضایی می‌کنند؛ مدعی آزادی هم هستند. آنچه برای او خط قرمز است، در مقابل او با چنگ‌ودندان می‌ایستد. چطور از ما توقع دارند که خطوط قرمز اعتقادی و انقلابی کشورمان و جوانانمان را ندیده بگیریم؟[۱]

من اعتقاد راسخ دارم به آزاداندیشی؛ منتها آزاداندیشی غیر از ول‌انگاری است، غیر از اجازه دادن به دشمن است که از دالان آزاداندیشی و آزادعملی بخواهد ضربه بزند به [کشور]... . حالا فرض کنیم تئاتری یا فیلمی تولید بشود که تیشه به ریشهٔ ایمان این جوان‌ها بزند؛ این خوب است؟ این چیزی نیست که انسان از آن احساس خطر بکند؟ دو مقوله است، مقولهٔ آفند و پدافند؛ ما در زمینهٔ فرهنگ، هم در مورد آفند ضعیف عمل می‌کنیم، هم در مورد پدافند ضعیف عمل می‌کنیم... ؛ بنابراین من، هم معتقدم روحیهٔ آزاداندیشی وجود داشته باشد، [هم] برنامه‌ریزی عادلانه باید وجود داشته باشد. نه بی‌برنامگی و ول‌انگاری فرهنگی، نه جزم‌اندیشی و تحجر و استبداد فرهنگی؛ هیچ کدام از این دو طرف قضیه را بنده قبول ندارم.[۲]

حفظ نیروهای انقلابی در زمینه‌های فرهنگی

در زمینه‌های فرهنگی،کاری که شهید آوینی پیشاهنگش بود و در این اواخر مرحوم سلحشور –که اینها پیشروان کار انقلابی در این کشورند– اینها را باید ترویج کرد، اینها را باید تقدیر کرد و نام اینها را باید گرامی داشت. کار انقلابی این است. اینکه من بارها تکرار می‌کنم که نیروهای انقلابی را و نیروهای حزب‌اللّهی را باید گرامی بداریم و باید نگه بداریم، به‌خاطر این است؛ کار وقتی با روحیهٔ انقلابی شد، پیشرفت خواهد کرد.[۳]

دستگاه‌های دولتی، آنهایی که مربوط به فرهنگند، به جای اینکه آغوش خود را به روی کسانی که نه اسلام را قبول دارند نه انقلاب را، نه نظام اسلامی را، نه ارزش‌های اسلامی را [باز کنند]، آغوش خود را به روی

۱- بیانات در حرم مطهر رضوی ، ۱۳۹۳/۱/۱.
۲- بیانات در دیدار با هیأت دولت، ۱۳۹۵/۶/۳.
۳- بیانات در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۵/۱/۱.

بچه‌مسلمان‌ها، به روی جوان‌های مؤمن، به روی بچه‌های انقلابی، به روی بچه‌های حزب‌اللّهی باز کنند؛ اینها می‌توانند کار کنند و دارند کار می‌کنند.[۱]

توجه به شورای عالی فضای مجازی

نکتهٔ دیگر مسألهٔ فضای مجازی است که من می‌خواهم خواهش کنم از جناب آقای رئیس جمهور این [را دنبال کنند]؛ چون فضای مجازی واقعاً یک دنیای رو به رشد غیرقابل توقف است، یعنی واقعاً آخر ندارد؛ آدم هرچه نگاه می‌کند، آن چیز اول بلاآخر، فضای مجازی است. هرچه انسان پیش می‌رود در این فضا، این همین‌طور ادامه دارد. این فرصت‌های بزرگی در اختیار هر کشوری می‌گذارد، تهدیدهایی هم در کنارش دارد؛ ما بایستی کاری کنیم که از آن فرصت‌ها حداکثر استفاده را بکنیم، از این تهدیدها تا آنجایی که ممکن است خودمان را برکنار نگه بداریم. شورای عالی فضای مجازی به این منظور تشکیل شد.[۲]

لزوم داشتن پیوست فرهنگی برای برنامه ها

ما گفتیم مسائل اقتصادی و مسائل گوناگون مهم، پیوست فرهنگی داشته باشد؛ معنای آن این است که یک حرکت اساسی که در زمینهٔ اقتصاد، در زمینهٔ سیاست، در زمینهٔ سازندگی، در زمینهٔ فناوری، تولید، پیشرفت علم می‌خواهیم انجام بدهیم، ملتفت لوازم فرهنگی آن باشیم. گاهی اوقات انسان در یک کاری وارد می‌شود، یک کار اقتصادی انجام می‌دهد [اما] لوازم آن و تبعات فرهنگی آن را توجه ندارد. بله، کار کار بزرگی است؛ کار اقتصادی بزرگی است، منتها بر آن مترتب می‌شود لوازمی و تبعاتی که برای کشور ضرر دارد؛ فرهنگ این‌جوری است. باید در همهٔ مسائل آن نکتهٔ فرهنگی را در نظر داشت و نگذاریم که این از یاد برود.[۳]

۱-بیانات در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۵/۱/۱.
۲- دیدار با هیأت دولت، ۱۳۹۵/۶/۳.
۳- دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲/۹/۱۹.

برخورد با مزاحم‌های فرهنگی

یکی از وظایف نظارتی و مراقبتی دستگاه حکومت این است که متوجه مزاحم ها باشد. شما فرض کنید در فرهنگ عمومی، عامل و آسیب مهمی به نام طلاق، مثلاً، وجود دارد. حالا اگر فرض کنیم در مجموعهٔ کشور تبلیغاتی شروع بشود که بنیان خانواده را سست می‌کند و به طلاق می‌انجامد، خب شما مجبورید جلوی این را بگیرید؛ یعنی اگر می‌خواهید طلاق در جامعه رواج پیدا نکند، بایستی به این معنا توجه بکنید؛ یعنی باید جلوی چیزی که به طور طبیعی مردم را، جوان را، دختر را، پسر را می کشاند به بی میلی به خانواده و بی اعتنایی به کانون خانواده و بی اعتنایی به همسر، بگیرید؛ قهراً معارضه وجود دارد، مزاحمت وجود دارد.[1]

لزوم نظارت فرهنگی

ورود دستگاه حکومت به مسألهٔ فرهنگ به معنای سلب فعالیت مردم نیست... . فرهنگ به مردم متکی است؛ این همه مجالس عزاداری، این همه مجالس سخنرانی، این همه انجمن‌های ادبی، این همه انجمن‌های علمی، اینها را اصلاً کِی دولت‌ها می‌توانند به‌وجود بیاورند؟ کجا ممکن است؟ این همه نمازهای جماعت، این همه کارهای گوناگون فرهنگی که در سطح کشور انجام می‌گیرد، اگر فرض کنیم دولت‌ها بخواهند هم این کارها را انجام بدهند، نمی‌توانند انجام بدهند؛ کار مردم است اما این موجب نمی‌شود که اگر شما دیدید حرکتی دارد در همین کارهای مردمی انجام می‌گیرد که دارای آسیب اجتماعی است، داخل نشوید و بگویید من دخالت نمی کنم؛ نه، اینجا لازم است دخالت بشود، هدایت بشود، کار بشود... . بعضی غیر مسئولانه گاهی حرف می زنند؛ نگاه می کنند به ادعاهایی که در کشورهای غربی هست در مورد آزادی‌های فرهنگی و فلان؛ درحالی‌که این‌جوری نیست. غربی‌ها اصرارشان و مقاومتشان روی ارزش‌های فرهنگی خودشان از ما کمتر نیست و بیشتر هم هست؛ از ما بیشتر است. فرض بفرمایید رسم و فرهنگ فلان کشور این است که حتما

۱- دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲/۹/۱۹.

باید در مجلس میهمانی رئیس‌جمهور، مشروب مشخصی مصرف بشود. اگر رئیس جمهوری بگوید که من حاضر نیستم، اصلاً مجلس را منتفی می‌کنند؛ اصلاً مجلس میهمانی را برگزار نمی کنند؛ این اتفاق افتاده دیگر، این را ما در زمان حیات خودمان و زندگی خودمان [دیدیم]؛ شماها هم شاید همه‌تان یا بیشترتان می دانید، اطلاع دارید. اگر کسی فرض بفرمایید کراوات نزند بخواهد وارد یک مجلس رسمی بشود، می گویند این خلاف پروتُکل است، نمی شود؛ باید حتما شما یا پاپیون بزنید یا کراوات بزنید! خب اینها چیست؟ اینها همان فرهنگ است دیگر؛ این‌قدر متعصبند، این‌قدر پایبندند.[1]

لزوم تولیدات مناسب هنری و فرهنگی

کتاب ترجمه کنید، کتاب تولید کنید، فیلم تولید کنید. ما امروز ظرفیت ساخت فیلممان بحمدالله بالاست... . این مهم است که ما الآن این ظرفیت را داریم در کشور [که] می‌تواند پیام‌رسانی کند، می‌تواند حرف‌های درست را منتقل بکند. فیلم هم چیز جذابی است؛ سینما خیلی عنصر جذابی است، رسانهٔ فوق‌العاده‌ای است؛ یعنی واقعاً الآن هیچ‌چیزی مثل سینما نیست از لحاظ اثرگذاری؛ روی این زمینه کار بکنید؛ کارهای ابتکاری بکنید؛ اسباب‌بازی همین‌جور، بازی رایانه‌ای همین‌جور، عروسک همین‌جور، اینها چیزهایی است که لازم است.[2]

توجه جدی به حفظ زبان فارسی

من خیلی نگران زبان فارسی ام؛ سال‌ها پیش ما در این زمینه کار کردیم، جمع کردیم کسانی را دور هم بنشینند. من می‌بینم کار درستی در این زمینه انجام نمی‌گیرد و تهاجم به زبان زیاد است. همین‌طور دارند اصطلاحات خارجی [به‌کار می‌برند]. ننگش می‌کند کسی که فلان تعبیر فرنگی را به کار نبرد و به جایش یک تعبیر فارسی یا عربی به کار ببرد؛ این خیلی چیز بدی است؛ این جزو اجزای فرهنگ عمومی است که باید با این مبارزه کرد.

۱- دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲/۹/۱۹.
۲- همان.

زبان فارسی یک روزی از قسطنطنیهٔ آن روز، از استانبول آن روز، زبان علمی بوده تا شبه قارهٔ هند؛ اینکه عرض می‌کنم از روی اطلاع است.[۱]

۱-دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲/۹/۱۹.

٤- نگاه عملی رئیس‌جمهور در تعلیم و تربیت

ارزیابی عملکرد دولت (۱۰۰-۰)	دولت جدید	روحانی	احمدی نژاد	خاتمی	هاشمی
۱. زمینه سازی برای تربیت و اخلاق					
۲. توجه به طرح جامع فرهنگی					
۳. مبارزه با فساد اخلاقی					
٤. توجه داشتن به مقولهٔ نفوذ فرهنگی					
٥. وجود آزادی فرهنگی و مبارزه با ول‌انگاری فرهنگی					
٦. طرد نکردن افراد انقلابی فرهنگی و ارزش قائل شدن برای آنها					
۷. توجه جدی به فضای مجازی					
۸. داشتن پیوست فرهنگی برای همهٔ امور					
۹. توجه ویژه به موضوع جوانان					
۱۰. داشتن تهاجم فرهنگی به جای انفعال فرهنگی					
۱۱. توجه جدی به حفظ زبان فارسی					

راهکار اصلی رسیدن به نُه شاخص مهم ایران آرمانی

هدف عبارت است از تبدیل کشور ایران به کشوری پیشرفته، قدرتمند، شریف –شریف در مقابل لئیم و پلید که بعضی از کشورها و بعضی از قدرت‌ها هستند– ، صاحب حرف نو در مسائل بشری و در مسائل بین‌المللی... . تبدیل کشور به کشوری دارای عزت و دارای احساس عزت. گاهی شما عزیزید اما احساس عزت ندارید. سرشار از معنویت و ایمان... برافرازندهٔ پرچم تمدن نوین اسلامی. ما چنین کشوری می‌خواهیم؛ من نُه شاخص خواندم. ما می‌خواهیم کشور را تبدیل کنیم به چنین کشوری با این خصوصیات... . راهش تربیت نسلی است با خصوصیاتی که آن خصوصیات اینهاست؛ نسلی باید به وجود بیاید شجاع، باسواد، متدین، دارای ابتکار، پیش‌گام، خودباور، غیور... . در یک کلمه یعنی یک موجود انقلابی؛ معنای انقلابی این است.[۱]

متحول کردن بنیادین آموزش و پرورش بر اساس سند تحول[۲]

آنچه مهم است این است که در باب این تحول بنیادین، اصل اینکه نظام آموزش و پرورش ما احتیاج به تحول دارد را همه پذیرفته‌اند. این نظام قدیمی آموزش و پرورش در کشور اگر هیچ عیب دیگری هم نمی‌داشت، همین که با گذشت زمان هیچ نوآوری در آن به‌وجود نیامده بود، کافی بود که انسان آن را رد کند و معتقد باشد به تحول بنیادین. این سند تحولی هم که خوشبختانه دو سه سال پیش فراهم شد و ابلاغ شد و بر اساس آن برنامه‌ریزی شد، از نظر کارشناسان زبده و برجستهٔ آموزش و پرورش، سند خوبی است، سند متینی است...؛ پس این سند باید اعمال بشود. البته از این‌جور چیزها، منتظر نتایج زودبازده نباید بود، اینها چیزهایی نیست که ظرف یک‌سال و دوسال و پنج‌سال نتایجش ظاهر بشود.[۳]

پایبندی به سند تحول آموزش و پرورش

۱- دیدار با نخبگان علمی جوان، ۱۳۹۵/۷/۲۸.
۲- ابلاغ سیاست های کلی تحول در آموزش و پرورش کشور در تاریخ ، ۱۳۹۲/۲/۱۰.
۳- دیدار با جمعی از معلمان و فرهنگیان سراسر کشور، ۱۳۹۴/۲/۱۶.

سند تحول متنی است که باید عملیاتی شود، منتها به‌هیچ‌وجه نباید در آن شتابزدگی باشد؛ با تدبر، با تأمل، با ملاحظهٔ صحیح جوانب باید پیش رفت. کار، کار عمیقی است. کارهای عمیق، کوتاه‌مدت نیست؛ زودبازده نیست؛ بلندمدت است؛ دیربازده است؛ اگر درست صورت بگیرد، ماندگار خواهد شد، مثمر خواهد شد؛ اگر سرهم‌بندی شد، شتابزده شد، نتیجهٔ لازم را نخواهد داد.[۱]

پرهیز از قناعت به تغییرات سطحی در آموزش و پرورش

یک نکتهٔ اساسی این است، این را من به مسئولین آموزش و پرورش عرض می‌کنم. مراقب باشید که برنامه‌های دم‌دستی و تغییر و تبدیل‌های سطحی و روزمره جای تحول بنیادین را نگیرد؛ ما را راضی نکند، خوشحال نکند که ما داریم تغییر می‌دهیم. تغییرات سطحی مهم نیست؛ اساس، همان مواد تحول بنیادین است که به‌تدریج این بنا نوسازی بشود؛ این مهم است.[۲]

لزوم تربیت نسلی ممتاز

معلم می‌خواهد چه‌کار بکند؟ تولید نسلی با این خصوصیات: دانا باشد، باایمان باشد، دارای اعتمادبه‌نفس باشد، دارای امید باشد، دارای نشاط باشد، دارای سلامت جسمی و روحی باشد، روشن‌بین باشد، با اراده باشد، کم‌هزینه و پرفایده باشد؛ معلم، نسلی این‌جوری را می‌خواهد تربیت کند.[۳]

اول‌چیزی که لازم است برای دانش‌آموز خودمان در نظر بگیریم، این است که در او هویت مستقل ملی و دینی به وجود بیاوریم؛ هویت مستقل و با عزت. جوانمان را جوری بار بیاوریم که دنبال سیاست مستقل باشد، دنبال اقتصاد مستقل باشد، دنبال فرهنگ مستقل باشد وابستگی، رُکون[۴] به دیگران، اعتماد به دیگران و تکیه به دیگران در وجود او به‌عنوان یک روحیه رشد نکند... این شاخص‌ها اینهاست؛ حالا عمده‌اش مفاهیم جریان‌ساز است؛ در او مفاهیم جریان‌ساز و عمل‌ساز را تولید کنیم و به راه بیندازیم

۱- دیدار با جمعی از فرهنگیان، ۱۳۹۲/۲/۱۸.
۲- دیدار با جمعی از معلمان و فرهنگیان سراسر کشور، ۱۳۹۴/۲/۱۶.
۳- همان.
۴- تمایل، گرایش

و زنده کنیم؛ ایمان، اندیشه‌ورزی، یاد بگیرد فکر کند، مشارکت اجتماعی، دوری از انزواهای اجتماعی نامطلوب؛ تکافل[۱] اجتماعی که معنای خیلی والای اسلامی دارد... تحمل مخالف... ادب... تدین؛ اشرافی بار نیامدن.[۲]

لزوم ایجاد امید و نشاط در جوانان

آنچه اساس قضیه است، این است که شما در کلاس‌های درس، چه در آموزش و پرورش، چه در دانشگاه، امید به حرکت را در این جوان و مخاطبِ خودتان پرورش دهید؛ این مثل گلوله‌ای خواهد شد و پیش خواهد رفت. اگر چنین اتفاقی بیفتد، کشور از وجود او حداکثر استفاده را خواهد کرد. سعی کنیم نشاط ایجاد کنیم، امید ایجاد کنیم. خطراتی بر سر راه جوان‌ها وجود دارد؛ یکی از خطرات، ناامیدی است که باید از القای ناامیدی به شدت پرهیز کرد.[۳]

لزوم تلاش برای ایجاد ویژگی‌های برجسته در کودکان

این خصوصیاتی که ما می‌خواهیم در کودکانمان به وجود بیاید... به طور طبیعی به وجود نمی‌آید؛ این باید کار شود. چه کسی کار کند؟ معلمین؛ چه در سطوح آموزش و پرورش، چه در سطوح دانشگاه. معلمین باید آمادگی این کار را داشته باشند، خبرهٔ این کار باشند.[۴]

ایجاد همت بلند و روحیهٔ تعاون و همکاری در جوانان

نکتهٔ دیگر، کار جمعی، تعاون و همکاری با یکدیگر و همت بلند است. کودکان و همچنین جوانان را از آغاز عادت بدهیم که با همت بلند نگاه کنند.[۵]

لزوم پرورش روح کودکان

نکته‌ای که ذهن بنده همواره خیلی متوجه به آن است، این است که ما در درجهٔ اول باید به ساختن و پرداختن شکل روحی کودکانمان اهتمام

۱- کفیل یکدیگر شدن
۲- دیدار با معلمان و فرهنگیان، ۱۳۹۵/۲/۱۳.
۳- دیدار با معلمان و استادان دانشگاه‌های خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۰.
۴- همان.
۵- همان.

بورزیم. اگر توانستیم هویت انسانی این کودک را از آغاز کودکی شکل بدهیم و خلقیاتی را در آن به وجود بیاوریم، این برای همیشه به درد خواهد خورد.[۱]

عادت دادن کودکان به خردورزی

امروز در کشورهای پیشرفتهٔ مادی دنیا یکی از کارهای اساسی و یک رشتهٔ مهم، تدریس فلسفه برای کودکان است. خیلی‌ها در جامعهٔ ما اصلاً تصور نمی‌کنند که برای کودک هم فلسفه لازم است. برخی تصور می‌کنند فلسفه به معنای چیزِ قلمبه سلمبه‌ای است که عده‌ای در سنین بالا به آن توجه می‌کنند؛ این نیست. فلسفه شکل دادن فکر است، یاد دادنِ فهم کردن است، ذهن را به فهمیدن و تفکر کردن عادت دادن است؛ این از اول باید به وجود بیاید. قالب مهم است. اگرچه محتوا هم در همین فلسفهٔ کودکان حائز اهمیت است اما عمده، شیوه است؛ یعنی کودک از اول کودکی عادت کند به فکر کردن، عادت کند به خردورزی؛ این خیلی مهم است.[۲]

ایجاد اعتماد به نفس و باور به هویت خود در کودکان و نوجوانان

ما باید کودک را از آغاز دارای اعتماد به نفس و باور به هویت خود بار بیاوریم. البته این مخصوص کودکان دبستانی نیست؛ در دبیرستان هم همین هست، در دانشگاه هم همین هست.[۳]

لزوم داشتن روحیهٔ بردباری

یکی از چیزهایی که ما در تعامل اجتماعی احتیاج داریم، روحیهٔ بردباری است، حلم... . اگر گروه‌های سیاسی ما حلیمانه با هم برخورد کنند، کار بهتر خواهد شد. دسته‌جات مختلف طرفدار این و طرفدار آن، اگر با حلم با هم برخورد کنند، خیلی اوضاع بهتر خواهد شد. با حلم برخورد کردن، به معنای اغماض کردن از بدی‌ها و زشتی‌ها نیست؛ به معنای بی‌اعتنایی کردن به

۱- دیدار با معلمان و استادان دانشگاه‌های خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۰.
۲- همان.
۳- همان.

اصالت‌ها و ارزش‌های مورد اعتقادمان نیست؛ نوع برخورد، مورد نظر است.[۱]

لزوم توجه به معیشت معلمان

اقتصاد آموزش و پرورش، معیشت معلمین، یکی از الزامات است. محدودیت‌های دستگاه‌های دولتی را می‌دانیم؛ بیگانه نیستیم از محدودیت‌ها و اشکالاتی که وجود دارد ولیکن بایستی همت در مسئولین دولتی این باشد که این بخش را مورد توجه ویژه قرار بدهند. این سرمایه‌گذاری است؛ این بازده دارد؛ این ارزش افزوده تولید می‌کند؛ این یک خرج و هزینهٔ صِرف نیست؛ این بایستی جزو مسائل درجهٔ یک ما در مدیریت‌های دولتی و در تصمیم‌های دولتی باشد. ما نکنیم، دشمن سوءاستفاده می‌کند؛ می‌بینید دیگر.[۲]

لزوم توجه به دانشگاه فرهنگیان

دانشگاه فرهنگیان خیلی مهم است. همهٔ فرایندهایی که منتهی می‌شود به جذب معلم، برای تدریس و برای تعلیم و تربیت، بایستی سالم و با معیار اسلام و انقلاب سنجیده بشود. اگر این کار را کردیم، نتیجه همان چیزی خواهد بود که شما می‌خواهی... . در دانشگاه فرهنگیان، هم مواد درسی و محتوای دروس مهم است، هم استادان مهمند، هیأت علمی مهم است. بناست ما چه کسی را، چه‌جور آدمی را تربیت کنیم و بفرستیم سراغ بچه‌های مردم که بروند آنها را بسازند و تولید انسان بزرگ بکنند؟ این خیلی مهم است بنابراین مسألهٔ صلاحیت‌ها، مسألهٔ استادان، مسألهٔ کتاب‌های درسی، محتوای درسی در دانشگاه خیلی مهم است.[۳]

ایجاد شادابی در معلمان

یکی از کارهایی که باید در آموزش‌وپرورش انجام بگیرد، تزریق روحیهٔ شادابی و جوانی در معلم است؛ نگذاریم معلم پیر بشود. پیرِ سنی مرادم نیست؛ بعضی‌ها سنشان جوان است اما روحیه‌شان پیر است؛ بعضی

۱- همان.
۲- دیدار با جمعی از معلمان و فرهنگیان سراسر کشور، ۱۳۹۴/۲/۱۶.
۳- همان.

روحیه‌شان جوان است با اینکه سنشان زیاد است.[۱]

لزوم کارآمدی و مهارت‌افزایی به ویژه در رشته‌های فنی و حرفه‌ای

یکی از چیزهایی که در آموزش‌وپرورش مهم است، مسألهٔ فنی‌وحرفه‌ای‌هاست که بنده مکرر روی آن تکیه کرده‌ام. کودک ما دوازده سال تا جوان می‌شود، درس می‌خواند برای اینکه برود دانشگاه؛ آیا برای همهٔ مشاغلی که در جامعه وجود دارد، سِیر این مسیر و رفتن به دانشگاه لازم است؟ آن‌طور که به من گزارش داده‌اند، می‌گویند دوازده هزار نوع شغل وجود دارد؛ آیا برای همهٔ این دوازده هزار نوع شغل، همین درس‌ها و همین مسیر و رفتن به دانشگاه لازم است یا نه، باید آنچه هدف است، مهارت‌افزایی باشد، کارآمدی باشد برای کارهای مختلف، برای استعدادهای گوناگون.[۲]

۱- دیدار با معلمان و فرهنگیان، ۱۳۹۵/۲/۱۳.
۲- دیدار با معلمان و فرهنگیان، ۱۳۹۵/۲/۱۳.



۵- نگاه عملی رئیس‌جمهور در زمینه‌ی علمی

ارزیابی عملکرد دولت (۱۰۰-۰)	دولت جدید	روحانی	احمدی نژاد	خاتمی	هاشمی
۱. برنامه ریزی برای تربیت نسلی با ویژگی های ممتاز					
۲. عزم جدی برای تحول‌بنیادین آموزش و پرورش بر اساس سند تحول					
۳. ایجاد سیستم تربیت مربیان کارآمد					
٤. توجه به معیشت معلمان					
٥. توجه ویژه به دانشگاه‌فرهنگیان					
٦. تزریق روحیه شادابی به‌معلمان					
۷. اصالت‌مهارت‌افزایی در رشته‌های فنی و حرفه‌ای					

اساس قرار دادن مسأله علم

باید این مسأله را جدی بگیریم؛ یعنی به مسألهٔ علم و تکیه به علم در کشور اهمیت بدهیم؛ یعنی این را اساس کار قرار بدهیم. حرف ما در این چند ساله همین است.[۱]

مبنا قرار دادن علم و فناوری

یک سفارش دیگر که تأکید کرده‌ام، باز هم تأکید می‌کنم، مسألهٔ علم و فناوری است. این پایه است و جزو آن چیزهای ریشه‌ای و جزو کارهای اساسی در کشور است. اگر ما بتوانیم این پایه را بالا ببریم، خیلی چیزها را می‌شود بر این پایه بنا کرد.[۲]

لزوم گفتمان سازی در پیشرفت علمی

روی مسألهٔ گفتمان تولید علم و پیشرفت علمی و جنبش نرم‌افزاری و شتاب رشد، تکیه کنید؛ جوری بشود که هر استادی، هر دانشجویی، هر پژوهشگری احساس بکند که این وظیفهٔ اوست که این کار را بایستی انجام بدهد.[۳]

ایجاد چرخه به هم پیوستهٔ دانش های مورد نیاز

آنچه در کشور لازم است... وجود یک چرخهٔ علمی کامل است. در همهٔ بخش‌ها چرخهٔ به‌هم‌پیوستهٔ مهمی از انواع دانش‌هایی که مورد نیاز کشور است، باید وجود داشته باشد تا اینها هم‌افزایی کنند و به کمک هم بیایند. یک مجموعهٔ کامل علمی در کشور بایستی به وجود بیاید؛ این هنوز نشده. این جزیره‌ها بایستی به طور کامل به هم متصل شوند، یک مجموعهٔ واحد تشکیل شود؛ به هم کمک کنند، همدیگر را پیش ببرند، هم‌افزایی کنند، راه را برای جستجو و یافتن منطقه‌های تازهٔ علمی در این آفرینش وسیع الهی باز کنند؛ سؤال مطرح کنند، به آن سؤال‌ها پاسخ داده شود؛ اینها همه‌اش لازم است.[۴]

۱- دیدار با جمعی از پژوهشگران و مسئولان شرکت‌های دانش‌بنیان، ۱۳۹۱/۵/۸.
۲- دیدار با رئیس‌جمهور و هیأت دولت، ۱۳۸۷/۶/۲.
۳- دیدار با هیأت دولت ،۱۳۹۵/۶/۳۰.
۴- دیدار با نخبگان جوان، ۱۳۸۹/۷/۱۴.

ایجاد چرخهٔ علمی از ایجاد فکر در ذهن تا تجاری کردن آن

چرخهٔ دیگری لازم است؛ از پدید آمدن یک فکر در ذهن یک نخبه یا یک نابغه تا تحویل آن به مرکز علمی و فعالیت علمی روی آن و تبدیل این فکر به یک علم یا به شاخه‌ای از یک علم، تا عبور از این مرحله و رفتن به میدان فناوری و به عرصه آمدن فناوران و نخبگان فناوری و صنعتی بر روی این یافتهٔ علمی، تا بعد به مسألهٔ تجاری کردن برسد؛ این هم باز یک چرخهٔ دیگر است.[۱]

تکمیل زنجیرهٔ علم و فناوری یعنی این زنجیرهٔ از ایده و فکر و سپس علم و سپس فناوری و سپس تولید و سپس بازار را باید تکمیل بکنیم والّا اگر کار تحقیقاتی را کردیم، به فناوری هم رسیدیم اما مثلاً تولید انبوه نشد یا بازار برایش پیش‌بینی نشد، این ضربه خواهد خورد؛ همهٔ اینها بایستی مورد توجه قرار بگیرد و این زنجیرهٔ کار علمی تا تولید و بازار بایستی دنبال بشود.[۲]

گسترش آزاداندیشی

گسترش آزاداندیشی مهم است. واقعاً انسان‌ها باید بتوانند در یک فضای آزاد فکر کنند. آزادی بیان، تابعی از آزادی فکر است. وقتی آزادی فکر بود، به‌طور طبیعی آزادی بیان هم هست. عمده، آزادی فکر است که انسان‌ها بتوانند آزاد بیندیشند. در غیر فضای آزاد فکری، امکان رشد وجود ندارد. برای فکر، برای علم، برای میدان‌های عظیم پیشرفت بشری اصلاً جایی وجود نخواهد داشت. ما در مباحث کلامی و مباحث فلسفی هرچه پیشرفت داشتیم، در سایهٔ مباحثه و جدل و بحث و وجود معارض داشتیم.[۳]

لزوم سرمایه گذاری در زمینه های علمی

من معتقدم در زمینهٔ علم و کار تحقیقی، هرچه هزینه کنیم، سرمایه‌گذاری است؛ یعنی اصلاً نترسیم از هزینه کردن. جاهایی هست که هزینه‌ها واقعاً هدر نمی‌رود؛ یکی‌اش همین‌جاست. هرچه هزینه کنیم، سرمایه‌گذاری

۱- دیدار با نخبگان جوان، ۱۳۸۹/۷/۱۴.
۲- دیدار با هیأت دولت، ۱۳۹۲/۶/۶.
۳- دیدار با هیأت دولت ، ۱۳۸۴/۶/۸.

کرده‌ایم برای آینده و این بهترین کاری است که با موجودی‌مان، با پولمان، با منابعمان می‌توانیم انجام بدهیم.[۱]

حداقل بودجهٔ پژوهش: یک و نیم درصد

بودجهٔ پژوهش، اولاً کم است، ثانیاً همانی هم که هست، همه‌اش داده نمی‌شود. ما البته وعده گرفتیم از یکی از دولت‌ها –نمی‌دانم حالا کدام یکی از حضرات بودند– که بودجهٔ پژوهش را برسانند به یک‌ونیم درصد و دودرصد و حداکثر هم به سه درصد اما خب، یک‌ونیم درصد را قول دادند. بعد اینجا دانشگاهی‌ها که آمدند سخنرانی کردند، گفتند این حرف‌ها چیست؟ شش‌دهم درصد و پنج‌دهم درصد و از این حرف‌هاست قضیه. تازه از همان هم همه‌اش را نمی‌دهند![۲]

لزوم همکاری صنعت و دانشگاه

بنده چند سال است دائماً دارم می‌گویم همکاری بین صنعت و دانشگاه؛ نتیجهٔ همکاری صنعت و دانشگاه اینجا ظاهر می شود. صنعت به دانشگاه کمک می کند برای اینکه دانشگاه شیوه‌های جدیدی را برای آن ارائه بدهد و بیافریند؛ هم این سود می برد، هم آن سود می برد. صنعت را به دانشگاه وصل کنید، به مجموعهٔ نخبگان وصل کنید.[۳]

بنده از چند سال قبل، همکاری صنعت و دانشگاه را توصیه کردم، البته مقداری هم انجام گرفته؛ در بخش‌های نظامی خیلی خوب انجام گرفته است، در بعضی از بخش‌های دیگر همین‌جور. دانشگاه‌های ما می‌توانند کمک کنند؛ [این] هم برای دانشگاه‌ها خوب است، هم برای پیشرفت علم خوب است، هم برای صنایع ما خوب است.[۴]

لزوم افزایش شتاب علمی

۱- دیدار با رئیس جمهور و هیأت دولت، ۱۳۹۴/۶/۴.
۲- دیدار با هیأت دولت، ۱۳۹۵/۶/۳.
۳- دیدار با کارگران ، ۱۳۹۵/۲/۸.
۴- بیانات درحرم مطهر رضوی، ۱۳۹۶/۱/۱.

مسأله‌ای که بنده رویش تکیه می‌کنم، مسألهٔ سرعت رشد است. در یکی از جلساتی که باز هم رؤسای دانشگاه‌ها و استادان بودند، بنده راجع به سرعت رشد و اینکه این سرعت کم شده، تذکری دادم وزیر محترم به من نامه نوشتند که: نه، رشد ما ادامه دارد. آمارهایی را هم ذکر کرده بودند. من می‌دانم رشد ادامه دارد؛ بحث من بر سر این نیست که ما رشد علمی نداریم؛ بحث من بر سر سرعت این رشد است؛ سرعت ما کم شده. ما امروز احتیاج داریم به اینکه این رشد را سرعت ببخشیم.[۱]

اهمیت دادن به علوم پایه

از جملهٔ چیزهایی که بنده قبلاً به آن توجه کردم و امروز هم متخصصین همین را تأیید می‌کنند، اهمیت دادن به علوم پایه است. بنده وقتی اینجا تشبیه کردم در بین جمعی از دانشمندان و محققین و مانند اینها که بودند، گفتم علوم پایه مثل آن ذخیرهٔ شماست در بانک که پشتوانهٔ زندگی شماست؛ علوم کاربردی مثل آن پولی است که در جیبتان می‌گذارید خرج می‌کنید، لازم است؛ علوم کاربردی را نمی‌شود از قلم انداخت، باید به آن اهمیت داد لکن اساس کار، علوم پایه است. گفته شده است از قول دانشمندان متخصص و وارد –که ما هم از آنها باید یاد بگیریم، یعنی بنده از آنها باید یاد بگیرم– که اگر علوم پایه نباشد، علوم کاربردی هم به جایی نخواهد رسید.[۲]

هدایت مقالات به سمت رفع نیازهای کشور

آمارهای مقالات علمی را دادند و بنده هم اطلاع دارم؛ مقالات زیاد شده [اما] مقالات علمی باید به سمت نیازهای کشور هدایت بشود. ما امروز در زمینهٔ نفت احتیاج داریم، در زمینهٔ کشاورزی احتیاج داریم، در زمینهٔ صنایع مختلف احتیاج داریم، در زمینهٔ ارتباطات احتیاج داریم به تحقیق، به مقاله‌نویسی؛ مقالاتی که نوشته می‌شود در جهت نیاز فلان کشور نباشد. این هم یک نکته است: هدایت مقالات به سمت نیاز کشور.[۳]

۱- دیدار با جمعی از استادان دانشگاه ها، ۱۳۹۵/۳/۲۹.
۲- همان.
۳- همان.

لزوم پایبندی و عمل به نقشهٔ جامع علمی[۱]

مسألهٔ نقشهٔ جامع علمی هم مسألهٔ بعدی است. البته تهیهٔ این نقشهٔ جامع چیز خوبی بود، منتها هم باید تبیین بشود برای همهٔ دانشگاه‌ها، هم باید تبدیل بشود به برنامه.[۲]

پرهیز ا ز تعطیلی طرح های کلان تحقیقاتی

گزارش‌هایی به من می‌رسد که بعضی از طرح‌های کلان در موضوعات تحقیقاتی مهم مثل هوافضا، ماهواره و امثال اینها، دچار توقف یا لنگی است؛ این من را نگران می‌کند، این را می‌خواهم اینجا بگویم که مطالبهٔ عمومی باشد. من از مسئولین امر به طور جدی درخواست می‌کنم به این مسائل بپردازند. این طرح‌ها، طرح‌های بسیار مهمی است؛ حتی بعضی از طرح‌های تحقیقاتی مربوط به انرژی هسته‌ای همین طور [است]. اینها نبایستی مطلقاً توقف پیدا کند؛ نباید تعطیل یا نیمه‌تعطیل باشد که می‌گویند بعضی از اینها نیمه‌تعطیل است یا بعضی مُشرف به تعطیل است.[۳]

اعتماد به جوان ایرانی

جوان ایرانی می‌تواند غنی‌سازی اورانیوم را در ظرف مدت کوتاهی از سه‌ونیم درصد به بیست درصد برساند، این کار بسیار بزرگی بود که در کشور انجام گرفت؛ من این را در سخنرانی عمومی گفته‌ام که عمدهٔ مشکل غنی‌سازی اورانیوم، بین همان سه درصد یا سه‌ونیم درصد با بیست درصد است وقتی کشوری این توانایی را پیدا کرد که غنی‌سازی اورانیوم را به بیست درصد برساند، به راحتی می‌تواند تا ۹۹ درصد برود؛ عمدهٔ مشکل در اینجاست؛ این قطعهٔ مشکل کار را جوانان دانشمند ما در مدت کوتاهی که ما شاهد بودیم [گذراندند] و توانستند این راه را طی کنند و غنی‌سازی

۱- در مرداد ماه سال ۱۳۸۵ مقام معظم رهبری بر لزوم ترسیم نقشه جامع علمی کشور و تدوین برنامه عملیاتی زمان دار برای تحقق اهداف سند چشم انداز تأکید کردند. بر طبق سخنان ایشان، این نقشه علمی در سال ۱۳۸۹ به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید و پس از آن توسط ریاست جمهوری ابلاغ گردید. در این نقشه اقدامات ملی مهمی برای رسیدن کشور به حد علمی مطلوب در افق ۱۴۰۴ معین شده است.

۲- بیانات در دیدار جمعی از استادان دانشگاه ها، ۱۳۹۵/۳/۲۹.

۳- بیانات در دیدار نخبگان علمی جوان، ۱۳۹۵/۷/۲۸.

را از سه‌ونیم درصد به بیست درصد برسانند یا آن جوانی که می‌تواند این‌جور حرکت علمی عظیمی را انجام بدهد یا می‌تواند در ساخت موشک و هواپیما با وجود تحریم‌های بسیار سخت بین‌المللی کاری بکند که افسر صهیونیست، مدیر نظامی صهیونیست می گوید من با ایرانی‌ها دشمنم اما نمی‌توانم خودم را از تحسینِ کاری که اینها کردند باز بدارم، [اینها] کار بزرگی انجام دادند؛ جوانی که می‌تواند آن‌جور موشک درست کند، آن‌جور هواپیما درست کند، آن‌جور سلاح نظامی درست کند، سلاح پیشرفته درست کند، دشمن را بترساند، می‌تواند غنی‌سازی اورانیوم را از سه‌ونیم درصد به بیست درصد برساند، این جوان نمی‌تواند ماشین را برای تولید خودرو یا فلان موضوع دیگر پیشرفت بدهد و پیش ببرد؟ چرا نمی‌تواند؟ جوان ما توانایی‌اش را دارد؛ نیروی انسانی ما، مغز متفکر و فعال جوان باسواد و بااستعداد و تحصیل‌کردهٔ ایرانی آماده است برای این کارها؛ خیلی کارها را می‌توانیم انجام بدهیم. میدان را باز کنیم برای جوان‌ها. جوان‌ها بسیاری از گره‌های بزرگ و مشکل ما را می‌توانند حل کنند و باز کنند.[۱]

۱- بیانات در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۶/۱/۱.

۶- نگاه عملی رئیس‌جمهور در اقتصاد

ارزیابی عملکرد دولت (۱۰۰-۰)	دولت جدید	روحانی	احمدی نژاد	خاتمی	هاشمی
۱. عدم کاهش و سپس افزایش شتاب علمی					
۲. ایجاد و گسترش فضای آزاد اندیشی					
۳. بومی سازی تحقیقات دانشگاهی به جای مبنای ISI					
٤. تکمیل چرخه علمی از علم تا صنعت					
٥. ایجاد چرخه به هم پیوسته دانش‌های مورد نیاز					
٦. توجه به نقشه جامع علمی کشور					
۷. اختصاص بودجه به تحقیقات حداقل یک و نیم درصد					
۸. وصل کردن صنعت به دانشگاه و مجموعه‌نخبگانی					
۹. توجه ویژه به علوم پایه					
۱۰. بها دادن به پروژه‌های تحقیقاتی مهم					
۱۱. گفتمان‌سازی پیشرفت‌علمی					

بیان ده شاخص اصلی اقتصاد مقاومتی

من ده ویژگی را یادداشت کرده‌ام که ویژگی‌های این سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است که مطرح شده و در واقع، مؤلفه‌های این مجموعه است.

۱- یکی مسألهٔ ایجاد تحرک و پویایی در اقتصاد کشور و بهبود شاخص‌های کلان است؛ از قبیل رشد اقتصادی، از قبیل تولید ملی، از قبیل اشتغال، کاهش تورم، افزایش بهره‌وری، رفاه عمومی. در تأمین این سیاست‌ها، تحرکی در اقتصاد کشور و بهبودی در این شاخص‌ها در نظر گرفته شده و از همهٔ این شاخص‌ها مهم‌تر، شاخص کلیدی و مهم، عدالت اجتماعی است.

۲- دوم، توانایی مقاومت در برابر عوامل تهدیدزاست که در این سیاست‌ها دیده شده و مورد ملاحظه قرار گرفته. برخی از عوارض مؤثر بر اقتصاد کشورها تکانه‌های اقتصادی دنیاست که پیش می‌آید؛ مثل همان چیزی که در این سال‌ها پیش آمد و در برهه‌های دیگری پیش آمده که این تأثیر می‌گذارد روی کشورها. یک‌وقتی رئیس یکی از کشورهای آسیای جنوب شرقی آمد و با من ملاقات کرد، در آن دوره‌ای که در این منطقه آن شکست عجیب به وجود آمد؛ به من گفت شما فقط بدانید ما در یک شب از یک کشور غنی تبدیل شدیم به یک کشور فقیر! یعنی اقتصاد غیر مقاوم این‌جوری است... .

یک عامل، بلاهای طبیعی است که پیش می‌آید و یک عامل هم تکانه‌های تخاصمی است، مثل تحریم‌ها و امثال تحریم‌ها. فرض بفرمایید که در مراکز تصمیم‌گیری، تصمیم‌گیری بشود روی قیمت نفت، یک‌وقت قیمت نفت را مِن‌باب مثال بیاورند به شش دلار، کما اینکه برای ما اتفاق افتاد؛ خیلی از اینها عادی نیست؛ اینها کارهای پیش‌بینی‌شده و مؤثر و به دنبال تصمیم‌گیری‌های مشخصی است که از مراکزی دنبال می‌شود.

۳- سوم، تکیه بر ظرفیت‌های داخلی است که در این سیاست‌ها دیده شده... . چه ظرفیت‌های علمی، چه انسانی، چه طبیعی، چه مالی، چه

جغرافیایی و اقلیمی. ما ظرفیت‌های مهمی داریم؛ یعنی در این سیاست‌های اقتصاد مقاومتی تکیهٔ اصلی روی ظرفیت‌های داخلی است که بسیار هم گسترده است. نه به این معنا که ما چشممان را به روی امکانات بیرون کشور می‌بندیم؛ نه، حتماً استفاده می‌کنیم – استفادهٔ حداکثری هم می‌کنیم – منتها نگاه ما، تکیهٔ ما، اعتماد ما بیشتر روی مسائل داخلی است؛ تمرکز ما روی امکانات داخلی کشور و داشته‌های درونی کشور است.

۴- نکتهٔ چهارم، رویکرد جهادی است که در این سیاست‌ها مورد ملاحظه قرار گرفته؛ همت جهادی، مدیریت جهادی. با حرکت عادی نمی‌شود پیش رفت؛ با حرکت عادی و احیاناً خواب‌آلوده و بی‌حساسیت نمی‌شود کارهای بزرگ را انجام داد؛ یک همت جهادی لازم است، تحرک جهادی و مدیریت جهادی برای این کارها لازم است. باید حرکتی که می‌شود، هم علمی باشد، هم پر قدرت باشد، هم با برنامه باشد و هم مجاهدانه باشد.

۵- نکتهٔ پنجم، مردم‌محوری است که در این سیاست‌ها ملاحظه شده. تجربه هم به ما نشان می‌دهد، بیانات و معارف اسلامی هم تأکید می‌کند که هرجا مردم می‌آیند دست خدا هم هست: يَدُ اللهِ مَعَ الجَماعَة[1]؛ هرجا مردم هستند، عنایت الهی و کمک الهی و پشتیبانی الهی هم هست؛ نشانه و نمونهٔ آن، دفاع هشت‌ساله، نمونهٔ آن خود انقلاب و نمونهٔ آن گذر از گردنه‌های دشوار این ۳۵ سال [است]. چون مردم در میدان بودند، کارها پیش رفته؛ ما در زمینهٔ اقتصادی به این کمتر بها دادیم. سیاست‌های اصل ۴۴ را که ما تصویب کردیم و ابلاغ کردیم، برای همین بود؛ البته حق آن چنان‌که باید و شاید ادا نشد. این‌قدر عناصر آماده به کار یا دارای مهارت یا دارای ابتکار یا دارای دانش یا دارای سرمایه در کشور هستند که اینها تشنهٔ کارند؛ دولت بایستی برای حضور اینها زمینه‌سازی کند، اینها را راهنمایی کند که کجاها می‌توانند توان خودشان را به کار ببندند، از آنها حمایت بکند؛ مسئولیت عمدهٔ دولت این است. حالا فعالیت اقتصادی دولت در بخش‌های

۱ نهج البلاغه، خطبهٔ ۱۲۷.

ناگزیری، قهراً وجود خواهد داشت لکن باید فعالیت اقتصادی به مردم داده بشود که در این سیاست‌ها مورد ملاحظه قرار گرفت.

۶- مسألهٔ ششم، امنیت اقلام راهبردی و اساسی است؛ در درجهٔ اول غذا و دارو. باید تولید داخلی کشور طوری شکل بگیرد که کشور در هیچ شرایطی در زمینهٔ تغذیه و در زمینهٔ دارو دچار مشکل نشود؛ این یکی از مؤلفه‌های اساسی در این سیاست‌هایی است که ابلاغ شده. باید خودکفا باشیم، بایستی زمینه‌های کاملاً کفایت کننده مورد توجه قرار بگیرد.

۷- نکتهٔ هفتم، کاهش وابستگی به نفت است؛ یکی از سخت‌ترین آسیب‌های اقتصادی ما همین وابستگی به نفت است. این نعمت بزرگ خدادادی برای کشور ما در طول دهها سال مایهٔ فروریختگی‌های اقتصادی و فروریختگی‌های سیاسی و اجتماعی شد؛ باید یک فکر اساسی بکنیم. ما نمی‌گوییم از نفت استفاده نشود [بلکه] تکیهٔ ما بر استفادهٔ حداقلی از فروش نفت خام است؛ نفت را می‌توان به‌صورت فرآورده در اختیار گذاشت که در این سیاست‌ها دیده شده. یک کار اساسی و مهمی که باید انجام بگیرد این است؛ این همت بلندی لازم دارد.

۸- موضوع هشتم، مسألهٔ اصلاح الگوی مصرف است؛ مسألهٔ صرفه‌جویی، پرهیز از ریخت‌وپاش، پرهیز از اسراف، پرهیز از هزینه‌کَردهای زائد. البته در این زمینه، خطاب اول من متوجه به مسئولان است؛ مسئولان نه فقط در زندگی‌های شخصی خودشان - که حالا آن یک مسألهٔ درجهٔ دو است - [بلکه] در درجهٔ اول و در حوزهٔ مأموریت خودشان باید بجد از ریخت‌وپاش پرهیز کنند. اگر این شد یعنی ما مسئولین کشور به این اصل پایبند بودیم، آن وقت این روحیه، این خصلت، این اخلاق، سرریز خواهد شد به مردم. ما امروز در بین مردم و کسانی که دستشان به دهانشان می‌رسد هم اسراف زیاد می‌بینیم؛ در خیلی از موارد اسراف وجود دارد؛ خطاب هم می‌کنیم به مردم لکن این از جملهٔ جاهایی است که «کونوا دُعاةَ الناسِ بِغَیرِ اَلسِنَتِکُم[1]»... . ما مسئولین باید این را وجههٔ همت خودمان قرار

۱-بحار الانوار، ج۶۷، ص ۳۰۹.

بدهیم؛ اسراف در آب، اسراف در نان، اسراف در مواد غذایی، اسراف در دارو، اسراف در وسایل زندگی، اسراف در وسایل تجمل و آرایش و مانند اینها، بخش مهمی از منابع زندهٔ کشور را هدر می‌دهد؛ این هم یکی از چیزهایی است که بایستی مورد ملاحظه قرار بگیرد؛ مصرف خوب و درست، غیر از اسراف کردن و دور ریختن و ریخت‌وپاش کردن است.

۹- نکتهٔ نهم، فسادستیزی است؛ ما اگر می‌خواهیم مردم در صحنهٔ اقتصاد باشند، باید صحنهٔ اقتصادی امنیت داشته باشد؛ اگر امنیت را می‌خواهیم، بایستی دست مفسد و سوءاستفاده‌چی و دورزنندهٔ قانون و شکنندهٔ قانون بسته بشود؛ مبارزه با فساد این است؛ این باید جدی گرفته بشود؛ امروز خوشبختانه مسئولین این را می‌گویند لکن گفتن کافی نیست. همهٔ مسئولین - چه مسئولین اجرایی، چه مسئولین قضایی و چه مسئولین قوهٔ مقننه - در این جهت مسئولند. اگر وضع اجتماع وضع اقتصادی کشور مثل خانهٔ بی درودروازه‌ای بود که هرکه خواست آمد، هرجور خواست عمل کرد، هرچه خواست برد، خورد، خب معلوم است انسان نجیبِ شایستهٔ متینی که می‌خواهد از راه حلال ارتزاق کند، طبعاً جلو نمی‌آید. شفاف‌سازی، شرط اصلی این فسادستیزی است؛ باید شفاف‌سازی بشود، باید فضای رقابتی به‌وجود بیاید، باید فضای باثبات به‌وجود بیاید؛ فعال اقتصادی در این شرایط خواهد آمد و احساس امنیت خواهد کرد. آن وقت در چنین فضایی آن کسی که با ابتکار خود یا سرمایهٔ خود یا کارآفرینی خود ثروتی به‌دست می‌آورد، نظام اسلامی از او حمایت می‌کند و تأیید می‌کند. اگر فضا فضای سالمی شد، [آن‌وقت] کسب ثروت و کسب درآمد یک چیز مباح و مورد تأیید و مورد حمایت نظام است.

۱۰- نکتهٔ دهم از مؤلفه‌های سیاست‌های مقاومتی، مسألهٔ دانش‌محوری است که این هم مشخصهٔ بسیار مهمی است. خوشبختانه وضع علمیِ امروز کشور این اجازه را به ما می‌دهد که این بلندپروازی را داشته باشیم که بخواهیم اقتصادمان را اقتصاد دانش‌بنیان کنیم... . اگر ما به این نکته که نکتهٔ دهم بود توجه کنیم، طبعاً چرخهٔ علم تا ثروت - مخصوصاً در بخش‌هایی

که دارای مزیت هستند – به راه خواهد افتاد و امتداد پیدا خواهد کرد.[۱]

شاخص‌های امام در اقتصاد

در اقتصاد، اصول امام تکیه به اقتصاد ملی است؛ تکیه به خودکفایی است؛ عدالت اقتصادی در تولید و توزیع است؛ دفاع از طبقات محروم است؛ مقابله با فرهنگ سرمایه‌داری و احترام به مالکیت است. امام فرهنگ ظالمانهٔ سرمایه‌داری را رد می‌کند اما احترام به مالکیت، احترام به سرمایه، احترام به کار را مورد تأکید قرار می‌دهد؛ همچنین هضم نشدن در اقتصاد جهانی، استقلال در اقتصاد ملی، اینها اصول امام در زمینهٔ اقتصاد است.[۲]

لزوم عزم جدی در اقتصاد مقاومتی

باید تصمیم بگیرند مسئولین کشور – در درجهٔ اول، قوهٔ مجریه، مسئولان دولت و نیز قوهٔ مقننه و قوهٔ قضاییه و بخش‌های گوناگونی که ارتباطی با مسائل اقتصادی دارند – و حتماً بایستی در این مسأله، عزم جدی و راسخ داشته باشد. بدون تصمیم جدی و راسخ، کار پیش نخواهد رفت.[۳]

لزوم اقتدار اقتصادی

یک رکن اقتدار ملی، اقتدار اقتصادی است؛ یعنی کشور از لحاظ اقتصادی بتواند پول ملی خودش را تقویت کند؛ در بازارهای اقتصادی دنیا حضور تأثیرگذار داشته باشد؛ در بهبود وضع اقتصادی کشور از امکانات خودش استفاده کند؛ فقر را در کشور ریشه کن و یا حداقل کم کند و بتواند به عنوان یک کشور ثروتمند و غنی، در مقابل چشم دنیا، کارایی نظام خودش را نشان دهد. این می‌شود اقتدار اقتصادی، که مسئولان اقتصادی کشور موظفند این کارها را انجام دهند. اقتدار اقتصادی همچنین به معنای این است که در کشور، بیکاری وجود نداشته باشد؛ اشتغال وجود داشته باشد؛ تولید صنعتی و کشاورزی در حدّ مطلوب باشد؛ از منابع و معادن کشور

۱- جلسهٔ تبیین سیاست های اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰.
۲- بیانات در سالگرد ارتحال امام خمینی (ره)، ۱۳۹۲/۳/۱۴.
۳- جلسهٔ تبیین سیاست های اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰.

به نحو بهینه استفاده شود. این هم اقتدار اقتصادی است که بخش‌های گوناگون نسبت به آن مسئولیت دارند.[۱]

اجرای طرح تحول اقتصادی (هدف‌مند کردن یارانه ها، اصلاح سیستم بانکی، مالیاتی، بیمه، گمرک و غیره)

این مسألهٔ طرح تحول که اخیراً دولت مطرح کرده، از همان کارهای بزرگ و از همان کارهایی است که جرأت اقدام به آن کار، خودش باارزش است. همه این سرفصل‌ها را قبول کرده‌اند و قبول دارند. همین مسألهٔ هدفمند کردن یارانه‌ها واقعاً چیز خیلی مهمی است؛ ....یا مشکلاتی که در قضیهٔ بانک‌ها و مالیات و بیمه و گمرک و سایر چیزهایی که در بخش‌های مختلف این طرح تحول وجود دارد، کارهای بسیار بزرگ و مهمی است؛ حتماً هم باید انجام بگیرد...؛ اگر ان‌شاءالله بتوانید این را خوب انجام بدهید، یک قدم بلند برای پیشرفت کشور برداشته‌اید؛ البته اگر خوب انجام نگیرد، آن وقت خطرها و ضررهایی هم دارد؛ یعنی مراقبت بکنید که هیچ عجله و شتابزدگی نباشد. توقف و ترسیدن از ورود در این میدان را به هیچ وجه توصیه نمی‌کنم اما نگاه کردنِ جلوی پا، نگاه کردن به چشم‌اندازهای دوردست و تبعاتی که ممکن است به وجود بیاید و راه جلوگیری از آن تبعات را توصیه می‌کنم.[۲]

لزوم اصلاح نظام اداری

از جملهٔ چیزهایی که خوب است در سیاست‌های کلّی یادآوری کنم، سیاست‌های تحول نظام اداری است که تصویب هم شده، ابلاغ هم شده. ما واقعاً در زمینهٔ مسائل اداری و نظام اداری دچار مشکلات و آسیب‌های دیرپا و مزمن هستیم. این سیاست‌ها... در مجمع تشخیص مورد بررسی قرار گرفته و ابلاغ شده، به نظر من سیاست‌های بسیار خوبی است.[۳]

۱- خطبه‌های نماز جمعهٔ تهران، ۱۳۸۰/۲/۲۸.
۲- دیدار با رئیس جمهور و هیأت دولت، ۱۳۸۷/۶/۲.
۳- دیدار با هیأت دولت، ۱۳۹۲/۶/۶.

لزوم استفادهٔ دولت از کالای داخلی

وزیر محترم کار اینجا حضور دارند؛ من خواهش می‌کنم در دولت مطرح کنید، اصرار کنید، پافشاری کنید که اشیایی که جزو مصارف دولتی است، مطلقاً از خارج نیاید. این یک قلم عمده است، یک قلم بزرگ است؛ چون دولت با دامنهٔ وسیعی که دارد، مصرف‌کنندهٔ درجه یک است. نگویند که ما فلان چیز را می‌خواهیم، الآن لازم داریم، تولید داخلی‌اش نیست، ناچاریم از بیرون بیاوریم. خب، شما مگر برنامه‌ریزی ندارید؟ شما که امروز احتیاج دارید، چرا امروز می‌گویید؟ می‌خواستید دو سال پیش بگویید تا تولیدکنندهٔ داخلی فرصت داشته باشد برنامه‌ریزی کند، بسازد، امتحان کند، تجربه کند تا امروز دست شما برسد. اینها مسائل مهمی است؛ اینها مسائل کوچکی نیست. دولت تصمیم بگیرد در هیچ‌یک از چیزهایی که مصرف می‌کند، از قلم و کاغذ روی میز گرفته تا ساختمان‌سازی تا بقیهٔ چیزها، هرآنچه در داخل قابل تولید است، خودش را از خارج ممنوع کند، بر خودش حرام کند.[۱]

لزوم استفاده و حمایت از تولید ملی

مسئولان باید از تولید ملی حمایت کنند. تولید ملی، اساس و حلقهٔ اساسی پیشرفت اقتصاد است. مسئولان باید از تولید ملی حمایت کنند. چه‌جوری؟ یک جا که قانون لازم دارد، حمایت قانونی کنند؛ یک جا که حمایت قضایی لازم است، انجام بگیرد؛ یک جا که حمایت اجرایی لازم است، باید تشویق کنند و کارهایی بکنند؛ باید این کارها انجام بگیرد. تولید ملی باید رونق پیدا کند.[۲]

حرام شمردن واردات کالایی که تولید کافی داخلی دارند.

واردات کالاهایی که در داخل به‌قدر کافی تولید می‌شود، بایستی به‌صورت یک حرام شرعی و قانونی شناخته بشود؛ آنچه در داخل تولید

۱- دیدار با جمعی از کارگران سراسر کشور، ۱۳۹۴/۲/۹.
۲- بیانات در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۳/۱/۱.

می شود، از خارج وارد نشود. اینکه کالاهای مصرفی ما، از خوراک گرفته تا پوشاک، تا وسایل منزل، تا کیف و کفش بعضی از بانوان، تا وسایل مدرسه و دفتر و قلم و امثال اینها از خارج بیاید، این مایهٔ شرمندگی است!![۱]

به نظر بنده آن چیزی که امسال و سال‌های بعد از این باید به‌عنوان هدف اقتصاد مورد توجه باشد، عبارت است از سرمایه‌گذاری روی تولید داخلی. همهٔ تلاش‌ها از سوی همه باید برای تقویت تولید داخلی بسیج بشود. از همهٔ مسئولانی که در زمینه‌های اقتصادی فعالیت دارند و از همهٔ آحاد مردم باید مطالبه بشود که به مسألهٔ تقویت تولید داخلی کمک کنند.[۲]

لزوم توجه به اقتصاد درون‌زا و برون‌گرا

در نگاه کلان به اقتصاد کشورمان دو جور نگاه وجود دارد... . یک نگاه می‌گوید که ما پیشرفت اقتصاد را باید از ظرفیت‌های درون کشور و درون مردم تأمین بکنیم؛ [یعنی] اقتصاد درون‌زا؛ اقتصادی که مایهٔ خود و مادهٔ خود را از درون کشور و از امکانات کشور و از توانایی‌های مردم خودمان به دست می‌آورد. برای رونق اقتصادی نگاه کنیم به امکانات درونی کشور و استعدادها را و ظرفیت‌ها را بشناسیم، آنها را به درستی به کار بگیریم، [آن وقت] اقتصاد رشد خواهد کرد، نمو خواهد کرد؛ نگاه دوم به اقتصاد کشور نگاه به پیشرفت اقتصاد با استفاده از کمک بیرون از مرزهاست؛ می‌گوید سیاست خارجی‌مان را تغییر بدهیم تا اقتصاد ما درست بشود، با فلان مستکبر کنار بیاییم تا اقتصاد رونق پیدا کند، تحمیل قدرت‌های مستکبر را در بخش‌های گوناگون و مسائل گوناگون بپذیریم تا اقتصادمان رونق پیدا کند؛ امروز شرایط کشور به ما نشان داده است که این نگاه دوم یک نگاه کاملاً غلط و عقیم و بی‌فایده است... این نگاه، نگاهی است که هرگز به نتیجه نخواهد رسید؛ باید نگاه کنیم به درون کشور، ظرفیت‌های درونی بسیار است.[۳]

اقتصاد درون‌زا از دل ظرفیت‌های خود کشور ما و خود مردم ما می‌جوشد؛

۱- بیانات در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۶/۱/۱.
۲- بیانات در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۴/۱/۱.
۳- همان.

رشد این نهال و این درخت، متکی است به امکانات کشور خودمان؛ درون‌زا به این معناست. درعین‌حال درون‌گرا نیست؛ یعنی این اقتصاد مقاومتی به این معنا نیست که ما اقتصاد خودمان را محصور می‌کنیم و محدود می‌کنیم در خود کشور؛ نه، درون‌زاست اما برون‌گراست؛ با اقتصادهای جهانی تعامل دارد، با اقتصادهای کشورهای دیگر با قدرت مواجه می‌شود.[۱]

تقویت شرکت‌های دانش بنیان

تصور من این است که بیش از این بایستی ما در کشور به رقم شرکت‌های دانش‌بنیان اهتمام بورزیم.[۲]

دانش بنیان بودن اقتصاد مقاومتی

این اقتصاد، اقتصاد دانش‌بنیان است؛ یعنی از پیشرفت‌های علمی استفاده می‌کند، به پیشرفت‌های علمی تکیه می‌کند، اقتصاد را بر محور علم قرار می‌دهد اما معنای آن این نیست که این اقتصاد منحصر به دانشمندان است و فقط دانشمندان می‌توانند نقش ایفا کنند در اقتصاد مقاومتی؛ نخیر، تجربه‌ها و مهارت‌ها ـ تجربه‌های صاحبان صنعت، تجربه‌ها و مهارت‌های کارگرانی که دارای تجربه و مهارتند ـ می‌تواند اثر بگذارد و می‌تواند در این اقتصاد نقش ایفا کند. اینکه گفته می‌شود دانش‌محور، معنای آن این نیست که عناصر با تجربهٔ صنعتگر یا کشاورز که در طول سال‌های متمادی کارهای بزرگی را بر اساس تجربه انجام داده‌اند، اینها نقش ایفا نکنند؛ نخیر، نقش بسیار مهمی هم به عهدهٔ اینهاست.[۳]

مردمی کردن اقتصاد

مردم باید در کار تولید دخالت داده بشوند. ما سیاست‌های اصل ۴۴ را که چند سال پیش ابلاغ کردیم، همهٔ کسانی که در مسائل اقتصادی صاحب‌نظر بودند گفتند این یک انقلاب در کار سیاسی است؛ خب، همین را دنبال کنند؛

۱- بیانات در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۳/۱/۱.
۲- دیدار با جمعی از پژوهشگران و مسئولان شرکت‌های دانش‌بنیان، ۱۳۹۱/۵/۸.
۳- بیانات در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۳/۱/۱.

مردم را دخالت بدهند. جمهوری اسلامی در کار جنگ و دفاع از کشور –که معمولاً کار جنگ و دفاع از کشور و دفاع از مرزها کار دولت‌هاست، کار مردم نیست؛ کار ارتش‌هاست– با مدیریت درست و با گزینش‌های صحیح توانست مردم را بسیج کند وارد این میدان کند و جنگ را ببَرد... . خب کار اقتصاد به طریق اولی [همین‌طور است]. کار اقتصاد یک کار مردمی است؛ اگر در زمینهٔ مسائل اقتصادی مردم را در میدان وارد بکنیم و مردم نقش‌آفرین بشوند در میدان اقتصاد و میدان تولید، یقیناً پیش خواهد رفت.[۱]

این اقتصادی که به عنوان اقتصاد مقاومتی مطرح می‌شود، مردم‌بنیاد است؛ یعنی بر محور دولت نیست و اقتصاد دولتی نیست، اقتصاد مردمی است؛ با ارادهٔ مردم، سرمایهٔ مردم، حضور مردم تحقق پیدا می‌کند اما «دولتی نیست» به این معنا نیست که دولت در قبال آن مسئولیتی ندارد؛ چرا، دولت مسئولیت برنامه‌ریزی، زمینه‌سازی، ظرفیت‌سازی، هدایت و کمک دارد. کار اقتصادی و فعالیت اقتصادی دستِ مردم است، مال مردم است اما دولت به‌عنوان یک مسئول عمومی نظارت می‌کند، هدایت می‌کند، کمک می‌کند. آن جایی که کسانی بخواهند سوءاستفاده کنند و دست به فساد اقتصادی بزنند، جلوی آنها را می‌گیرد؛ آنجایی که کسانی احتیاج به کمک دارند، به آنها کمک می‌کند؛ بنابراین آماده‌سازی شرایط وظیفهٔ دولت است؛ تسهیل می‌کند.[۲]

استفاده از ظرفیت های بیرون دولت در اقتصاد مقاومتی

بخش‌هایی وجود دارند خارج از دولت؛ اینها می‌توانند در اقتصاد مقاومتی نقش ایفا کنند، از جمله بسیج؛ من گزارشی [هم] دیدم. خیلی لازم است به نظر من که بخواهید و ببینید مجموعهٔ بسیج در مورد اقتصاد مقاومتی چه کارهایی می‌توانند انجام بدهند و ظرفیتش را دارند؛ ظرفیت خیلی خوبی است. بسیج چیز کمی نیست، چیز کوچکی نیست؛ بسیج یک مجموعهٔ عظیم و آماده‌به‌کار است؛ اینها را بخواهید، ببینید چه‌کار می‌توانند بکنند؛

۱- بیانات درحرم مطهر رضوی، ۱۳۹۶/۱/۱.
۲- بیانات در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۳/۱/۱.

اینها می‌آیند امکانات خودشان را عرضه می‌کنند و می‌گویند این‌کارها را هم کرده‌ایم. به نظر من امکاناتِ [خوبی هست]. حالا من بسیج را مثال زدم؛ بخش‌های گوناگونی هستند، افراد اقتصاددان و به‌اصطلاح اقتصادی‌عمل کنِ بیرونی؛ بعضی‌ها هستند که شرکت‌هایی دارند و کارهایی دارند، از ظرفیت‌های اینها می‌شود استفاده کرد و همهٔ اینها در آن برنامهٔ کلّی باید بیاید؛ یعنی برنامهٔ کلّی فقط ناظر به بخش‌های دولتی نباید باشد. پس قدم اول، ایجاد این برنامه بود با این خصوصیات.[۱]

لزوم نبود تبعیض در امکانات عمومی و سوء استفاده نکردن از فرصت‌های اقتصادی

فاصله در درآمدها و نداشتن رفاهِ جمع کثیری از مردم، نگرانی نظام سرمایه‌داری نیست... . نظام اسلامی این‌گونه نیست... آنچه عمومی است مثل فرصت‌ها و امکانات متعلق به همهٔ کشور است و باید در اینها تبعیضی وجود نداشته باشد. معنی ندارد که یک نفر پای خود را بگذارد روی دوش مأمورین دولتی و با ترفند و خدای ناکرده با اِعمال روش‌های غلط، امتیاز بگیرد، رشدی افسانه‌ای بکند و بعد بگوید: من ثروت را خودم به دست آورده‌ام. در نظام اسلامی چنین چیزی را نداریم. ثروتی که بر پایهٔ صحیحی نیست، از اصل نامشروع است.[۲]

نادرستی اقتصاد بدون عدالت

مسألهٔ عدالت اجتماعی با رشد و توسعه هم سازگار است. بعضی این طور تصور می‌کردند – شاید حالا هم تصور کنند – که ما بایستی دوره‌ای را صرف رشد و توسعه کنیم و وقتی که به آن نقطهٔ مطلوب رسیدیم، به تأمین عدالت اجتماعی می‌پردازیم. این فکر، اسلامی نیست. عدالت هدف است و رشد و توسعه، مقدمهٔ عدالت است. آن روزی که در کشور عدالت اجتماعی نباشد، اگر بتوانیم باید آن روز را تحمل نکنیم.[۳]

۱- دیدار با رئیس جمهور و هیأت دولت، ۱۳۹۴/۶/۴.
۲- مراسم تنفیذ حکم دورهٔ دوم ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۲/۵/۱۲.
۳- دیدار با رئیس جمهور و هیأت وزیران به مناسبت بزرگداشت هفتهٔ دولت، ۱۳۷۴/۶/۸.

بنده بارها عرض کرده‌ام – در جلسات خصوصی با بعضی از شماها در طول این سال‌ها – معتقد نیستم به پیشرفتِ بدون عدالت. ما این دهه را اسم گذاشتیم به دههٔ پیشرفت و عدالت.[۱]

این اقتصاد، عدالت‌محور است؛ یعنی تنها به شاخص‌های اقتصاد سرمایه‌داری [مثل] رشد ملی، تولید ناخالص ملی اکتفا نمی‌کند؛ بحث اینها نیست که بگوییم رشد ملی این‌قدر زیاد شد، یا تولید ناخالص ملی اینقدر زیاد شد که در شاخص‌های جهانی و در اقتصاد سرمایه‌داری مشاهده می‌کنید. در حالی که تولید ناخالص ملی یک کشوری خیلی هم بالا می‌رود اما کسانی هم در آن کشور از گرسنگی می‌میرند! این را ما قبول نداریم؛ بنابراین شاخص عدالت ـ عدالت اقتصادی و عدالت اجتماعی در جامعه ـ یکی از شاخص‌های مهم در اقتصاد مقاومتی است اما معنای آن این نیست که به شاخص‌های علمی موجود دنیا هم بی اعتنایی بشود؛ نخیر، به آن شاخص‌ها هم توجه می‌شود اما بر محور عدالت هم کار می‌شود. عدالت در این بیان و در این برنامه به معنای تقسیم فقر نیست بلکه به معنای تولید ثروت و ثروت ملی را افزایش دادن است.[۲]

در مورد اقتصاد، اعتقاد ما این است که پیشرفت اقتصاد کشور باید همراه با عدالت باشد؛ ما اقتصاد منهای عدالت را قبول نداریم؛ یعنی انقلاب قبول ندارد؛ نظام جمهوری اسلامی قبول ندارد. باید مراقبت بکنید که فاصلهٔ طبقاتی پیش نیاید؛ فقرا پامال نشوند.[۳]

لزوم حمایت از محرومان

وقتی می‌گوییم مردم، منظور همهٔ طبقات مردمند لیکن بدیهی است کسانی از مردم باید بیشتر مورد توجه قرار گیرند که بیشتر مورد محرومیت قرار گرفته‌اند؛ امام دائماً روی طبقات محروم و پابرهنگان کشور تکیه می‌کردند.[۴]

این فریب است که کسی ادعا کند برای مردم کار می‌کند اما در عمل،

۱- دیدار با هیأت دولت، ۱۳۹۲/۶/۶.
۲- بیانات در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۳/۱/۱.
۳- دیدار با رئیس جمهور و هیأت دولت، ۱۳۹۴/۶/۴.
۴- مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره)، ۱۳۸۰/۳/۱۴.

کار او برای طبقات مرفه باشد، نه برای طبقات مستضعف و محروم. نه اینکه نباید برای طبقات مرفه کار کرد؛ آنها هم از حقوق عمومی کشور باید بهره‌مند شوند اما به آن کسی که محرومیت دارد و دستش از حقوق خود خالی مانده است، باید بیشترِ توجه و همت و تلاش را اختصاص داد.[۱]

حمایت جدی و واقعی از محرومان

امام طرفدار جدی حمایت از محرومان و مستضعفان بود؛ امام نابرابری اقتصادی را با شدت و حدت رد می‌کرد؛ اشرافی‌گری را با تلخی رد می‌کرد؛ به معنای واقعی کلمه، امام طرفدار عدالت اجتماعی بود؛ طرفداری از مستضعفان شاید یکی از پر تکرارترین مطالبی است که امام بزرگوار ما در بیاناتشان گفتند؛ این یکی از خطوط روشن امام است؛ این یکی از اصول قطعی امام است. همه باید تلاش کنند که فقر را ریشه‌کن کنند؛ همه باید تلاش کنند که محرومان را از محرومیت بیرون بیاورند و تا آنجایی که در توان کشور است، به محرومان کمک کنند.[۲]

پرهیز از خام فروشی نفت

تحصیل ثروت از راه فروش منابع تمام‌شدنی مثل نفت و امثال نفت، رونق نیست، پیشرفت نیست؛ این خودگول‌زدن است. ما در این دام افتادیم. باید اقرار کنیم، قبول کنیم که این یک تله است، یک دام است برای ملت ما. ما دچار خام‌فروشی شدیم.[۳]

این نفتی که ما از چاه در می‌آوریم، می فرستیم بیرون، پولش را می گیریم، هیچ ارزش افزوده‌ای ندارد؛ روزبه‌روز هم نفت کم می شود. اگر بتوانیم ما این نفت را یا آن گاز را تبدیل کنیم به کالایی که دارای ارزش افزوده باشد برای کشور، این خوب است. سیاست را این قرار بدهید –به موازات کارهایی که برای تولید نفت و فروش نفت و کارآمد شدن چاه‌های نفت و امثال اینها انجام می‌گیرد– که ما بتوانیم فرآورده تولید کنیم، فرآورده

۱- مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره)، ۱۳۸۰/۳/۱۴.
۲- بیانات در سالگرد ارتحال امام خمینی (ره)، ۱۳۹۴/۳/۱۴.
۳- دیدار با جمعی از پژوهشگران و مسئولان شرکت‌های دانش‌بنیان، ۱۳۹۱/۵/۸.

صادر کنیم، بنزین صادر کنیم.[۱]

آرزوی واقعی من که البته ممکن است به این زودی‌ها قابل تحقق نباشد این است که ما درِ چاه‌های نفت را ببندیم و اقتصاد خود را براساس کالاها و محصولات غیر نفتی بنیاد نهیم.[۲]

اقتصاد ما دچار این اشکال است که وابسته به نفت است. ما باید اقتصاد خودمان را از نفت جدا کنیم؛ دولت‌های ما در برنامه‌های اساسی خودشان این را بگنجانند. من هفده هجده سال قبل به دولتی که در آن زمان سر کار بود و به مسئولان گفتم کاری کنید که ما هر وقت اراده کردیم، بتوانیم درِ چاه‌های نفت را ببندیم. آقایانِ به قول خودشان تکنوکرات لبخند انکار زدند که مگر می‌شود؟! بله، می‌شود.[۳]

یکی از بدبختی‌های کشور ما و بعضی از کشورهای دیگر این است که اقتصادشان وابسته به نفت است؛ اختیار نفت هم دست کشورهای تولیدکنندهٔ نفت نیست، دست مصرف‌کننده‌هاست، دست قدرت‌های جهانی است؛ آنها هستند که قیمت می‌گذارند، بالا می‌برند، پایین می‌آورند؛ در واقع تولیدکنندهٔ نفت در این مورد، در مقابل قدرت‌ها منفعل است. اگر کشوری بتواند اقتصاد خودش را از نفت جدا بکند و دارای نفت هم باشد، این کشور قطعاً پیشرفت چند برابر خواهد کرد.[۴]

اقتصاد غیر وابسته به نفت، پرهیز از خام فروشی،تقویت شرکت‌های دانش‌بنیان

ما باید اول اعتقاد پیدا کنیم که باید کشور به جایی برسد که بتواند با اختیار، هرگاه اراده کرد، سر چاه‌های نفت خودش را ببندد؛ ما باید به این باور برسیم. این حالا مسألهٔ نفت است. خام‌فروشی‌ها در بخش‌های مختلفِ مواد خام و معدنی همچنان وجود دارد؛ این یکی از ضعف‌های ماست، یکی از مشکلات کشور ماست. ما اگر بخواهیم از این وضعیت نجات پیدا کنیم،

۱- بیانات در دیدار با مسئولان نظام، ۱۳۹۵/۳/۲۵.
۲- دیدار با جمعی از کارگران و معلمان،۱۳۷۳/۲/۱۳.
۳- بیانات در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۲/۱/۱.
۴- بیانات در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۶/۱/۱.

بخواهیم به رشد اقتصادیِ حقیقی نائل شویم، راهش تکیه به علم است؛ این هم از راه تقویت همین شرکت‌های دانش‌بنیان، عملی است.[۱]

جایگزینی معدن به جای نفت، پرهیز از خام فروشی معدن

به من گزارش شده ما حداکثر پانزده درصد از ظرفیت معدنی کشور را داریم استحصال می‌کنیم؛ پانزده درصد! ما معدن را باید جایگزین نفت کنیم؛ یعنی واقعاً بایستی ما بتوانیم. من سال‌ها پیش –شاید بیست سال پیش– در دولت آن‌وقت گفتم. ما باید کاری بکنیم که هر وقت اراده کردیم، بتوانیم سر چاه‌های نفت خودمان را ببندیم؛ نه از کمبود مشتری بترسیم، نه از نداشتن بازار بترسیم، نه از نداشتن پول بهای نفت بترسیم... . آن‌وقت [در مورد] معادن هم بایستی از خام‌فروشی معادن به شدت پرهیز کنیم. معادن باارزشی داریم. در استان کرمان یا در جنوب خراسان، سنگ‌های فوق‌العاده باارزشی وجود دارد. [اینکه] این سنگ را همین‌طور یک دفعه‌ای بِکَنیم، بفرستیم ایتالیا که آنها بعد تبدیل کنند و ارزش افزوده‌اش را چند ده برابر ببرند، احیاناً گاهی برای خود ما هم آنها را بفرستند و صادر کنند داخل کشور ما، آدم خیلی زورش می‌آید که چنین چیزی بشود.[۲]

لزوم تولید بنزین در داخل کشور

چرا ما باید بنزین وارد کنیم؟ یکی از چیزهایی که انسان گاهی وقتی فکر می‌کند، پیش خودش خجالت می‌کشد وارد کردن بنزین است. جمهوری اسلامی با این‌همه نفت –که دائم پُزش را می‌دهیم پیش مردم و پیش دنیا که ما نفت و گازمان بر روی هم بزرگ‌ترین منبع نفت و گاز دنیاست که واقع قضیه همین است– آن وقت بنزین وارد کنیم، یا گازوئیل وارد کنیم! [باید] کاری کنیم که نیاز به واردات گازوئیل و بنزین نداشته باشیم.[۳]

۱- دیدار با جمعی از پژوهشگران و مسئولان شرکت‌های دانش‌بنیان، ۱۳۹۱/۵/۸.
۲- دیدار بارئیس جمهور و هیأت دولت، ۱۳۹۴/۶/۴.
۳- دیدار با مسئولان نظام ، ۱۳۹۵/۳/۲۵.

لزوم اجرا و پیگیری سیاست‌های اصل ٤٤ قانون اساسی[۱]

اجرای کامل سیاست‌های اصل۴۴ بسیار مهم است... . باید این سیاست‌ها به طور کامل اجرا بشود... . قوانین هم که زیاد دارید و سیاست‌های اصل ۴۴ را باید رصد بکنید، ببینید چقدر واقعاً پیش دارد می‌رود. خود دولت، دستگاه ریاست جمهوری این کار را بکند.[۲]

همه اعتراف دارند که سیاست‌های اصل ۴۴ اگر اجرائی بشود، یک تحول در پیشرفت کشور – در زمینه‌های اقتصادی و به تبع او در زمینه‌های دیگر – به‌وجود می‌آید. این مسألهٔ بسیار مهمی است. ...قوی و کاملاً جدی این سیاست‌ها را دنبال کنید.[۳]

تلاش برای ایجاد این تغییرات از وظایف حتمی قوای سه گانه و همه دستگاه‌های کشور است و همه فعالیت‌ها و برنامه ریزیهای اقتصادی باید در چهارچوب سیاست‌های اصل ۴۴ صورت گیرد.[۴]

پرهیز از اظهار ضعف اقتصادی در مقابل دشمن

اشتباه بزرگ بعضی از ماها در چالش اقتصادی بزرگی که امروز کشور دچار آن است این بود که در زمینهٔ اقتصادی اظهار ضعف شد؛ دشمن دید که اینجا جایی است که می‌شود فشار آورد [لذا] فشار را زیاد کردند؛ [چرا وضعیت به طوری شد که] از یک نفر در مصاحبه بپرسند این رزمایشی که شما دارید فلان‌جا می‌کنید و درعین‌حال با ایرانی‌ها مذاکره می کنید، [یک وقت] ایرانی‌ها از این رزمایش ناراحت نشوند که به این مذاکرات اقتصادی

۱ در خرداد سال ۱۳۸۴، سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی از سوی رهبر انقلاب به سران قوای سه گانه و مجمع تشخیص مصلحت نظام ابلاغ شد. اصل ۴۴ قانون اساسی، نظام اقتصادی ایران را به سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی متکی می سازد و حدود هر بخش را مشخص می کند. آنچه بیشتر تحت عنوان اصل ۴۴ شناخته می شود تفسیریهٔ رهبری بر اصل ۴۴ قانون اساسی است که در تیر ماه سال ۱۳۸۵ در خصوص بند ج این اصل در مورد بخش خصوصی صادر شده است و دولت را موظف می‌کند تا ۸۰ درصد از سهام بخش های دولتی را به بخش خصوصی واگذار کند. در پرتو این سیاست ها نقش دولت از مالکیت و مدیریت مستقیم به سیاستگذاری، هدایت و نظارت تغییر می یابد.
۲- دیدار با هیأت دولت، ۱۳۸۸/۶/۱۸.
۳- دیدار با رئیس جمهور و هیأت دولت، ۱۳۸۷/۶/۲.
۴- دیدار با مسئولان و دست‌اندرکاران اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ ، ۱۳۸۵/۱۱/۳۰.

ضربه بخورد، او رویش بشود و خجالت نکشد از اینکه بگوید: نه آقا، اینها تأثیری ندارد؛ ایرانی‌ها این‌قدر احتیاج به این مذاکرات دارند که امثال این رزمایش ضرری به مذاکرهٔ اقتصادی ما نمی‌زند؟! این اظهار ضعف در مقابل دشمن نباید بشود.[۱]

پرهیز از خودباختگی در شرایط تحریم

ممکن است کسی بگوید اگر تحریم نبود از این ظرفیت‌ها می‌توانستید خوب استفاده کنید اما [چون] تحریم هست نمی‌توانید از این ظرفیت‌ها استفاده کنید؛ این خطاست؛ این حرف، درست نیست. ما در بسیاری از مسائل دیگر هم در عین تحریم توانسته‌ایم به نقطه‌های بسیار برجسته و بالا دست پیدا کنیم؛ یک مثال آن، تولید علم است؛ یک مثال آن، صنعت و فناوری است؛ در اینها ما تحریم بودیم، الآن هم تحریم هستیم. در مورد دانش‌های پیشرفته و روز، الآن هم درهای مراکز علمی مهم بِروز دنیا به روی دانشمند ایرانی و دانشجوی ایرانی بسته است اما درعین‌حال، ما در نانو پیشرفت کردیم، در هسته‌ای پیشرفت کردیم، در سلول‌های بنیادی پیشرفت کردیم، در صنایع دفاعی پیشرفت کردیم، در صنایع پهپاد و موشک، به کوری چشم دشمن، پیشرفت کردیم؛ چرا در اقتصاد نتوانیم پیشرفت کنیم؟! ما که در این صحنه‌ها و عرصه‌های گوناگون این همه موفقیت به دست آوردیم، اگر عزممان را جزم کنیم و دست به دست هم بدهیم، می‌توانیم اقتصاد را شکوفا کنیم. چشممان به دست دشمن نباشد که کِی این تحریم را برمی‌دارد، کِی فلان نقطه را موافقت می‌کند؛ به درک! نگاه کنیم ببینیم خودمان چه‌کار می‌توانیم بکنیم.[۲]

تبدیل تحریم‌ها به فرصت و بی اثر کردن آنها

همین تحریم‌ها به یک معنا فرصت است برای ملت ایران؛ بله دشواری‌هایی به‌وجود آورده است اما این تحریم، می‌تواند فرصت باشد.[۳]

۱- دیدار با مسئولان کاروان‌های راهیان نور، ۱۳۹۵/۱۲/۱۶.
۲- بیانات در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۳/۱/۱.
۳- بیانات در حرم مطهر رضوی ۱۳۹۴/۱/۱.

تنها ابزار دشمن برای مقابله با ملت ایران، امروز عبارت است از تحریم؛ اگر ما درست عمل کنیم، با تدبیر عمل کنیم، تحریم می‌تواند بی‌اثر بشود.[۱]

وابسته ندانستن تمام مشکلات به تحریم ها

امروز خوشبختانه می‌بینیم اقتصاددان‌ها، مسئولین گوناگون، افراد وارد در مسائل اقتصادی کشور، همه دائماً این را تکرار می‌کنند؛ می‌گویند این‌جور نیست که مسائل اقتصادی کشور وابسته به این تحریم‌ها باشد تا با برداشتن تحریم‌ها، مشکلات اقتصادی برطرف بشود؛ نه، مشکلات اقتصادی با ارادهٔ خودمان، با نیت خودمان، به دست خودمان، با تدابیر خودمان ممکن است برطرف بشود؛ چه تحریم باشد، چه نباشد. البته تحریم نباشد، آسان‌تر است؛ تحریم باشد قدری مشکل‌تر است اما ممکن است.[۲]

جدی بودن مسألهٔ اشتغال و رکود

در کشور خلأهای خطرناکی وجود دارد؛ مسألهٔ اشتغال، مسألهٔ مهم ماست. در دولت قبلی هم من روی مسألهٔ اشتغال خیلی تکیه کردم و برای راه‌اندازی جریان اشتغال با دولت خیلی همکاری و کمک کردم. الآن هم مسألهٔ اشتغال برای ما، یک مسألهٔ اساسی است.[۳]

عمدهٔ این مشکلات عبارت است از رکود و مسألهٔ اشتغال، [یعنی] بیکاری؛ اینها مهم‌ترین‌هاست. ما باید به اینها برسیم، باید به اینها توجه بکنیم؛ یعنی مسألهٔ رکود خیلی مهم است.[۴]

مسألهٔ رکود، مسأله‌ای است که هم روی تورم می‌تواند اثر بگذارد، هم روی اشتغال می‌تواند اثر بگذارد؛ امر مهمی است مسألهٔ رکود در کشور.[۵]

لزوم ایجاد امنیت شغلی برای کارگران

یک مسأله، مسألهٔ امنیت شغلی کارگر است؛ اگر ذهن کارگر مشغول باشد

۱- بیانات در حرم مطهر رضوی ۱۳۹۴/۱/۱.
۲- دیدار با جمعی از معلمان و فرهنگیان سراسر کشور، ۱۳۹۴/۲/۱۶.
۳- دیدار با مسئولان نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۳/۲۹.
۴- دیدار با مسئولان نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۹۵/۳/۲۵.
۵- دیدار با رئیس جمهور و هیأت دولت، ۱۳۹۴/۶/۴.

که آیا فردا در این کارگاه خواهد بود یا نه، دستش به کار نمی‌رود؛ باید امنیت شغلی به وجود بیاید؛ این هم راه‌هایی دارد، این هم باز از مسئولیت‌های مسئولین گوناگون دولتی و مدیران و کارفرمایان و دیگران است؛ فقط هم مربوط به وزارت کار نیست.[۱]

تسهیل امور برای کارفرمایان

یکی از حقوق کارفرما این است که دولت و دستگاه‌های مربوط اجرایی، کار را برای کارفرما تسهیل کنند؛ فرض کنید [اگر] نقدینگی ندارد، برایش فراهم بکنند؛ [اگر] مواد اولیه ندارد، کارگاهش یا ماشینش فرسوده است و امثال اینها، کمک کنند تا بتواند اینها را تأمین کند. یکی از کمک‌هایی که می‌شود به کارفرما کرد، فراهم کردن زمینهٔ صادرات است.[۲]

گسترش صادرات و طرف های صادراتی

گزارشی به دست من رسید از مسئولین دولتی که متأسفانه عمدهٔ صادرات کشور ما بلکه عمدهٔ معاملات تجاری ما از صادرات و واردات، با پنج یا شش کشور است؛ خب این خطاست، این خلاف اقتصاد مقاومتی است. ما در بندهای اقتصاد مقاومتی روی این هم تکیه کرده‌ایم. یکی از سیاست‌های اقتصاد مقاومتی همین است؛ گسترش صادرات و گسترش طرف‌های صادراتی ما. اینکه ما به پنج کشور یا شش کشور اکتفا بکنیم و خودمان را محدود بکنیم [صحیح نیست]، این تحرک مسئولین را لازم دارد؛ چه در سیاست خارجی، چه در بخش‌های دیگر.[۳]

مدیریت تجارت خارجی

یکی از کارهای بسیار مهم، مسألهٔ مدیریت تجارت خارجی است؛ از این جهت که اینجا صرفاً بازار مصنوعات خارجی نباشد که بازار خودرو، بازار فلان، بازار فلان یکسره داده بشود به آنها.[۴]

۱- دیدار با کارگران، ۱۳۹۵/۲/۸.
۲- دیدار با کارگران، ۱۳۹۵/۲/۸.
۳- بیانات در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۶/۱/۱.
۴- دیدار با رئیس جمهور و هیأت دولت ، ۱۳۹۴/۶/۴.

مسأله، مدیریت جدی بازرگانی خارجی است؛ بازرگانی خارجی چیز خیلی مهمی است. خارجی‌ها عادت کرده بودند در طول سالیان دراز، به کشورهایی از جمله کشور ما، نگاهشان در مورد تجارت این‌جوری باشد که اینجا مواد خامی دارد، بیایند بردارند مواد خام را ببرند و ارزش افزوده برای خودشان درست کنند؛ یک بازار و مطالبه‌ای هم دارد که [کالا] بردارند بیاورند.[۱]

لزوم جلوگیری از واردات مضر

مسألهٔ مهم دیگر، جلوگیری از واردات مضر است که بنده چند بار در این اواخر تکرار کرده‌ام؛ یعنی آن وارداتی که یا مشابه داخلی دارد یا اگر هم مشابه داخلی ندارد جزو نیازهای فعلی کشور یا جزو نیازهای درجهٔ یک کشور نیست. مثلاً فرض بفرمایید ماشین‌های آن‌چنانی یا خودروهای کذایی با سرعت آن‌چنانی چه نیازی است؟ می‌گویند بخش خصوصی می‌آورد؛ خب، دولت می‌تواند با انواع روش‌هایی که دارند –تعرفه و غیر تعرفه– جلویش را بگیرد. منابع کشور –انواع فاینانس‌ها و پول‌هایی که آزاد می‌شود– نبایستی هدر برود. صنایع تعطیل شده، بخش اقتصاد دانش‌بنیان، بخش تبدیل ماشین‌های فرسودهٔ صنایعمان، اینها جزو اولویت‌هاست.[۲]

پرهیز از واردات بی رویّه

شما می‌گویید ما جلوی واردات را گرفتیم اما میوه‌هایی در بازار هست که [وارداتی است]. آخر ایران برود از کجا میوه بیاورد که بهتر از میوهٔ ما باشد؟... واردات میوه واردات بی‌رویّه است.[۳]

تلاش برای کاهش تورم به زیر دو رقم

کشورهایی در دنیا که تورم دو رقمی دارند معدودند، خیلی کمند و ما جزو کشورهایی هستیم که تورم دو رقمی داریم. ما بایستی برسیم به تورم زیر ده، یعنی همت باید این باشد؛ باید تلاش کنیم که به این برسیم.[۴]

۱- دیدار با رئیس جمهور و هیأت دولت ، ۱۳۹۴/۶/۴.
۲- دیدار با مسئولان نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۹۵/۳/۲۵.
۳- دیدار با رئیس جمهور و هیأت دولت، ۱۳۹۴/۶/۴.
۴- همان.

لزوم رسیدن به خودکفایی در محصولات حیاتی

آن چیزی که ما از ایشان [وزیر کشاورزی] و از مجموعه توقع داریم، این است که در تولید محصولات حیاتی باید خودکفایی به‌وجود بیاید؛ یعنی خودکفایی را به حرف و گپ این و آن نگاه نکنید که آقا گندم، بیرون ارزان‌تر است و مانند اینها. ما باید به خودکفایی برسیم؛ در مواد حیاتی باید به خودکفایی برسیم.[۱]

لزوم تمرکز بر روستاها

مسألهٔ اساسی‌ای که عمدتاً [مربوط به] وزارت کشاورزی است – منتها فقط کار وزارت کشاورزی نیست– تمرکز بر روستاست. یعنی واقعاً این را یکی از بخش‌های اساسیِ برنامه‌ریزی دولت باید قرار داد: ما متمرکز بشویم روی روستا.... ما بایستی صنایع تبدیلی را به روستاها ببریم، به بعضی از شهرها ببریم.[۲]

انتقال فناوری، شرط معاملات خارجی

در همهٔ معاملات خارجی که انجام می‌دهیم، انتقال فناوری را شرط کنیم. البته برادران ما در دولت به ما گفتند که ما این کار را کردیم و می‌کنیم؛ من تأکید می‌کنم و تکرار می‌کنم برای اینکه غفلت نشود. فرض کنید [اگر] یک وسیله‌ای را یا یک شیء تولیدی جدیدی را می‌خواهند بخرند، تولیدشده را نخرند [بلکه] آن شیء را با فناوری مخصوص خودش تهیه کنند و بیاورند؛ فناوری را داخل کشور کنند. در قراردادها این را باید به شدت مورد توجه قرار بدهند.[۳]

لزوم توجه به صنایع کوچک و متوسط

به صنایع متوسط و کوچک نگاه ویژه بکنند. الآن چندین هزار کارگاه و کارخانهٔ متوسط و کوچک در کشور هست؛ اگر این آماری که به من داده‌اند و بنده گفتم که شصت درصد از اینها الآن دچار بیکاری و تعطیل

۱- دیدار با رئیس جمهور و هیأت دولت، ۱۳۹۴/۶/۴.
۲- همان
۳- بیانات در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۵/۱/۱.

هستند درست باشد، خسارت است. آن چیزی که در متن جامعه اشتغال ایجاد می‌کند، تحرک ایجاد می‌کند و طبقات پایین را بهره‌مند می‌کند، همین صنایع کوچک و متوسط است؛ اینها را تقویت کنند و پیش ببرند.[۱]

لزوم اصلاح الگوی مصرف

ما بایستی الگوی مصرف را اصلاح کنیم. ما بایستی به سمت اصلاح الگوی مصرف حرکت کنیم. مسئولین کشور در درجهٔ اول– چه قوهٔ مقنّنه، چه قوهٔ مجریه و چه سایر مسئولین کشور؛ قوهٔ قضائیه و غیر آن‌ها– و اشخاص و شخصیت‌ها در رتبه‌های مختلف اجتماعی و آحاد مردم ما از فقیر و غنی بایستی به این اصل توجه کنند که باید الگوی مصرف را اصلاح کنند... . من از عموم مردم و به خصوص از مسئولین درخواست می‌کنم، خواهش می‌کنم که در این زمینه فعالیت خودشان را در این سال زیاد کنند، افزایش بدهند و برای اصلاح الگوی مصرف برنامه‌ریزی کنند.[۲]

مبارزه با اسراف

یک اقدام اساسی در زمینهٔ پیشرفت و عدالت، مبارزه با اسراف، حرکت در سمت اصلاح الگوی مصرف، جلوگیری از ولخرجی‌ها و تضییع اموال جامعه است.[۳]

لزوم رعایت اولویت ها در کارهای اقتصادی

در تصمیم‌گیری‌هایی که ما در زمینهٔ مسائل اقتصادی می کنیم، اولویت‌ها را باید در نظر بگیریم. گاهی یک کاری خیلی مهم است، خیلی لازم است اما اولویت نیست؛ یعنی از آن کارِ لازم‌تری وجود دارد... . حالا یک مثال بزنم، البته این مثال را به خود وزیر محترم هم به نظرم گفتم؛ فرض کنید ناوگان هوایی ما نوسازی بشود؛ خیلی کار مهم و لازمی است اما آیا این اولویت کشور است؟ فرض کنیم مثلاً سیصد هواپیما بخریم؛

۱- بیانات در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۵/۱/۱.
۲- پیام نوروزی به مناسبت تحویل سال جدید، ۱۳۸۸/۱/۱.
۳- بیانات در حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۸/۱/۱.

این معلوم نیست اولویت باشد. این باید بررسی بشود؛ من نظر کارشناسی نمی‌دهم، من تذکر می‌دهم برای اینکه کار کارشناسی بشود؛ من تذکر می‌دهم که اولویت‌ها باید رعایت بشود.[۱]

اهمیت مسألهٔ مسکن به ویژه مسکن گروه‌های کم درآمد

مسألهٔ مسکن با توجه به مسائل اقتصادی، اکنون به صورت یک مقولهٔ اثرگذار در مسائل معیشتی، روحی معنوی، اجتماعی و اخلاقی مردم درآمده که باید با برنامه‌ریزی صحیح و با جدیت، این معضل برطرف گردد.[۲]

برنامه‌ریزی دولت در جهت تأمین مسکن گروه‌های کم‌درآمد و نیازمند و حمایت از ایجاد و تقویت مؤسسات خیریه و ابتکارهای مردمی برای تأمین مسکن اقشار محروم [صورت گیرد].[۳]

اگر احتمالاً با اصل طرح مسکن مهر و یا نحوهٔ تزریق اعتبارهای بانکی به آن مخالفتی وجود دارد اما این را هم بدانیم که اکنون چند میلیون نفر چشم‌انتظار تکمیل مسکن مهر هستند و باید این کار به طور جدی پیگیری شود و به اتمام برسد.[۴]

۱- دیدار با مسئولان نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۹۵/۳/۲۵.
۲- دیدار با مسئولان وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۷۹/۳/۲۵.
۳- ابلاغ سیاست‌های کلی نظام در امور «مسکن»، ۲۹/ ۱۱/ ۱۳۸۹.
۴- دیدار با هیأت دولت، ۱۳۹۳/۶/۵.



۷-دیدگاه عملی رئیس‌جمهور در سیاست خارجی

ارزیابی عملکرد دولت (۱۰-۰)	دولت جدید	روحانی	احمدی نژاد	خاتمی	هاشمی
۱. تکیه‌به‌ظرفیت‌داخلی واعتقادبه‌اقتصاد درون زا و برون گرا					
۲. لزوم اصلاح ساختار اقتصادی					
۳. بهبود شاخص‌های کلان اقتصادی					
٤. توسعهٔاقتصادی همراه با عدالت و ریشه کن کردن فقر					
٥. غیرخام فروشی به ویژه در نفت					
٦. اجرای کامل اصل ٤٤					
۷. اصلاح الگوی مصرف					
۸. حل مشکل مسکن و اشتغال					
۹. وابسته‌نکردن تمام مشکلات‌به‌تحریم‌ها					
۱۰. داشتن‌برنامه اقتصادی‌غیرمبتنی بر نفت، دانش بنیان و خودکفا					
۱۱. توجه ویژه به صنایع کوچک و متوسط					
۱۲. توجه ویژه به روستاها					
۱۳. گسترش صادرات و پرهیز از واردات بی‌رویه					

اصول امام در سیاست خارجی

در سیاست خارجی، اصول امام عبارت است از ایستادگی در مقابل سیاست‌های مداخله‌گر و سلطه‌طلب؛ برادری با ملت‌های مسلمان، ارتباط برابر با همهٔ کشورها، به جز کشورهایی که تیغ را روی ملت ایران کشیده‌اند و دشمنی می‌کنند، مبارزه با صهیونیسم، مبارزه برای آزادی کشور فلسطین، کمک به مظلومین عالم و ایستادگی در برابر ظالمان.[۱]

رعایت عزت، حکمت و مصلحت در سیاست خارجی

فهم عزت و حکمت و مصلحت لازم است؛ ما این سه شعار عزت، حکمت، مصلحت را درست باید بفهمیم؛ اگر توانستیم اینها را عملیاتی بکنیم، سیاست خارجی ما همان چیزی خواهد شد که نیاز کشور به آن است و شایستهٔ تراز نظام جمهوری اسلامی است.[۲]

بنای همکاری با ملل دنیا، تفاهم نداشتن با کشورهای سلطه طلب

در ارتباطات دیپلماسی ما، باید بر این استقلال و بر این عزت اجتماعی تکیه شود که بحمدالله می‌شود و این روش درستی است. ما با ملت‌های دنیا و با دولت‌های گوناگون عالم، بنای همکاری و تفاهم داریم؛ البته نه با زورگویان و کسانی که می‌خواهند همهٔ مسائل را با تکیه بر قدرت خودشان حل کنند؛ مثل امریکا. با اینها آبمان در یک جوی نمی‌رود.[۳]

پرهیز از نرمش در مقابل غرب

اگر کسی از نامزدهای ریاست جمهوری، کمترین نشانهٔ نرمشی در مقابل امریکا، در مقابل دخالت‌های دولت‌های غربی، در مقابل تجاوزهای فرهنگی و سیاسی بیگانگان نشان دهد، همه دنیا باید بدانند که ملت ما به

۱- بیانات در سالگرد ارتحال امام خمینی (ره)، ۱۳۹۲/۳/۱۴.
۲- دیدار با هیأت دولت، ۱۳۹۲/۶/۶.
۳- دیدار با رئیس جمهور و هیأت دولت به مناسبت آغاز هفتهٔ دولت، ۱۳۷۷/۶/۲.

چنین کسی قطعاً رأی نخواهد داد.[۱]

پرهیز از تملق گویی غرب

کسانی سر کار نیایند که بخواهند با تملق‌گویی به غرب، به دولت‌های غربی، به دولت‌های زورگو و مستکبر، به خیال خودشان بخواهند برای خودشان موقعیتی در سطح بین‌المللی دست و پا کنند. اینها برای ملت ایران ارزشی ندارد.[۲]

لزوم ادامهٔ راه امام به جای دلبستگی به غرب

اگر کسانی بر سر کار بیایند که در مراکز گوناگون سیاسی یا اقتصادی به جای اینکه به فکر ادامهٔ راه امام و ارزش‌ها و اصول ترسیم شدهٔ به وسیلهٔ امام باشند، به فکر به دست آوردن دل فلان قدرت غربی و فلان مستکبر بین‌المللی باشند، برای ملت ایران مصیبت خواهد بود. این آگاهی برای ملت لازم است.[۳]

دلخوش نکردن دشمنان

نامزدهای انتخابات باید هوشیار باشند. مبادا نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری در تبلیغات خود برای دلخوشی دشمنان حرفی بر زبان جاری کنند. رضایت خدا را باید در نظر گرفت، رضایت اولیاء را باید در نظر گرفت. آن چیزی را باید معیار قضاوت قرار داد که مایهٔ ایستادگی ملت است، مایهٔ استحکام ملت است، مایهٔ استقامت مردم است و او پایبندی محکم به اسلام است.[۴]

حضور فعال سیاسی در دنیا و پرهیز از حضور منفعل

اقتدار سیاسی این است که کشور و دولت بتوانند در میدان سیاست در دنیا حضور فعال داشته باشند؛ به آنها تحمیل سیاسی نشود؛ کسی نتواند به آنها زور بگوید؛ کسی نتواند در اوضاع سیاسی آنها دخالت کند؛ کسی نتواند

۱- دیدار با جمعی از خانواده‌های شهدا، ۱۳۷۶/۲/۱۷.
۲- دیدار با مردم بیجار، ۱۳۸۸/۲/۲۸.
۳- همان.
۴- دیدار با تعدادی از خانواده‌های شهداء، ۱۳۸۸/۳/۳.

در اوضاع داخلی کشور آنها انگشت ایذاء دراز کند.[۱]

تهاجم در برابر مستکبران بین المللی

روحیهٔ تهاجم در مقابله با زورگویان بین‌المللی. یک وقت هست که زورگویان بین‌المللی می‌آیند و می گویند که آقا شما فلان کار را کرده‌اید و ما رفع و رجوع می کنیم و [می‌گوییم] نه والله، نه بالله... ولی یک وقت هست که تهاجمش، تهاجم زورگویانه است؛ بهترین دفاع در چنین مواقعی هجوم است. زورگویان بین‌المللی نقاط ضعف زیادی دارند: جنایت می کنند، فساد می‌کنند، به حقوق بشر تجاوز می‌کنند، به حقوق ملت‌ها تعدی می‌کنند، انسان‌ها را لگدمال می‌کنند و همهٔ کارهای زشت را انجام می‌دهند؛ آخر هم طلبکار همه‌اند! خب، نقاط ضعفشان، با حالت تهاجمی و با حالت طلبکاری، گفته و بیان بشود... . یک وقتی از بنده – سال‌های اوایل – می‌پرسیدند که شما در مقابل این حرف چه جوابی دارید؟ می‌گفتم ما جواب نداریم؛ ما ادعا داریم و مدعی اینها هستیم؛ در قضیهٔ زن مدعی هستیم؛ در قضیهٔ حقوق بشر مدعی هستیم؛ در قضایای حقوق اساسی انسان‌ها مدعی هستیم. ما مدعی اینها هستیم؛ ما در مقام پاسخگویی نیستیم. چرا باید سؤال بکنند تا کسی مجبور باشد پاسخ بدهد؟ آنها بی‌جا می کنند سؤال و ادعا می کنند. این روحیه، روحیهٔ خوبی است؛ روحیهٔ انقلاب این است؛ این است که حقیقت را روشن و درخشان می کند.[۲]

لزوم داشتن موضع فعال و مؤثر در دیپلماسی

ما در همه‌جا بایست در دیپلماسی موضع فعال داشته باشیم. بایستی انسان به خصوص در مسائل شبیه مسائل منطقه –که امروز مسائل بسیار پیچیده‌ای است؛ مسائل منطقهٔ ما، مسائل سوریه و عراق و لبنان و شمال آفریقا، این طرف در شرق، افغانستان و پاکستان و مانند اینها، مسائل فوق‌العاده پیچیده‌ای است؛ سیاست‌ها اینجا خیلی در هم فرورفته و متخاصم

۱- خطبه‌های نماز جمعهٔ تهران، ۱۳۸۰/۲/۲۸.
۲- دیدار با رئیس‌جمهور و هیأت دولت، ۱۳۸۷/۶/۲.

و مؤثر بر روی یکدیگرند– خیلی لازم است که با دقت و هوشیاری و قدرت فعل، فعال بودن و اثرگذار بودن وارد میدان بشود.[۱]

خجالت نکشیدن از گفتمان انقلاب

متأسفانه در برخی از اوقات گذشته می‌دیدیم که بعضی از کسانی که مرتبط با مسئولین بودند یا حتی خودشان مسئول یک بخشی بودند، کأنّه از گفتمان انقلاب در مقابل دیگران شرمنده‌اند و خجالت می کشند که حقایق انقلاب را بر زبان جاری کنند یا آنها را پیگیری کنند یا به آنها اهمیت بدهند! این برای یک جامعه خیلی بلای بزرگی است.[۲]

عمق استراتژیک ما در کشورهای اسلامی

ملت‌های مسلمان عمق استراتژیک نظام جمهوری اسلامی‌اند... . تکیه‌گاه یک ملت به عمق استراتژیک اوست. نمی‌خواهند ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی از این حمایت و طرفداری که از او در کشورهای مختلف می‌شود – که البته بی‌نظیر هم هست – برخوردار باشد. شما در هیچ جا نمی‌بینید که در کشوری از رؤسای کشور دیگری، آحاد مردم – نه سیاسیون – تجلیل و احترام کنند؛ عکسشان را بلند کنند، نامشان را با هیجان بیاورند، جز جمهوری اسلامی. در کشورهای مسلمان هر جا بروید، آنجایی که رد پایی از جمهوری اسلامی هست، مردم نسبت به آن و نسبت به جمهوری اسلامی ابراز احساساتشان اینجوری است. دشمن این را نمی‌خواهد؛ دشمن نمی‌خواهد این ارتباط برقرار باشد. جمهوری اسلامی باید این را یکی از وظایف خودش بداند. این جزو آن شاخص‌های اصلی است.[۳]

دفاع از حقوق ملت در برابر مستکبران عالم

ما به هیچ کشور و هیچ ملتی تعرض نکرده‌ایم؛ ما از حقوق خود قدرتمندانه دفاع کرده‌ایم و باز هم دفاع می کنیم. این را همهٔ قدرتمداران و

۱- دیدار با هیأت دولت، ۱۳۹۵/۶/۳.
۲- دیدار با رئیس‌جمهور و هیأت دولت، ۱۳۸۷/۶/۲.
۳- دیدار با استادان و دانشجویان دانشگاه علم و صنعت،۱۳۸۷/۹/۲۴.

مستکبران عالم – به خصوص شیطان بزرگ، امریکا – بدانند؛ ملت ایران به هیچ قدرتی باج نخواهد داد. مسئولان کشور حق ندارند از حقوق ملت صرف‌نظر کنند. ما چنین حقی نداریم. جایگاه ما جایگاه دفاع از حقوق ملت است؛ بنابراین از حقوق سیاسی و اقتصادی‌شان باید دفاع کنیم.[۱]

پرهیز از مذاکره زیر سایهٔ تهدید

من نمی‌فهمم مذاکره در زیر شبح تهدید چه معنایی دارد؟ مذاکره کنیم زیر شبح تهدید! مثل اینکه یک شمشیری بالای سر [ما باشد]. ملت ایران این‌جوری نیست؛ ملت ایران مذاکرهٔ زیر سایهٔ تهدید را برنمی‌تابد. چرا تهدید می‌کنند؟ چرا غلط زیادی می‌کنند؟ می‌گوید اگر چنین نشود، چنان نشود، ممکن است ما حملهٔ نظامی به ایران بکنیم؛ اولاً که غلط می‌کنید؛ ثانیاً من در زمان رئیس‌جمهور قبلی امریکا – آن‌وقت هم تهدید می‌کردند – گفتم دوران بزن‌ودررو تمام شده؛ این‌جور نیست که شما بگویید می‌زنیم و درمی‌رویم؛ نخیر، پاهایتان گیر خواهد افتاد و ما دنبال می‌کنیم. این‌جور نیست که ملت ایران رها کند کسی را که بخواهد به ملت ایران تعرضی بکند؛ ما دنبال خواهیم کرد. این معنا را همه توجه داشته باشند؛ مذاکره‌کنندگان ما هم توجه داشته باشند؛ خطوط قرمز و خطوط اساسی که گفته شده است، همواره در نظرشان باشد که البته لابد هست، ان‌شاءالله مورد نظرشان هست و از این خطوط عبور نخواهند کرد.[۲]

فهمیدن معنای مذاکره با امریکا و تبعات آن

چون دولت امریکا دارای ثروت، دارای دستگاه‌های تبلیغاتی وسیع، دارای سلاح‌های خطرناک و دارای امکانات بسیاری است، کنار آمدن با دولت امریکا ناگزیر به‌معنای قبول تحمیل‌های آن دولت است. طبیعت توافق با امریکا همین است؛ همه‌جا همین‌جور است... . در همین توافق اخیر هسته‌ای هم اگرچه این توافق را ما تأیید کردیم و برگزارکنندگان این توافق را مورد

۱- مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری دکتر محمود احمدی‌نژاد، ۱۳۸۴/۵/۱۲.
۲- دیدار با جمعی از معلمان و فرهنگیان سراسر کشور، ۱۳۹۴/۲/۱۶.

قبول اعلام کردیم و قبول داریم آنها را لکن اینجا هم همین‌جور بود وزیر خارجهٔ محترم ما در مواردی به بنده گفت که ما [مثلاً] اینجا را یا این خط قرمز را دیگر نتوانستیم حفظ کنیم. معنای این همین است؛ یعنی وقتی طرف مقابل یک دولتی مثل امریکاست که وسایل تبلیغ دارد، امکانات دارد، پول دارد، دیپلماسی فعال دارد، عوامل گوناگونی در اطراف دنیا دارد، دولت‌هایی که به آنها فشار می‌آورد در اختیارش هستند، کنار آمدن با او به معنای صرف‌نظر کردن از برخی از چیزهایی است که انسان بر آنها پای می‌فشرد.[۱]

توجه به راه های فریب دشمن برای جلوگیری از خسارت محض

در همین توافقی هم که ما با امریکایی‌ها در قضیهٔ پنج به علاوهٔ یک و مسألهٔ هسته‌ای کردیم، امریکایی‌ها به آنچه وعده داده بودند عمل نکردند و کاری را که باید می‌کردند انجام ندادند. به تعبیر وزیر خارجهٔ محترم ما، روی کاغذ کارهایی را انجام دادند اما از راه‌های انحرافی متعدد، جلوی تحقق مقاصد جمهوری اسلامی را گرفتند... ؛ بنابراین، کسانی که امید می‌بندند به اینکه بنشینیم با امریکا در فلان مسأله مذاکره کنیم و به یک نقطهٔ توافقی برسیم –یعنی ما یک تعهدی بکنیم، طرف مقابل هم یک تعهدی بکند– از این غفلت می‌کنند که ما ناگزیر باید به همهٔ تعهدهای خود عمل کنیم [اما] طرف مقابل با شیوه‌های مختلف، با خدعه، با تقلب سر باز می‌زند و به تعهدهایی که کرده است عمل نمی‌کند. این چیزی است که ما امروز در مقابل چشم خودمان داریم می‌بینیم؛ یعنی خسارت محض.[۲]

پرهیز از اعتماد به بیگانگان

عمده این است که ما به خودمان اتکاء کنیم؛ اساس کار این است. به دیگران نمی‌شود اتکاء کرد، به بیگانگان نمی‌شود اتکاء کرد، نمی‌شود اعتماد کرد. من مکرر در دوران همین مذاکرات هسته‌ای –شاید چهار پنج مرتبه یا

۱- بیانات در حرم مطهر رضوی ، ۱۳۹۵/۱/۱.
۲- همان.

بیشتر– گفتم به امریکایی‌ها نمی‌شود اعتماد کرد. حالا هم ملاحظه می‌کنید و می‌بینید؛ حرف‌هایی که می‌زنند، اظهاراتی که می‌کنند و عملکردی که نشان می‌دهند، کاملاً امضای آن حرفی است که بنده آن‌وقت می‌زدم؛ یعنی واقعاً نمی‌شود به اینها اعتماد کرد.[۱]

ارتباطات سنجیدۀ بین المللی

نه اینکه ما با ارتباط با فلان کشور –حالا کشور اروپایی، کشور آسیایی، آفریقایی– مخالفیم؛ نه، آنهایی که با بنده کار کردند می‌دانند. بنده هیچ مخالفت که ندارم بلکه از اول مشوق این‌جور ارتباطات بودم، الآن هم هستم. الآن هم مسئولین دولتی را دائماً تشویق می‌کنم به افزایش ارتباطات. منتها ارتباطات با چه کسی؟ آن کسی که می‌خواهیم با او ارتباط بگیریم چه انگیزه‌ای دارد؟ ما در مقابل انگیزۀ او چه توانی داریم، اینها باید محاسبه بشود، بدون محاسبه که نمی‌شود. حرف این است.[۲]

لزوم توزیع متناسب توان دیپلماسی در دنیا

ما [باید] توان دیپلماسی خودمان را در سطح دنیا درست توزیع کنیم؛ یعنی سهم آسیا به تناسب وسعت و توانایی آسیا باید به آسیا داده بشود، سهم آفریقا همین‌جور، سهم امریکای لاتین همین‌جور؛ بنابراین [باید] دیپلماسی‌مان را خوب توزیع کنیم، متناسب توزیع کنیم.[۳]

پرهیز از اظهار ضعف در برابر دشمن

جنگ تحمیلی به‌خاطر این اتفاق افتاد که دشمن در ما احساس ضعف کرد. اگر دشمن بعثی و محرکینش خاطرجمع نبودند که سرِ چند روز به تهران خواهند رسید –آنها این‌جوری فکر می‌کردند– این جنگ انجام نمی‌گرفت؛ آنها در ما احساس ضعف کردند. احساس ضعف شما موجب تشویق دشمن به حملۀ به شماست؛ این یک قاعدۀ کلّی است. اگر می‌خواهید دشمن را از

۱– دیدار نوروزی با جمعی از مسئولان کشور، ۱۳۹۵/۱/۱۸.
۲– دیدار نوروزی باجمعی از مسئولان کشور، ۱۳۹۵/۱/۲۴.
۳– در دیدار با هیأت دولت، ۱۳۹۵/۶/۳.

تهاجم به خودتان منصرف کنید، سعی کنید اظهار ضعف نکنید. نمی‌گویم بدروغ بگوییم قوی هستیم [بلکه] می‌گویم قوت خودمان را آشکار کنیم. ما نقاط قوت زیادی داریم، این نقاط قوت را آشکار کنیم. اشتباه بزرگ بعضی از ماها در چالش اقتصادی بزرگی که امروز کشور دچار آن است این بود که در زمینۀ اقتصادی اظهار ضعف شد؛ دشمن دید که اینجا جایی است که می‌شود فشار آورد [لذا] فشار را زیاد کردند.[۱]

توجیه نکردن خیانت های دشمن

در مورد برجام، آن نکته‌ای که می‌خواهم بگویم این است که اولاً بدحسابی‌های طرف غربی را –یعنی به خصوص امریکا را– به حساب بیاوریم؛ مطلقاً درصدد این نباشیم که بدحسابی طرف مقابل را و بدقِلقی طرف مقابل را و خیانت طرف مقابل را یک‌جوری توجیه کنیم؛ این دارد بدحسابی می‌کند –الآن مشخص است، امریکایی‌ها دارند بدحسابی می‌کنند– این بدحسابی را به حساب بیاوریم، به این توجه کنیم.[۲]

استفاده از ظرفیت دیپلماسی در اقتصاد

نکتۀ سوم در زمینۀ مسائل دیپلماسی، استفاده از ظرفیت دیپلماسی برای اقتصاد است. دستگاه‌های اقتصادی با وزارت خارجی، در زمینۀ مسائل اقتصادی بایستی تعامل دائمی داشته باشند... ما شنیده‌ایم و دیده‌ایم مواردی را که [یکی از وزارتخانه‌های ایران] در کشوری دارد مذاکرۀ اقتصادی می‌کند [اما] وزارت خارجی اصلاً خبر ندارد! این ضرر است، این زیان محض است.[۳]

عبرت گرفتن از تجربۀ مذاکره با امریکا

جمهوری اسلامی تعهدات خودش را انجام داد [ولی] آن طرفِ بدقولِ بدعهدِ بدحساب دارد دبّه می‌کند؛ تا الآن دبّه کرده است. این یک تجربه است، این شد تجربه. حالا خیلی‌ها قبل از این تجربه هم می‌دانستند اما

۱– دیدار با مسئولان کاروان‌های راهیان نور، ۱۳۹۵/۱۲/۱۶.
۲– دیدار با هیأت دولت، ۱۳۹۵/۶/۳.
۳– همان.

بعضی هم که نمی‌دانستند حالا بدانند. در هر زمینهٔ دیگری هم که با امریکا شما بحث و مجادله کنید، شما کوتاه بیایید، تنازل کنید، باز او نقش مخرب خودش را حفظ خواهد کرد؛ در همهٔ زمینه‌ها: بحث حقوق بشر، بحث موشک، بحث تروریسم، بحث لبنان، بحث فلسطین؛ در هر قضیه‌ای که شما به فرض –که البته محال است– از اصول خودتان، از مبانی خودتان کوتاه بیایید، صرف‌نظر بکنید، بدانید او کوتاه نخواهد آمد؛ اول با زبان و با لبخند و با تبسم وارد میدان خواهد شد، بعد در عمل، کاری را که باید انجام بدهد، دبّه می‌کند و تعهد خودش را انجام نمی‌دهد.[۱]

دشمنی امریکا و انگلیس و اسراییل با ایران

اعتقاد ما این است که دشمنیِ رژیم جعلی و غاصب صهیونیستی یا دولت ایالات متحدهٔ امریکا با ما از اول تا حالا هیچ کم نشده... . اینکه بنده دارم می‌گویم دشمنی، نه اِخبار از غیب و نه خواب دیدن و نه تخیلات و توهمات است؛ نه واقعیت‌هایی است که جلوی چشم ماست. ممکن است اظهارات آنها جور دیگری باشد اما واقعیت‌های خارجی –آنچه محسوس و ملموس ماست– همان دشمنی را نشان می‌دهد و شاخص‌های دشمنی است، منتها با شیوه‌های خاص خودش... . دشمنی را فراموش نکنیم؛ حرف من این است.[۲]

دشمن کیست؟ دشمن، امروز مشخصاً عبارت است از امریکا، انگلیس، زرسالاران بین‌المللی، صهیونیست‌ها و دنباله‌هایشان؛ حالا دنباله‌هایشان خیلی اهمیتی ندارند، ارزشی ندارند که آدم اسم از آنها بیاورد؛ اصلی‌ها اینها هستند. امریکا دشمن است با جمهوری اسلامی، با ایران مستقل، با ایران روبه‌جلو و پیش‌رونده؛ انگلیس که مستعمرِ پیرِ ازکارافتادهٔ دورهٔ قبل است و حالا باز مجدداً به این منطقه می‌خواهد نفوذ کند، دشمن است؛ صهیونیست‌ها دشمنند؛ سرمایه‌داران بین‌المللی و زرسالاران بین‌المللی دشمنند؛ اینها دشمن‌های اصلی [هستند]... . وزیر خارجهٔ خوش‌اخلاق

۱- بیانات در سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، ۱۳۹۵/۳/۱۴.
۲- دیدار با رئیس جمهور و هیأت دولت، ۱۳۹۴/۶/۴.

امریکا در نامهٔ وداعیّهٔ خود توصیه می‌کند به دولت بعدی که به ایران سخت بگیرید، هرچه می‌توانید سخت‌گیری کنید، تحریم‌ها را حفظ کنید، نگه دارید، بدانید با سخت‌گیری می‌شود از ایران امتیاز گرفت کمااینکه ما گرفتیم (او می‌گوید) خب این دشمن است؛ حالا این دشمن، دشمن خندان است؛ یک دشمن بود که می‌آمد صریحاً می‌گفت که ایران محور شرارت است، او این را صریحاً نمی‌گوید اما رفتار او همین رفتار است. این شد دشمن.[۱]

دشمن دانستن امریکا

دشمن کیست؟ دشمن خودش را کاملاً لخت و عریان در مقابل چشم ما قرار داده؛ نیازی نداریم بگردیم دشمن را پیدا کنیم؛ دشمن، شبکهٔ استکبار و شبکهٔ صهیونیستی است؛ این دشمن است. شبکهٔ استکبار در رأسش دولت رژیم ایالات متحدهٔ امریکاست و شبکهٔ صهیونیستی هم مظهرش رژیم جعلی صهیونیستِ حاکم بر فلسطین اشغال‌شده است؛ این دشمن است. پنهان هم نمی‌کنند. امریکا دشمنی خودش را پنهان نمی‌کند. حالا ممکن است رئیس جمهور امریکا روز عید نوروز مثلاً سفرهٔ هفت سین هم پهن کند اما هواپیمای مسافری را هم می‌زنند؛ در کنگرهٔ امریکا همهٔ آنچه را ممکن است علیه جمهوری اسلامی به کار برود تصویب می‌کنند و رئیس جمهور امریکا هم همان را امضا می‌کند و اجرا می‌کند. مقام حرف و تعارف و گفتگو و لبخندِ دیپلماسی، مقام دیگری است.[۲]

لزوم شناخت دشمن و شیوه های دشمنی او

هم دشمن را باید شناخت، هم شیوه‌های دشمنی را. راه‌ورسم‌ها و سمت‌وسوهایی را که اینها برای دشمنی در نظر گرفته‌اند [همه] باید بدانند؛ مسئولین هم باید بدانند.[۳]

فریب نخوردن از ترفندهای امریکا

۱- دیدار با مردم قم، ۱۳۹۵/۱۰/۱۹.
۲- دیدار با مسئولان نظام جمهوری اسلامی ، ۱۳۹۵/۳/۲۵.
۳- دیدار با مردم قم، ۱۳۹۵/۱۰/۱۹.

من که می‌گویم دشمن، مقصودم دولت امریکاست؛ تعارف هم نمی‌کنیم. البته آنها می گویند که ما دشمن شما نیستیم، ما دوست [شما هستیم]. پیام نوروزی به مردم ما داده‌اند و برای جوان‌های ما دلسوزی کرده‌اند یا در کاخ سفید سفرهٔ هفت‌سین پهن می کنند! خب اینها بچه‌گول‌زنی است؛ کسی اینها را باور نمی کند. از آن‌طرف تحریم‌ها را حفظ می کنند، از آن‌طرف وزارت خزانه‌داری امریکا با طرقی که خودشان دارند و خودشان اقرار کرده‌اند، جوری عمل می کند که شرکت‌های بزرگ، بنگاه‌های بزرگ و بانک‌های بزرگ جرأت نکنند نزدیک بیایند و با جمهوری اسلامی معامله کنند؛ از آن‌طرف این کارها را می کنند –تحریم می کنند و تهدید می‌کنند– که دشمنی محض است... . ما با مردم امریکا مشکلی نداریم؛ ما با هیچ ملتی و با هیچ آحاد مردمی مشکل نداریم؛ ما با سیاست‌ها کار داریم، با سیاستمدارها کار داریم؛ آنها دشمن هستند... . وقتی می گوییم امریکا دشمن است، یک عده‌ای منزعج[1] می‌شوند که چرا می‌گویید دشمن؟ دشمن است؛ اینها دشمنی است.[2]

پرهیز از اعتماد به امریکا

دو سه روز قبل از این، یکی دیگرشان مجدداً گفت ما کاری می کنیم که سرمایه‌گذارها جرأت نکنند بروند ایران سرمایه‌گذاری کنند. اینکه بنده ده بار گفتم به امریکایی‌ها نمی‌شود اعتماد کرد، معنایش این است؛ اینکه می‌گوییم اینها غیر قابل اعتمادند، معنایش این است... . امریکا این است؛ در مقابل این دشمن نمی شود انسان چشم خود را ببندد. نمی شود انسان حمل بر صحت بکند. این [دربارهٔ] وفای به عهدشان و قابل اعتماد نبودنشان... . بعضی‌ها نگویند شما مدام امریکا را وادار می کنید و تحریک می کنید؛ نه، امریکا تحریک نمی خواهد، امریکا دشمن است. امریکا یک روز صاحب ایران بوده است، انقلاب آمده این [کشور] را از دستش بیرون آورده است؛ از پا نمی خواهد بنشیند تا وقتی‌که دوباره خودش را مسلط بکند. امریکا

۱- ناراحت و ناآرام
۲- بیانات در حرم مطهر رضوی ، ۱۳۹۵/۱/۱.

این است.[1]

هر فردی و هر جریانی که برای اسلام و به نام اسلام کار می‌کند، اگر به امریکا اعتماد کرد، خطای بزرگی مرتکب شده و سیلی‌اش را خواهد خورد؛ کما اینکه خوردند. در همین چند سال اخیر، جریان‌های اسلامی به‌خاطر مصلحت‌اندیشی، به‌خاطر عقل سیاسی –اسمش را می‌گذارند عقل– به‌خاطر تاکتیک که می‌گفتند این حرکت تاکتیکی است، با امریکایی‌ها رفیق شدند، به آنها اعتماد کردند، چوبش را خوردند، سیلی‌اش را خوردند و حالا دارند مصیبت‌هایش را تحمل می‌کنند. هرکسی با نام اسلام در جهت اسلام حرکت می‌کند، اگر به امریکا اعتماد بکند، خطای بزرگی مرتکب شده. ما البته دشمن‌های ریزودرشت زیادی داریم؛ دشمن‌های کوچک هم داریم، دشمن‌های حقیر هم داریم اما عمدهٔ دشمنی‌ها از سوی امریکا و از سوی انگلیس خبیث –انگلیسِ واقعاً خبیث است.[2]

۱- دیدار با مردم آذربایجان شرقی، ۱۳۹۴/۱۱/۲۸.
۲- بیانات در سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، ۱۳۹۵/۳/۱۴.

۸- نگاه عملی رئیس‌جمهور در سیاست داخلی

ارزیابی عملکرد دولت (۱۰۰-۰)	دولت جدید	روحانی	احمدی نژاد	خاتمی	هاشمی
۱. عمل بر اساس عزت، حکمت، مصلحت					
۲. استکبارستیزی ایجابی و نه انفعالی					
۳. توجه به عمق استراتژیک در کشورهای اسلامی					
٤. مقاومت در برابر زیاده‌خواهی‌ها					
٥. دیپلماسی با تحرک بالا و با محتوا					
٦. اظهار ضعف نکردن در برابر دشمن					
۷. فهم دشمنی دشمنان و توجیه نکردن اقدامات آنان علیه ایران					
۸. مذاکره نکردن زیر سایه تهدید					
۹. اعتمادنداشتن به مستکبرین و توجه به راه‌های فریب آنان					
۱۰. توزیع توان دیپلماسی در دنیا					
۱۱. استفاده از ظرفیت دیپلماسی در اقتصاد					

دقت زیاد در انتخاب وزرا و مدیران

این توصیه را مؤکد می‌کنم که گزینش همکاران مهم است. البته در سطح وزرا، رعایت و دقت زیادی می‌شود. هم رئیس جمهور محترم، هم مجلس محترم، جوانب کار را خیلی می‌سنجند و رعایت می‌کنند اما به این‌جا، اکتفا نشود... یکایک معاونین را، یکایک مدیران را، یکایک مسئولین سراسر کشور را در بخش خودتان با معیارهای الهی انتخاب کنید: کاردان، لایق، متدین، پاک و آراسته به خصوصیاتی که برای یک مدیر لازم است.[۱]

استفاده نکردن از فتنه گران برای انجام امور

از عناصری که نامطمئن بودن خودشان را اثبات کردند، مطلقاً استفاده نکنید؛ بعضی‌ها هستند که نشان دادند و ثابت کردند که عناصر نامطمئنی‌اند. برای چه کسی نامطمئنند؟ برای شخص حقیر؟ نه، من که خیلی راحتم در برخورد با این و آن؛ با همه‌جور آدمی می‌توانم برخورد کنم؛ ارتباط‌گیری من خوب است؛ می‌تواند کسی با من هیچ مشکلی نداشته باشد، جز از لحاظ عقیده. بی‌اعتمادی خودشان را برای نظام ثابت کردند، برای کشور ثابت کردند، برای جمهوری اسلامی ثابت کردند؛ هم برای اسلامیتش، هم برای جمهوریتش. همین‌هایی که سال ۸۸ آن بازی را راه انداختند، خب اینها با جمهوریت نظام جمهوری اسلامی مخالفت کردند، بدون هیچ منطقی، بدون هیچ حرف قابل قبول و پسندیده‌ای در مقابل آدم‌های باانصاف. اینها نامطمئنند؛ من استفاده از اینها را مطلقاً توصیه نمی‌کنم.[۲]

لزوم تبرّی از فتنه‌گران

مسألهٔ فتنه و فتنه‌گران از مسائل مهم و از خطوط قرمز است که آقایان وزرا باید همان‌گونه که در جلسهٔ رأی اعتماد خود بر فاصله‌گذاری با آن تأکید کردند، همچنان بر آن پایبند باشند.[۳]

من بارها گفته‌ام که برای من این تقسیمات اصول‌گرا و اصلاح‌طلب و

۱- مراسم تنفیذ حکم دورهٔ دوم ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۲/۵/۱۲.
۲- دیدار با جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۴/۴/۲۰.
۳- دیدار با هیأت دولت، ۱۳۹۳/۶/۵.

اصلاح‌طلب مدرن و سنتی و از این حرف‌هایی که می‌زنند، مطرح نیست؛ من به این اسم‌ها اصلاً اهمیتی نمی دهم و توجه ندارم؛ به محتواها کار دارم اما روی مسألهٔ فتنه حساسم. حالا البته اکثر کسانی که در آن تظاهرات شرکت داشتند مردم معمولی بودند و هیچ تقصیری هم نداشتند اما عده‌ای سردمداری می‌کردند، یک عده هم سوءاستفاده کردند و گفتند «انتخابات بهانه است، اصل نظام نشانه است»؛ دیگر از این صریح‌تر؟ آیا این شعار داده شد یا نه؟ خب اگر این شعار داده شده، تبرّی از این شعار، آن روز هم لازم بود و باید می‌کردند که نکردند. حالا هم عده‌ای از آنها حمایت بکنند، آن‌وقت دم از امام و طرفداری از امام و طرفداری از نظام و طرفداری از انقلاب هم بزنند! این نمی‌شود، این قابل قبول نیست. این پدیدهٔ بسیار بدی است، پدیدهٔ زشتی است، این پدیده را ما اصلاً نمی‌پسندیم.[۱]

پرهیز از آشتی با فتنه گران

حالا عده‌ای یاد گرفته‌اند تعبیرات «آشتی ملی، آشتی ملی» [را گفتن]؛ این حرف‌ها به نظر من معنی ندارد؛ مردم مجتمعند، با هم متحدند؛ آنجایی که پای اسلام در میان است، پای ایران در میان است، پای استقلال در میان است، پای ایستادگی در مقابل دشمن در میان است، مردم با همهٔ وجودشان ایستاده‌اند. ممکن است در فلان مسألهٔ سیاسی دو نفر با هم اختلاف نظر داشته باشند [اما] تأثیری نمی گذارد. چرا می گویید آشتی؟ مگر قهرند که بیایند با هم آشتی کنند؟ این تعبیرات را روزنامه‌ها پَروبال می‌دهند، متوجه نیستند که اشکال ایجاد می‌کند. وقتی شما می‌گویید آشتی، مثل این است که قهری وجود دارد [درحالی‌که] قهری وجود ندارد. بله، مردم ما با آن کسانی که به روز عاشورا اهانت کردند قهرند. ملت با آنهایی که روز عاشورا، با قساوت، با لودگی، با بی‌حیایی آمدند جوان بسیجی را در خیابان لخت کردند و کتک زدند، قهر است. با اینها آشتی هم نمی‌کنیم و با آن کسانی که با اصل انقلاب بدند، می‌گویند اصل نظام هدف ماست، می‌گویند انتخابات بهانهٔ ماست که البته آنها عدهٔ معدودی‌اند، عدهٔ کمی‌اند؛ در مقابل

۱- دیدار با جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۵/۴/۱۲.

اقیانوس عظیم ملت ایران آنها یک قطره‌اند؛ چیزی نیستند. این اقیانوس با یکدیگر منسجم و متحد است؛ این اتحاد وجود دارد و باید وجود داشته باشد و روزبه‌روز باید تقویت بشود.[۱]

پرهیز مسئولان از اشرافی‌گری

آفت بزرگ ما اشرافی‌گری و تجمل‌پرستی است؛ فلان مسئول اگر اهل تجمل و اشرافی‌گری باشد، مردم را به سمت اشرافی‌گری و به سمت اسراف سوق خواهد داد... . یکی از اساسی‌ترین کارها برای اینکه ما جلوی اسراف را بگیریم این است که مسئولین کشور، خودشان، کسانشان، نزدیکانشان و وابستگانشان، اهل اسراف و اهل اشرافی‌گری نباشند.[۲]

یکی از شعارهای خوب... مسألهٔ ساده‌زیستی است. این شعار، شعار بسیار مهمی است؛ این را نباید دست‌کم گرفت. یک وقت هست که ما در زندگی شخصی خود مثلاً حرکت اشراف‌گونه‌ای داریم بین خودمان و خدا که اگر حرام باشد، حرام است؛ اگر مکروه باشد، مکروه است؛ اگر مباح باشد، مباح است اما یک وقت هست که ما جلوی چشم مردم مانور اشرافی‌گری می‌دهیم؛ این دیگر مباح و مکروه ندارد؛ همه‌اش حرام است؛ به‌خاطر این‌که تعلیم‌دهندهٔ اشرافی‌گری است به اولاً زیردست‌های خودمان، ثانیاً آحاد مردم به این کار تشویق می‌شوند. ما نباید مردم را به این کار تشویق کنیم.[۳]

ساده‌زیستی چیز بسیار باارزشی است. ما اگر بخواهیم تجمل و اشرافی‌گری و اسراف و زیاده‌روی را که واقعاً بلای بزرگی است از جامعه‌مان ریشه‌کن کنیم، با حرف و گفتن نمی‌شود که از یک طرف بگوییم و از طرف دیگر مردم نگاه کنند و ببینند عملمان جور دیگر است! باید عمل کنیم. عمل ما بایستی مؤید و دلیل و شاهد بر حرف‌های ما باشد تا اینکه اثر بکند.[۴]

۱- دیدار با مردم آذربایجان شرقی، ۱۳۹۵/۱۱/۲۷.
۲-دیدار با مردم استان کردستان در میدان آزادی سنندج ، ۲/۲۲/ ۱۳۸۸.
۳- دیدار با هیأت دولت، ۱۳۸۴/۶/۸.
۴- دیدار رئیس‌جمهور و هیأت دولت، ۱۳۸۷/۶/۲.

غالب کردن روحیهٔ حزب اللهی در محیط کار

در محیط وزارتخانه، آن جوّ حزب‌اللّهی را غالب کنید. با همان بارِ معنایی که کلمهٔ حزب‌اللّهی دارد. باید آدم‌های متدین بر سرنوشت تشکیلات حاکم باشند... . به خصوص، در سطوح بالای مدیریت و نیز کارشناسی‌هایی که خط‌دهنده هستند، باید افرادی باشند با روحیهٔ انقلابی و اسلامی عمیق. این، آن اساس کار است که اگر شد، به اعتقاد بنده تمام هدف‌هایی که در سخنرانی‌ها و بیاناتتان اظهار کرده‌اید، تحقق می‌پذیرد.[۱]

تربیت نیرو برای مسئولیت ها

من به مسئولان یک بخشی گفتم که وظیفهٔ اول شما این است که هر کدام برای خودتان یک جانشین یا تربیت کنید یا فکر کنید و پیدا کنید؛ چون اگر یک روز خدای نکرده در راه، پای شما وارد چاله‌ای شد و شکست، کار ما لنگ نماند. بعضی کسان این کار را نمی‌کنند تا مبادا برای خودشان هوو درست شود! غافل از این‌که اگر قرار شد هوو درست شود، یکی از موجبات آن همین است که آدم نتوانسته این کار را بکند. پس افراد ذخیره داشته باشید و آنها را روی نیمکت بنشانید.[۲]

پرهیز از تشنج سیاسی

نصیحت پنجم، پرهیز از تشنج سیاسی است. گاهی بعضی از اعضای دولت یک کلمه حرف می‌زنند یا موضعی اتخاذ می‌کنند، بعد می‌بینید که یک مسألهٔ سیاسی در کشور درست می‌شود. یک حرف بیخودی که لزومی نداشت گفته شود، گفته می‌شود... . هرچه فضای کشور از تهیج سیاسی دورتر باشد، شما بهتر می‌توانید کار کنید. شما نگذارید آن فضا به وجود آید.[۳]

لزوم حفظ وحدت داخلی

سرگرم شدن به اختلافات در داخل کشور، اختلافات فرعی و اختلافات

۱- دیدار با هیأت دولت در آغاز کار دورهٔ دوم ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۲/۶/۳.
۲- دیدار با رئیس جمهور و هیأت دولت، ۱۳۸۰/۶/۵.
۳- همان.

سطحی، ما را سرگرم بکند، در مقابل هم قرار بدهد، تعارض به وجود بیاورد، ما را از مسائل اصلی و از خطوط اصلی غافل بکند، یکی از مصادیق آن چالش اصلی است که عرض شد. از دست دادن انسجام ملت از چالش‌های ماست.[۱]

پرهیز از اختلافات سیاسی

مردم از دعواهای سیاسی و اختلافات سیاسی و من خوبم و تو بدی خسته‌اند.[۲]

اخلاق سیاسی، منش امیرالمومنین؟ع؟

[حضرت علی] در مقام مقایسهٔ معاویه با خودش– چون معاویه به دهاء و مکر در حکومت معروف بود– به حسب آنچه نقل شده، فرمود: و اللّه ما معاویة بأدهی منّی[۳]؛ معاویه از من زرنگ‌تر نیست. منتها علی چه کند؟ وقتی بنای بر رعایت تقوا و رعایت اخلاق دارد، دست و زبانش بسته است. روش امیرالمؤمنین این است. تقوا که نبود، دست و زبان انسان باز است، می‌تواند همه چیز بگوید، خلاف واقع می‌تواند بگوید، تهمت می‌تواند بزند، دروغ به مردم می‌تواند بگوید، نقض تعهدات می‌تواند بکند، دل‌بستگی به دشمنان صراط مستقیم می‌تواند پیدا کند. وقتی تقوا نبود، این‌جوری است. امیرالمؤمنین می‌فرماید: من سیاست را با تقوا انتخاب کردم، با تقوا اختیار کردم؛ این است که در روش امیرالمؤمنین، مکاری و حیله‌گری و کارهای کثیف و این چیزها وجود ندارد؛ پاکیزه است.[۴]

رعایت اخلاق سیاسی

بنده اینجا در منبر نماز جمعه، در خطبه‌ای که در حکم نماز است، حقایق را باید بیان بکنم. هر دو طرف در این عیب متأسفانه مشترک بودند. از یک طرف صریح‌ترین اهانت‌ها به رئیس‌جمهور قانونی کشور شد. حتی از دو سه ماه قبل از مناظرات هم این سخنرانی‌ها را برای من می‌آوردند و من

۱- بیانات در سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، ۱۳۹۳/۳/۱۴.
۲- دیدار با اقشار مختلف مردم، ۱۳۸۴/۳/۲۵.
۳ نهج البلاغه، خطبهٔ ۲۰۰
۴- خطبه‌های نماز جمعهٔ تهران، ۱۳۸۸/۶/۲۰.

می‌دیدم یا گاهی می‌شنیدم؛ تهمت‌هایی زدند، حرف‌هایی گفتند؛ به کی؟ به کسی که رئیس‌جمهور قانونی کشور است، متکی به آرای مردم است. نسبت‌های خلاف دادند. رئیس‌جمهور مملکت را که مورد اعتماد مردم است، به دروغ‌گویی متهم کردند! این‌ها خوب است؟ کارنامه‌های جعلی برای دولت درست کردند، اینجا آنجا پخش کردند که ما که در جریان امور هستیم، می‌دانیم این‌ها خلاف واقع است؛ فحاشی کردند؛ رئیس‌جمهور را خرافاتی، رمال، از این نسبت‌های خجالت‌آور دادند؛ اخلاق و قانون و انصاف را زیر پا گذاشتند.[۱]

قضیه‌ای در مجلس پیش آمد؛ قضیهٔ بدی بود، قضیهٔ نامناسبی بود؛ هم ملت را ناراحت کرد، هم نخبگان را ناراحت کرد. بندهٔ حقیر هم از دو جهت ناراحت شدم: هم خودم در مقابل این قضایا احساس تأثر می‌کنم؛ هم به‌خاطر ناراحتی مردم، انسان احساس تأثر می‌کند. رئیس یک قوه به استناد یک اتهام ثابت نشده و مطرح نشده در دادگاه، دو قوهٔ دیگر را متهم کرد؛ این کار بدی بود، این کار نامناسبی بود؛ این‌جور کارها، هم خلاف شرع است، هم خلاف قانون است، هم خلاف اخلاق است، هم تضییع حقوق اساسی مردم است. یکی از حقوق اساسی مهم مردم این است که در آرامش روانی و در امنیت روانی زندگی کنند؛ در کشور امنیت اخلاقی برقرار باشد. اگر فردی متهم به فساد است، نمی‌شود به‌خاطر او انسان دیگران را متهم کند؛ حتی اگر ثابت هم می‌شد، چه برسد به اینکه ثابت نشده است؛ دادگاهی نرفته، محاکمه‌ای نشده. به استناد متهم کردن یک نفر، انسان بیاید دیگران را، مجلس را، قوهٔ قضائیه را متهم کند؛ این کار درست نیست، این کار غلط است.[۲]

حرام بودن حضور وزرا در کار حزبی

به نظر من آقایانِ وزرا هم نباید وقت خود را در کارهای حزبی صرف کنند. زمان آقای هاشمی وقتی حزب آقایان کارگزاران درست شد، یکی

۱- خطبه‌های نماز جمعهٔ تهران، ۱۳۸۸/۳/۲۹.
۲- دیدار با مردم آذربایجان در آستانهٔ سالروز قیام ۲۹ بهمن ۱۳۵۶ مردم تبریز ، ۱۳۹۱/۱۱/۲۸.

از اشکالات اساسی که من به کار آنها گرفتم و به آنها گفتم، این بود... . باید بدانید که این مقدار همت و وقت، متعلق به دولت است. وزیر که در وزارتخانه هشت ساعت کار ندارد؛ وزیر، تمام وقت در اختیار وزارتخانه است. اگر شما همت و نشاط حرف زدن و فکر کردنتان را جای دیگری صرف کردید، در حقیقت وقت وزارتخانه را غصب کرده‌اید. این فعلِ حرام است.[۱]

انتخاب مدیران مؤمن به حق مردم و کارایی نظام

همکاران خودش را از کسانی که مؤمن به حق مردم و مؤمن به کارایی نظام جمهوری اسلامی هستند، انتخاب کند.[۲]

لزوم تعامل با قوای دیگر

تعامل با دو قوهٔ دیگر هم یکی از توصیه‌هاست. تعامل با مجلس و تعامل با قوهٔ قضائیه، کار لازمی است؛ این را مطلقاً نباید ندیده گرفت. البته ممکن است در این راه تلخی‌ها و مشکلاتی وجود داشته باشد ولی باید تحمل کرد؛ بهتر است.[۳]

مسألهٔ وحدت و انسجام ملی هم به نظر من چیز خیلی مهمی است؛ ما این‌قدر این قضیه را تکرار کردیم که کأنّه الفاظ دارد خاصیت‌های خودش را در افادهٔ معنا از دست می‌دهد! ما باید همه یک حرف بزنیم. مسئولین باید جهت‌گیری‌ها را دقیق و منطبق بر یکدیگر قرار بدهند؛ این به عهدهٔ همه است. تقصیرها را هم گردن یکدیگر نیندازیم... . ما نباید تعامل قوا با یکدیگر را دست‌کم بگیریم. البته مخاطب این حرف، فقط قوهٔ مجریه نیست؛ قوهٔ قضائیه و قوهٔ مقننه هم مخاطب این قضیه‌اند.[۴]

ایجاد نظام تعامل با نخبگان

مسألهٔ بعدی، تعامل نظام‌مند با نخبگان و اهل نظر – حتی مخالفین – است؛ با اینها هم باید تعامل کرد. نخبگان جامعه را نباید فراموش کرد... .

۱- دیدار با رئیس جمهور و هیأت دولت، ۱۳۸۰/۶/۵.
۲- دیدار با اقشار مختلف مردم، ۱۳۸۴/۳/۲۵.
۳- دیدار با رئیس جمهور و هیأت دولت، ۱۳۸۷/۶/۲.
۴- دیدار با رئیس‌جمهور و هیأت دولت، ۱۳۹۱/۶/۲.

گاهی نخبگان نظرات اصلاحی دارند که بایستی از اینها استفاده کرد؛ یعنی همچنانی که گفته می‌شود که «همه چیز را همگان دانند»، «همه کار را هم همگان توانند» واقعش این جوری است. از نظرات و از نیرو و از کار همهٔ نیروهاستفاده بشود.[۱]

پرهیز از دادن بهانه به دیگران

بایستی توجه کنید که بهانه هم دست دیگران ندهید؛ مراقبت کنید؛ حزم کنید... . خلاصه اینکه مواظب باشید، مراقبت کنید؛ «اتّقوا من مواضع التّهم»؛ برای خودتان و برای دولت مسأله درست نکنید و برای جنجال‌آفرینی‌ها که کسانی دنبالش هستند بهانه ندهید.[۲]

روش صحیح در برخورد با مخالفان و منتقدان

مخالفینی هستند، نظراتی دارند، نظرات خودشان را بیان می‌کنند؛ نظام برخورد نمی‌کند. بنای نظام در اینجا، جذب حداکثری و دفع حداقلی است. این، روش نظام است.[۳]

از وجود مخالف نه باید انسان تعجب بکند، نه باید خشمگین بشود، نه باید بیمناک بشود؛ هیچ‌کدام از این سه حالت در قبال مخالف، قابل قبول نیست. اگر انسان از داشتن مخالف تعجب بکند، معنای آن این است که نسبت به خودش خیلی خوش‌بین است؛ تعجب می‌کند که کسی با او مخالف باشد. تعجب ندارد! خب، هر انسانی، هر فکری، هر جهتی و جهت‌گیری و جریانی، یک عده مخالف دارد. این‌جور هم نیست که بگوییم آن مخالف‌ها خطا می‌کنند؛ نه، نقاط ضعفی وجود دارد و آن نقاط ضعف موجب می‌شود عده‌ای مخالفت بکنند؛ بنابراین وجود مخالف نباید تعجب ما را برانگیزد؛ همچنان‌که نباید خشم ما را برانگیزد و عصبانی بشویم که چرا با ما مخالفند؛ مخالفت قابل فهم است، قابل قبول است. وحشت هم نباید بکنیم، وحشت کردن از وجود مخالف، نشان‌دهندهٔ این است که انسان به استحکام موضع

۱- دیدار با رئیس جمهور و هیأت دولت، ۱۳۸۷/۶/۲.
۲- همان.
۳- خطبه‌های نماز جمعهٔ تهران، ۱۳۸۸/۶/۲۰.

خودش خاطرجمع نیست و اطمینان ندارد؛ نه، منطقی داریم، پایه‌های این منطق را محکم می‌کنیم، مستحکم می‌کنیم، وارد میدان رقابت گفتمانی می‌شویم و بحث می‌کنیم.[۱]

به مسئولان کشور در سه قوه این را تأکید می‌کنم که آنها هم باید با منتقدین خود و با کسانی که از آنها انتقاد می‌کنند رفتار مناسبی داشته باشند، آنها را تحقیر نکنند، به آنها اهانت نکنند؛ تحقیر مخالفان از سوی مسئولان، خلاف تدبیر و خلاف حکمت است. من مردم عزیزمان را به بی‌تفاوتی دعوت نمی کنم، به نظارت نکردن دعوت نمی کنم؛ آنها را به اهتمام در مسائل اساسی کشور دعوت می کنم اما اصرار می کنم که برخوردها نه از سوی مردم نسبت به مسئولین و نه از سوی مسئولین نسبت به منتقدین، تخریبی نباید باشد؛ نه تحقیر باشد، نه اهانت باشد. ممکن است در قضیه‌ای، عده‌ای دغدغه داشته باشند؛ دغدغه داشتن جرم نیست؛ دلواپس بودن جرم نیست. می‌توانند کسانی حقیقتاً نسبت به یک مسألهٔ مهم و حساس کشور، احساس دلواپسی و دغدغه‌مندی کنند؛ هیچ مانعی ندارد اما این به‌معنای متهم کردن نباشد، به‌معنای نادیده گرفتن زحمات و خدمات نباشد. از آن طرف هم دولت و طرفداران دولت به کسانی که ابراز دغدغه و دلواپسی می‌کنند، بایستی اهانتی نکنند.[۲]

خردگرایی و پرهیز از اظهارات نسنجیده در امور دولتی

شاخص دیگر، مسألهٔ حکمت و خردگرایی در کارهاست؛ کار کارشناسی، مطالعهٔ درست، ملاحظهٔ جوانب و آثار و تبعات یک اقدام و حتی گاهی ملاحظهٔ تبعات یک اظهارنظر. گاهی یک اظهارنظر از سوی یک مسئولِ دارای جایگاه و به اصطلاح دارای تریبون، دارای منبر، تأثیرات سوئی می‌گذارد که این تأثیرات را اگر انسان بخواهد برطرف کند، مبالغی بایستی کار کند؛ همان قضیهٔ سنگ توی چاه است؛ واقعاً مشکلات ایجاد می‌کند. بایستی سنجیده اظهارنظر کرد؛ این‌جور نباشد که ما حالا یک مدیری

۱- دیدار با دانشجویان، ۱۳۹۳/۵/۱.
۲- بیانات در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۴/۱/۱.

هستیم، یک مسئولی هستیم، دربارهٔ مسأله‌ای یک مطلبی به ذهنمان می‌رسد، کارشناسی نشده، بررسی نشده، جوانبْ دیده نشده، این را نباید پرتاب کرد در فضای افکار عمومی؛ گاهی اوقات جمع کردنش کار سخت و مشکلی است. این، خردگرایی و حکمت در مدیریت‌ها و در کارهاست و از جملهٔ شقوق همین حکمت، استفاده از ظرفیت بالای کارشناسی است در مسائل کشور که خوشبختانه ما در زمینهٔ کارشناسی، امروز ظرفیت خیلی خوبی در کشور داریم.[۱]

مغتنم دانستن نصایح نخبگان دینی و علمی

نصیحت علمای دینی را قدر بدانید، مغتنم بشمارید. گاهی علمای دین، بزرگان دین، مراجع، نصایحی می‌کنند، دربارهٔ مسائلی توصیه‌هایی می‌کنند؛ این را مغتنم بشمرید؛ این‌ها را حمل بر محبت و علاقه‌مندی بکنید. ما می‌دانیم آقایان، بزرگان علمایی که هستند– حالا گوشه کنار کسانی برخلاف این معنا باشند، مورد محاسبهٔ ما نیست– و امروز در مناطق مختلف، در مراکز حوزه‌های علمیهٔ بزرگ و در شهرستان‌ها هستند، این‌ها همه طرفدار نظام جمهوری اسلامی و قدردان نظام جمهوری اسلامی‌اند. می‌بینند که نظام جمهوری اسلامی چقدر در جهت پیشرفت اهداف اسلامی کار کرده و دارد کار می‌کند و تلاش می‌کند. تلاش‌های شما را هم می‌بینند، کمک‌های شما و خدمات شماها را هم دارند مشاهده می‌کنند. یک‌وقت توصیه‌ای می‌کنند، از روی علاقه‌مندی است، از روی دلسوزی است؛ این‌ها را خیلی باید قدر دانست. همچنین نخبگان دانشگاه‌ها هم همین‌جور.[۲]

پرهیز از استفاده از ادبیات دشمن

من این مسأله را به خصوص به دوستان و برادران محترم خودمان در مشاغل گوناگون سیاسی و دولتی و غیر دولتی و مانند اینها تأکید می‌کنم؛ از ادبیات دشمن استفاده نکنید. دشمنان انقلاب از روز اول آمدند تعبیر ادبیات

۱- دیدار با هیأت دولت، ۱۳۹۲/۶/۶.
۲- دیدار با هیأت دولت، ۱۸/ ۶/ ۱۳۸۸.

تندرو و میانه‌رو را مطرح کردند؛ فلانی تندرو است، فلان جریان تندرو است، فلان جریان میانه‌رو است. آن روز، از همه تندروتر هم از نظر آنها امام بزرگوار بود؛ امروز هم از همه تندروتر، به نظر آنها این بندهٔ حقیر هستم. میانه‌رو حرف قشنگی است اما اسلام این‌جوری حرف نمی‌زند؛ بفهمیم معارف اسلامی را. اسلام، طرفدار میانه و طرفدار «وسط» است: وَ كَذٰلِكَ جَعَلنٰكُم أُمَّةً وَسَطًا[1]. اما «وسط» در اسلام چیست؟ در مقابل تندرو است؟ نه، «وسط» در مقابل منحرف است: اَلیَمینُ وَ الشِّمالُ مَضَلَّةٌ وَ الطَّریقُ الوُسطیٰ هِیَ الجادَّةُ[2]؛ این نهج‌البلاغه است. راه میانه یعنی راه مستقیم، راه جاده. اگر از این راه مستقیم منحرف شدید –چه به این طرف و چه به آن طرف– این غیر میانه است. پس در مقابل میانه‌رو تندرو نیست؛ در مقابل میانه‌رو منحرف است... . در ادبیات سیاسی امریکا و انگلیس و امثال اینها معنای تندرو و میانه‌رو این است: تندرو کسی است که پایبند انقلاب است، میانه‌رو کسی است که در مقابل خواسته‌های آنها تسلیم است. حالا چه کسی در مقابل آنها تسلیم است؟ خوشبختانه خودشان هم اعتراف دارند و می‌گویند در ایران میانه‌رو نداریم، همه تندروند. این حرف حرف درستی است؛ در ملت ایران هیچ‌کس طرفدار وابستگی به اینها نیست.[3]

لزوم حفظ خطوط فاصل با دشمن

خطوط فاصل با دشمن باید در نظر باشد و برجسته باشد. نگذارید خطوط فاصل با دشمنی که با انقلاب دشمن است، با نظام دشمن است، با امام دشمن است، کم‌رنگ بشود. بعضی از جریان‌های داخل کشور ما از این نقطه غفلت کردند، خطوط مرزی خودشان را با دشمن حفظ نکردند، [خطوطشان] ضعیف شد، کمرنگ شد؛ مثل خطوط مرزی کشور، اگر خط مرزی نباشد، از آن‌طرف ممکن است کسی اشتباهاً بیاید این‌طرف، از این‌طرف ممکن است کسی اشتباهاً برود آن‌طرف؛ خطوط مرزی را حفظ کنید.[4]

۱- وبدین گونه شما را امتی میانه قرار دادیم(بقره ،۱۴۳).
۲- نهج البلاغه، خطبهٔ ۱۶
۳- دیدار با مردم نجف آباد ، ۱۳۹۴/۱۲/۵.
۴- بیانات در سالگرد ارتحال امام خمینی (ره)، ۱۳۹۵/۳/۱۴.

حمایت ارزشی از جوانان انقلابی

بنده به جوان انقلابی متدین ارادت دارم، [حمایت از] این جوان‌هایی که در سطح کشور هستند وظیفهٔ ماست. ما نمی‌توانیم از لحاظ ارزشی، یکسان بدانیم آن جوانی را که جوانی‌اش را، توانش را، نیرویش را، انگیزه‌اش را صرف اهداف عالیهٔ کشور می‌کند، با آن جوانی که دنبال شهوت‌رانی و اشرافی‌گری و مانند اینهاست. از لحاظ حقوق اجتماعی همه‌شان یکسانند اما از لحاظ ارزشی به‌هیچ‌وجه یکسان نیستند؛ آن جوانی که کار می‌کند، تلاش می‌کند وقت خودش را، نیروی خودش را، گاهی اوقات پول ناچیز خودش را صرف هدف‌ها می‌کند، صرف مجاهدت می‌کند، خب معلوم است اینها یک‌جور نیستند. بنده از آنها همیشه حمایت کرده‌ام، بعد از این هم حمایت خواهم کرد.[1]

لزوم ارائهٔ آمار صحیح و دستکاری نکردن آمارها

گاهی مراکز مختلف درخصوص نرخ بیکاری یا نرخ تورم و رشد اقتصادی، آمارهای متفاوتی بیان می‌کنند که موجب ایجاد بی‌اعتمادی در مردم می‌شود... . باید منشأ این دوگانگی‌ها مشخص شود؛ یعنی یا در آن دوره در بیان آمارها اشکالی وجود داشته است یا در دورهٔ پس از آن و در هرصورت، دستکاری در آمارها که در معرض قضاوت مردم فهیم نیز قرار دارد، گناهی کبیره است.[2]

۱- دیدار با مسئولان نظام، ۱۳۹۵/۳/۲۵.
۲- دیدار با مسئولان ستاد سرشماری نفوس و مسکن، ۱۳۹۵/۶/۲۳.



۹- نگاه عملی رئیس‌جمهور مردم

ارزیابی عملکرد دولت (۱۰۰-۰)	دولت جدید	روحانی	احمدی نژاد	خاتمی	هاشمی
۱. نکشاندن اختلافات به سطح مردم					
۲. شفاف کردن مرزهای خود با فتنه گران					
۳. شایسته سالاری نه رابطه سالاری					
٤. عصبانی نشدن و برخورد منطقی با منتقدان					
٥. ایجاد نظام تعاملی با نخبگان					
٦. هیأت وزیران و مدیران ساده زیست					
۷. حضور مدیران متدین و انقلابی در رأس انواع تشکیلات					
۸. تربیت مدیران جوان و انقلابی					
۹. تعامل با سایر قوا					
۱۰. پرهیز از کار حزبی وزرا					
۱۱. پرهیز از تشنج سیاسی					
۱۲. توجه به نفوذ و استفاده نکردن از ادبیات دشمن					
۱۳. حمایت از جوانان انقلابی					
۱٤. ارائه آمار صحیح					

لزوم اعتقاد و اعتماد به مردم

اعتقاد به ارادهٔ مردم و نیروی مردم و مخالفت با تمرکزهای دولتی از جملهٔ خطوط اصلیِ حرکت امام است. در آن‌روزها سعی می شد به‌خاطر یک برداشت نادرست، همهٔ کارهای اقتصادی کشور به دولت موکول و وابسته شود. امام بارها و بارها هشدار می داد – و این هشدارها در بیانات ایشان به‌طور واضح منعکس است – که این مسائل را به مردم بسپارید؛ اعتماد به مردم داشت در مسائل اقتصادی، اعتماد به مردم داشت در مسائل نظامی... در مسائل اقتصادی، تکیه به مردم؛ در مسائل نظامی، تکیه به مردم؛ در مسائل سازندگی کشور، تکیه به مردم که جهاد سازندگی را به راه انداخت؛ در مسائل تبلیغات، تکیه به مردم؛ بالاتر از همه مسألهٔ انتخابات کشور و آرای مردم در مدیریت کشور و تشکیلات نظام سیاسی کشور.[۱]

یکی از چالش‌ها تردید در توانایی‌های درونی است؛ [اینکه] به جوان دانشمند خودمان اعتماد نکنیم، به مجموعه‌های مردمی و غیر دولتی در امور اقتصادی اعتماد نکنیم، یکی از چالش‌هاست. بایستی اعتماد کرد، بایستی مردم را وارد جریان عظیم اقتصادی کشور کرد.[۲]

ترجیح منافع مردم بر منافع گروه‌های خاص

جاهایی است که اگر اقدامی را در زمینهٔ صنعت، در زمینهٔ مسائل اقتصادی، در زمینهٔ مسائل پولی، در زمینهٔ مسائل فرهنگی و در زمینهٔ مسائل گوناگون انجام دهیم، به نفع مردم است اما گروه‌های خاصی در جامعه هستند – گروه‌های پولی، مالی، اقتصادی، ثروتمندان، گروه‌های فرهنگی و گروه‌های سیاسی – که اینها متضرر خواهند شد... . این، جای همان فرمایش امیرالمؤمنین؟ع؟ است... . اگر یک وقت مردم خشمگین بودند، خشنودی گروه‌های خواص به کل نابود خواهد شد و بر باد خواهد رفت. سخط و خشم عمومی، خشنودی گروه‌های خاص را پایمال خواهد کرد... . بعد عکسش را می‌فرمایند: یعنی اگر فرض کنیم که گروه‌های خاص

۱- بیانات در سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، ۱۳۹۴/۳/۱۴.
۲- دیدار با مسئولان نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۹۴/۴/۲.

سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و غیره، سرِ سیاست و عملی از ما خشمگین و ناراضی شدند و گفتند که دولت چرا این کار را انجام داد، چنانچه یغتفر مع رضی العامة[۱]، یعنی وقتی که عامه و – به تعبیر امروز ما – تودهٔ مردم خشنود و راضی باشند، خشم آن گروه‌ها قابل بخشایش است. باید این را فکر کرد.[۲]

دانستن قدر مردم

رئیس جمهور قدر مردم را بداند؛ با مردم صمیمی باشد؛ برای مردم مجاهدت کند؛ برای مردم کار و تلاش کند.[۳]

ایجاد نظام پاسخگویی به مردم

نظام پاسخگویی را برای خودتان متحتم[۴] بدانید. واقعاً وزیر در حوزهٔ کار خودش، مدیران وزارتی در حوزهٔ کار خودشان، معاونان هر کدام در حوزهٔ کارِ خودشان پاسخگو باشند؛ یعنی هم در برابر خطایی که انجام می‌گیرد واقعاً پاسخگو باشند؛ هم در برابر کار لازمی که باید انجام می‌گرفته و انجام نمی‌گیرد پاسخگو باشند. در خیلی از موارد خلافی انجام نگرفته اما خلاف این بوده که کارهای زیادی باید انجام می‌گرفته ولی انجام نگرفته. کار نکردن به مقدار لازم هم یک نوع تخلف است.[۵]

توجه بیشتر به محرومان

وقتی می‌گوییم مردم، منظور همهٔ طبقات مردمند لیکن بدیهی است کسانی از مردم باید بیشتر مورد توجه قرار گیرند که بیشتر مورد محرومیت قرار گرفته‌اند لذا امام دائماً روی طبقات محروم و پابرهنگان کشور تکیه می کردند.[۶]

این فریب است که کسی ادعا کند برای مردم کار می‌کند اما در عمل، کار او برای طبقات مرفه باشد، نه برای طبقات مستضعف و محروم. نه

۱- نهج البلاغه، نامهٔ ۵۳
۲- دیدار با رئیس جمهور و هیأت وزیران به مناسبت آغاز هفتهٔ دولت، ۱۳۷۶/۶/۲.
۳- دیدار با اجتماع بزرگ مردم کرمان، ۱۳۸۴/۲/۱۱.
۴- لازم و حتمی
۵- دیدار با هیأت دولت، ۱۳۸۴/۶/۸.
۶- بیانات در سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره)، ۱۳۸۰/۳/۱۴.

این‌که نباید برای طبقات مرفه کار کرد؛ آنها هم از حقوق عمومی کشور باید بهره‌مند شوند اما به آن کسی که محرومیت دارد و دستش از حقوق خود خالی مانده است، باید بیشترِ توجه و همت و تلاش را اختصاص داد.[۱]

به طبقهٔ مستضعف و محروم – به خصوص مستضعفین بی‌دست و پا – به‌طور ویژه توجه شود.[۲]

لزوم عمل به وعده‌ها و خدمت بی منت به مردم

خلف وعده با مردم نکنید. آنچه به مردم وعده می‌دهید، اصرار داشته باشید که آن را انجام دهید؛ یعنی خودتان را گردن‌گیر آن وعده بدانید. این‌طور نباشد که بگوییم نشد که نشد؛ چه کار کنیم؛ نه، اصرار کنید. البته یک وقت انسان به اضطرار برخورد می‌کند، آن بحث دیگری است اما تا آن‌جایی که توان و قدرت در شما هست، تلاش کنید وعده‌ای را که به مردم دادید، عمل کنید و منت هم نگذارید.[۳]

آنچه وعده می‌دهید انجام بگیرد. اگر نمی‌شود، همان وعده‌ای که داده‌اید، صاف بیایید به مردم بگویید نمی‌شود.[۴]

گزارش عملکرد دولت به مردم

یک مسأله، مسألهٔ اطلاع‌رسانی است که من بارها گفته‌ام. گزارش باید واقعاً هنرمندانه باشد، نه به شکل گزارش‌های متعارف و عادی. در بخش‌های مختلف، وزرا برای گزارش برنامه‌سازی کنند. گزارش دادن کار آسانی نیست؛ کار بسیار مشکلی است که انسان بخواهد از عملکرد خود گزارشی بدهد که باور مردم و اذعان مردم را همراه داشته باشد. این کار هنرمندانه‌ای است و بایستی انجام شود.[۵]

۱- بیانات در سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره)، ۱۳۸۰/۳/۱۴.
۲- دیدار با اقشار مختلف مردم، ۱۳۸۴/۳/۲۵.
۳- دیدار با هیأت دولت، ۱۳۸۴/۶/۸.
۴- دیدار با رئیس جمهور و هیأت دولت، ۱۳۸۷/۶/۲.
۵- همان

صمیمیت با مردم

بهترین، آن کسی است که درد کشور را بفهمد، درد مردم را بداند، با مردم یگانه و صمیمی باشد.[۱]

دانستن درد مردم

اولین کار این است که ما مسئولین کشور را افرادی انتخاب کنیم که مردمی باشند، ساده‌زیست باشند، درد مردم را بدانند و خودشان از درد مردم احساس درد کنند. این هم به نظر من شاخص مهمی است. آگاهانه بگردید، برسید.[۲]

تماس مستقیم و انس با مردم

روحیهٔ مردمی و خاکی هم خیلی باارزش است؛ این را قدر بدانید. شما امتیازتان به تشخص ظاهری و شکل و قیافه نیست؛ امتیازتان به همین است که خودتان را با مردم هم‌سطح کنید، به شکل مردم و در میان مردم باشید، با مردم تماس بگیرید، با آنها انس پیدا کنید، از آنها بشنوید. این امتیاز بزرگی است.[۳]

مفید بودن سفرهای استانی و ارتباط چهره به چهره

در رساندن خدمت به افراد محروم جامعه و عدالت، به اعتقاد من این مسألهٔ سفرهای استانی خیلی مهم است. این کاری که آقایان بر دوش گرفتید و راه افتادید و رفتید و همه جای کشور را زیر پا گذاشتید و با مردم تماس گرفتید و از نزدیک درد دل‌های مردم را– که از زبان مسئولینشان، ائمهٔ جمعه‌شان و افراد شاخصشان گفته می‌شود– شنیدید، خیلی به نظر من خوب است. بنده خودم سال‌هاست در مسائل اجرایی و غیر اجرایی این کشور هستم اما وقتی به منطقه‌ای مسافرت می‌کنم و برمی‌گردم، معلومات من نسبت به آن منطقه چند برابر معلوماتی می‌شود که انسان از روی کاغذ و در گزارش‌ها و به‌طور کلی می‌بیند. رفتن به سفر و مواجه شدن با

۱- دیدار با مردم استان کردستان در میدان آزادی سنندج، ۱۳۸۸/۲/۲۲.
۲-همان.
۳- دیدار با رئیس‌جمهور و هیأت دولت، ۱۳۸۷/۶/۲.

واقعیت‌های زندگی مردم، خیلی چیز مهمی است. چطور ممکن است کسی این را انکار کند یا درباره‌اش تردید کند یا در فایده و سود او تشکیک کند؟ این خیلی کار مهمی است. این کار را شماها دارید انجام می‌دهید. البته زحمت هم دارد؛ زحمتش را هم قبول می‌کنید.[۱]

خیلی برای من جالب است. رئیس‌جمهور وزیر و مدیران ارشد اجرایی کشور به شهرهای مختلف می‌روند. این رفتن به شهرها خیلی تأثیر دارد. بعضی می‌گویند آقا ما گزارش‌ها را که می‌خوانیم؛ نه، گزارش خواندن فرق می‌کند با رفتن. شاید بیش از اغلب مدیرها برای من گزارش می‌آید. وقتی انسان می‌رود به شهری، می‌رود به استانی، می‌نشیند با مردمی، می‌نشیند با یک مجموعهٔ جوانی، می‌بیند گزارش‌ها با آنچه واقعیت است، تفاوت‌هایی دارد. انسان آنچه می‌بیند و می‌شنود، از گزارش خیلی باارزش‌تر است.[۲]

۱- دیدار با هیأت دولت، ۱۳۸۶/۶/۴.

۲- دیدار با دانشجویان دانشگاه‌های استان یزد، ۱۳۸۶/۱۰/۱۳.

ارزیابی عملکرد دولت (۱۰۰-۰)	دولت جدید	روحانی	احمدی نژاد	خاتمی	هاشمی
۱. اعتقادبه‌سفرهای استانی‌وارتباط‌چهره به چهره‌با‌مردم					
۲. توجه ویژه به مستضعفین					
۳. ایجاد نظام پاسخگویی به مردم					
٤. اطلاع‌رسانی‌مناسب خدمات به مردم					
٥. ندادن وعده‌های نشدنی					
٦. صمیمیت با مردم					
۷. ترجیح منافع مردم بر منافع گروه‌های خاص					
۸. اعتماد داشتن به مردم در سپردن کارها به آنها					

۱۰- نگاه عملی رئیس‌جمهور در زمینهٔ مبارزه با فساد

فرمان هشت ماده ای

حکومتی که مفتخر به الگو ساختن نظام علوی است باید در همه حال تکلیف بزرگ خود را کم کردن فاصلهٔ طولانی خویش با نظام آرمانی علوی و اسلامی بداند و این جهادی از سر اخلاص و همتی سستی‌ناپذیر می‌طلبد... .لازم است نکاتی را به حضرات آقایان و دیگر دست اندرکاران کشور که می‌توانند در مبارزه با فساد مالی ایفای نقش کنند، تذکر دهم:

(تسامح نداشتن در مبارزه با فساد)

۱- با آغاز مبارزهٔ جدی با فساد اقتصادی و مالی، یقیناً زمزمه‌ها و به‌تدریج فریادها و نعره‌های مخالفت با آن بلند خواهد شد. این مخالفت‌ها عمدتاً از سوی کسانی خواهد بود که از این اقدام بزرگ متضرر می‌شوند و طبیعی است بددلانی که با سعادت ملت و کشور مخالفند یا ساده‌دلانی که از القائات آنان تأثیر پذیرفته‌اند با آنان هم‌صدا شوند. این مخالفت‌ها نباید در عزم راسخ شما تردید بیفکند. به مسئولان خیرخواه در قوای سه گانه بیاموزید که تسامح در مبارزه با فساد، به نوعی همدستی با فاسدان و مفسدان است. اعتماد عمومی به دستگاه‌های دولتی و قضایی در گرو آن است که این دستگاه‌ها در برخورد با مجرم و متخلف، قاطعیت و عدم تزلزل خود را نشان دهند.

(اصلاح تصور غلط از مبارزه با فساد)

۲- ممکن است کسانی به خطا تصور کنند که مبارزه با مفسدان و سوءاستفاده‌کنندگان از ثروت‌های ملی موجب ناامنی اقتصادی و فرار سرمایه‌هاست. به این اشخاص تفهیم کنید که به عکس، این مبارزه موجب امنیت فضای اقتصادی و اطمینان کسانی است که می‌خواهند فعالیت سالم اقتصادی داشته باشند. تولیدکنندگان این کشور، خود نخستین قربانیان فساد مالی و اقتصاد ناسالم‌اند.

(سپردن مبارزه با فساد به پاک دستان)

۳- کار مبارزه با فساد را چه در دولت و چه در قوهٔ قضاییه به افراد مطمئن و برخوردار از سلامت و امانت بسپارید. دستی که می خواهد با ناپاکی دربیفتد باید خود پاک باشد و کسانی که می‌خواهند در راه اصلاح عمل کنند باید خود برخوردار از صلاح باشند.

(رعایت ظرافت های مبارزه با فساد)

۴- ضربهٔ عدالت باید قاطع ولی در عین حال دقیق و ظریف باشد. متهم کردن بیگناهان یا معاملهٔ یکسان میان خیانت و اشتباه یا یکسان گرفتن گناهان کوچک با گناهان بزرگ جایز نیست. مدیران درستکار و صالح و خدمتگزار که بی گمان، اکثریت کارگزاران در قوای سه گانهٔ کشور را تشکیل می دهند نباید مورد سوء ظن و در معرض اهانت قرار گیرند و یا احساس ناامنی کنند. چه نیکوست که تشویق صالحان و خدمتگزاران نیز در کنار مقابله با فساد و مفسد، وظیفه‌ای مهم شناخته شود.

(شناسایی نقاط دچار آسیب)

۵- بخش‌های مختلف نظارتی در سه قوه از قبیل سازمان بازرسی کل کشور، دیوان محاسبات و وزارت اطلاعات باید با همکاری صمیمانه، نقاط دچار آسیب در گردش مالی و اقتصادی کشور را به درستی شناسایی کنند و محاکم قضایی و نیز مسئولان آسیب زدایی در هر مورد را یاری رسانند.

(پوشش اطلاعاتی مناسب وزارت اطلاعات)

۶- وزارت اطلاعات موظف است در چهارچوب وظایف قانونی خود، نقاط آسیب‌پذیر در فعالیت‌های اقتصادی دولتیِ کلان مانند معاملات و قراردادهای خارجی و سرمایه‌گذاری‌های بزرگ، طرح‌های ملی و نیز مراکز مهم تصمیم‌گیری اقتصادی و پولی کشور را پوشش اطلاعاتی دهد و به دولت و دستگاه قضایی در تحقق سلامت اقتصادی یاری رساند و به طور منظم به رئیس جمهور گزارش دهد.

(پرهیز از تبعیض در مبارزه با فساد)

۷- در امر مبارزه با فساد نباید هیچ تبعیضی دیده شود. هیچ‌کس و هیچ نهاد و دستگاهی نباید استثنا شود. هیچ شخص یا نهادی نمی‌تواند با عذر انتساب به این‌جانب یا دیگر مسئولان کشور، خود را از حساب‌کشی معاف بشمارد. با فساد در هر جا و هر مسند باید برخورد یکسان صورت گیرد.

(پرهیز از اظهارات تبلیغاتی و نسنجیده در مبارزه با فساد)

۸- با این امر مهم و حیاتی نباید به گونهٔ شعاری و تبلیغاتی و تظاهرگونه رفتار شود. به جای تبلیغات باید آثار و برکات عمل مشهود گردد. به دست اندرکاران این‌مهم تأکید کنید که به جای پرداختن به ریشه‌ها و امالفسادها به سراغ ضعفا و خطاهای کوچک نروند و نقاط اصلی را رها نکنند. هرگونه اطلاع رسانی به افکار عمومی که البته در جای خود لازم است، باید به دور از اظهارات نسنجیده و تبلیغات‌گونه بوده و حفظ آرامش و اطمینان افکار عمومی را در نظر داشته باشد.[۱]

از فرصت‌های شغلی نباید استفادهٔ شخصی شود. نباید ریخت و پاش صورت گیرد. این نامه هشت ماده‌ای که من به آقایان رؤسای سه قوه نوشته‌ام، جدی است. ما گذاشته‌ایم آقایان اقدام کنند اما اگر اقدام نکنند، بنده خودم وارد میدان می‌شوم و اقدام می‌کنم.[۲]

لزوم مبارزهٔ جدی و غیر زبانی با فساد

حالا اسم فساد زیاد آورده می‌شود. حرف زدن راجع به فساد که فایده‌ای ندارد؛ با دزد دزد گفتن، دزد از دزدی دست برنمی‌دارد؛ باید رفت وارد شد. مسئولان کشور، روزنامه که نیستند که راجع به فساد حرف می‌زنند. بله، روزنامه راجع به فساد ممکن است حرف بزند، من و شما که مسئول هستیم باید اقدام کنیم؛ حرف، دیگر چیست؟ وارد بشوید؛ [اگر] بلدیم اقدام کنیم، جلوی فساد را به‌معنای واقعی کلمه بگیریم.[۳]

۱- فرمان هشت ماده ای به سران قوا در مبارزه با مفاسد اقتصادی، ۱۳۸۰/۲/۱۰.
۲- دیدار با رئیس جمهور و هیأت دولت، ۱۳۸۰/۶/۵.
۳- دیدار با جمعی از کارگران سراسر کشور، ۱۳۹۴/۲/۹.

اصلح یعنی کسی که برای ریشه کنی فقر و فساد عزم جدی داشته باشد.[۱]

منصب حکومتی، جایگاه قدرت و منابع مالی است. وسوسه‌ها در اینجا انسان را راحت نمی‌گذارد. حالا شما به خودتان نگاه نکنید که متدینید و سطح بالا هستید و مقاومت می کنید در مقابل این وسوسه‌ها؛ در درجات پایین ممکن است در مقابل این وسوسه‌ها نتوانند مقاومت بکنند. شما باید مراقب باشید، شما باید چشم بصیرِ بینای خودتان را بر سرتاسر این دستگاهی که زیر اشراف شماست و تحت مدیریت شماست، آن‌چنان بگسترانید که نگذارید در گوشه‌ای ناسلامتیِ اقتصادی به‌وجود بیاید و این وسوسه‌ها کارگر بشود... . این نورافکن نگاه شما باید دائم دور بزند؛ یعنی هیچ خلأ [برای] نفوذ وجود نداشته باشد؛ دائم باید نگاه کنیم، مراقبت بکنیم. واقعاً فساد مثل موریانه است؛ نگذارید که فساد و رشوه و پارتی‌بازی و اسراف و تجمل و خرج‌های زیادی و مانند اینها در دستگاهتان نفوذ بکند.[۲]

دولت، مسئول اول مبارزه با فساد

معتقدم مبارزه با فساد، در درجهٔ اول کار خود دولت است؛ به خصوص که دولتمردان سطح بالای ما افراد پاکی هستند. شما می‌خواهید پاک کار بکنید؛ بنابراین می‌توانید خودتان مبارزه کنید و بکنید. بخش قضا مربوط به مرحلهٔ آخرِ کار است. در قدیم می‌گفتند: آخرین دارو، داغ کردن است.[۳]

جرأت مقابله با فساد

جرأت در مقابله با فساد. مقابله با فساد خیلی کار سختی است. یک وقتی بنده گفتم که این اژدهای هفت سرِ فساد را به این آسانی نمی شود قلع و قمع کرد؛ خیلی کار سختی است... . خب وقتی که اجزای مجموعه، خودشان آلوده به فساد نباشند، طبعاً جرأتشان بیشتر است.[۴]

۱- دیدار با مردم شهرستان جیرفت ، ۱۳۸۴/۲/۱۷.
۲- دیدار با هیأت دولت، ۱۳۹۲/۶/۶.
۳- دیدار با هیأت دولت، به مناسبت هفتهٔ دولت، ۱۳۸۱/۶/۴.
۴- دیدار با رئیس‌جمهور و هیأت دولت، ۱۳۸۷/۶/۲.

نظارت بر زیر مجموعه ها

نظارت بر زیرمجموعه هم خیلی مهم است. من اصرار و تأکید دارم که شما دوستان عزیز که مسئولان بالا و مدیران ارشد هستید، مسألهٔ نظارت بر زیرمجموعهٔ خودتان را بسیار اهمیت بدهید... . اگر شما غفلت کردید، ممکن است در همان بخشی که غفلت کرده‌اید نابسامانی انجام بگیرد.[۱]

لزوم نظارت بر کارها

نظارت در همهٔ سطوح است؛ باید نظارت بشود؛ هم رؤسای قوا باید دستگاه‌های خودشان را تحت نظارت قرار بدهند، هم مجمع تشخیص موظف است که به مسئولیت نظارتی که داده شده به‌طور کامل عمل کند و ببیند که چه دارد اتفاق می‌افتد. رهبری و دستگاه ما هم نظارت خواهد کرد ان‌شاءالله؛ بنابراین نظارت یکی از الزامات اصلی است.[۲]

لزوم قاطعیت در مبارزه با فساد

به مسئولان خیرخواه در قوای سه‌گانه بیاموزید که تسامح در مبارزه با فساد، به نوعی همدستی با فاسدان و مفسدان است. اعتماد عمومی به دستگاه‌های دولتی و قضایی در گرو آن است که این دستگاه‌ها در برخورد با مجرم و متخلف قاطعیت و عدم تزلزل خود را نشان دهند.[۳]

پرهیز از وابستگی به مراکز قدرت و ثروت برای به دست آوردن مسئولیت

از نظر امام بزرگوار، تکیه به ثروت و تکیه به قدرت برای گرفتن مسئولیت، جزو خطرهای بزرگ برای کشور و برای انقلاب بود. خب، اینها ابعاد خط امام است.[۴]

لزوم مقابلهٔ جدی با قاچاق

یک مسأله هم مسألهٔ قاچاق است. بنده مکرر با مسئولین دولتی در

۱- همان.
۲- بیانات در جلسهٔ تبیین سیاست های اقتصاد مقاومتی ، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰.
۳- فرمان هشت ماده ای به سران قوا در مبارزه با مفاسد اقتصادی، ۱۳۸۰/۲/۱۰.
۴- بیانات در سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، ۱۳۹۰/۳/۱۴.

دولت‌های مختلف راجع به همین مسألهٔ واردات صحبت می‌کنم... جلوی قاچاق را جدی باید گرفت. ما تا حالا در مبارزه با قاچاق خیلی جدی عمل نکرده‌ایم؛ در مبارزه با قاچاق جدی عمل کنید. مراد من از قاچاق، فلان کوله‌بَرِ ضعیفِ بلوچستانی نیست که می‌رود آن‌طرف یک چیزی را برمی‌دارد روی کول خودش می‌آورد این‌طرف؛ اینها که چیزی نیست، اینها اهمیتی ندارد؛ با آنها مبارزه هم نشود اشکالی ندارد. من قاچاق‌های سازمان‌یافتهٔ بزرگ را می‌گویم؛ ده‌ها کانتینر یا صدها کانتینر اجناس گوناگون قاچاق وارد کشور بشود؟ باید برویم برخورد کنیم با اینها؛ ما دولتیم، ما قدرت داریم، ما می‌توانیم؛ به‌طور جدی با اینها برخورد کنیم. چند مرتبه که برخورد جدی بشود، یا جلویش گرفته خواهد شد یا لااقل بسیار کاهش خواهد یافت. قاچاق بلای بزرگی است برای کشور؛ قاچاق از واردات دولتی و گمرکی بسیار بدتر است.[۱]

قاچاق کالاها بسیار مهم است. گفته می‌شود ۱۵ میلیارد دلار صرف قاچاق می‌شود؛ این عدد، حداقلی است که امروز گفته می‌شود؛ این خیلی رقم بالایی است؛ تا ۲۰ میلیارد و ۲۵ میلیارد هم گفته می‌شود! اینها ضربه به اقتصاد کشور است؛ جلوی قاچاق باید گرفته بشود. البته آن کسانی که مسئول مبارزه با قاچاقند، سوراخ دعا را گم نکنند! ما می‌گوییم بروید با باندهای قاچاق مبارزه کنید. من می‌گویم از مبادی رسمی کشور که جنس قاچاق وارد می‌شود، آن کسی که مأمور این کار است، خیانت نمی‌کند، [بلکه] کوتاهی می‌شود، خیانت نیست. به بنده گزارش دادند که از فلان بندر در روز مثلاً سه هزار تا پنج هزار کانتینر وارد کشور می‌شود. از مجموع این سه هزار یا پنج هزار، فقط ۱۵۰ کانتینر بازدید می‌شود! خب چرا؟ بقیه بازدید نمی‌شود و می‌آید وقتی داخل انبار رفت، معلوم می‌شود که جنس قاچاق است که وارد شده است؛ [آن هم] از مبادی رسمی کشور! حالا آنچه از مرزهای غیر رسمی وارد می‌شود که بحث دیگری است؛ یا از مناطق آزاد همین‌جور؛ باید جلوی اینها گرفته بشود و می‌توانیم. من به رئیس‌جمهور

۱- دیدار با کارگران، ۱۳۹۵/۲/۸.

محترم همین را گفتم و تذکر دادم که آن کسانی که صاحب‌نظر و مطلعند گفتند که ما می‌توانیم وسایلی بیاوریم که همین کانتینر را بدون اینکه احتیاج به توقف داشته باشد، در حال عبور بازدید کند؛ خب این ابزار را به وجود بیاورند؛ اگر لازم است بخرند یا وارد کنند یا تولید کنند. ما می‌توانیم جلوی قاچاق را بگیریم... . اینکه بروند در بازار رضای مشهد سراغ فلان فروشندهٔ انگشتر نقره که: تو قاچاق وارد کردی، یا دمِ مرز مثلاً فرض کنید [بروند سراغ] فلان خانواده که با مختصر جنس کوچکی که از این‌طرف مرز به آن‌طرف [می‌برد]، زندگی‌اش دارد می‌گذرد؛ مسأله اینها نیست؛ مسأله، آن حرکت عظیم قاچاق است.[1]

ارزیابی عملکرد دولت (۱۰۰-۰)	دولت جدید	روحانی	احمدی نژاد	خاتمی	هاشمی
۱. وابسته‌نبودن رییس‌جمهوربه باندهای ثروت و قدرت					
۲. قاطعیت و بی محابا بودن در برخورد با فساد					
۳. دوری از اظهارات نسنجیده و تبلیغات‌گونه در مبارزه با فساد					
٤. ایجاد سیستم مستقل نظارتی درون‌دولتی					
۵. تبعیض نکردن در مبارزه با فساد					
٦. مبارزه با عاملان اصلی و بزرگ قاچاق					
۷. مبارزهٔ جدی با قاچاق					
۸. فسادستیزی در عمل نه ادعای صرف					

۱- بیانات در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۶/۱/۱.

این کتاب صرفا
برای انتخابات
نیست!

شاخص‌های رئیس جمهور و دولت انقلابی

به انضمام

کارنامه سنجش نامزدهای ریاست جمهوری و دولت‌ها

کتاب حاضر تلاشی است برای تبیین هرچه بیشتر بیانات ولی فقیه زمان و فهم سریع و آسان منظومه فکری ایشان. اینکه یک دولت در جمهوری اسلامی در مدت چهار سال دقیقاً با چه شاخص هایی باید ارزیابی شود و یا در ایام انتخابات ریاست جمهوری، نامزدهای ریاست جمهوری با چه شاخص‌هایی باید سنجش شوند، از مباحث مهمی است که اغلب پاسخ‌های پراکنده ای به آنها داده می شود. شاید بتوان این کتاب را به این دلیل خاص منحصر به فرد دانست که تلاش شده است در پایان مطالعه آن، مجموعه منظم و منسجمی از شاخص‌ها در ذهن مخاطب شکل بگیرد تا وی بتواند به صورت عملی از آنها استفاده کند

چیدمان دانشجویان و فارغ التحصیلان استان اصفهان
سامانه پیامک: ۳۰۰۰۶۹۶۱۶۹
@chashmentezar_313
قیمت: ۵۰۰۰ تومان